

مشارکت اجتماع و سیاست زنان افغانستان

”در روشنایی قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد و برنامه های ملی“



محمد ابوالاحرار رامزپور

مشارکت اجتماعي و سياسه

زنان افغانستان

«در روشنايي قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد و برنامه هاي ملي،»

محمد ابوالاحرار رامزپور



د افغانستان د اقتصادي او حقوقي مطالعاتو موسسه
موسسه مطالعات اقتصادي و حقوقي افغانستان
Afghanistan Economic & Legal Studies Organization

شناسنامه کتاب

نام کتاب به زبان دری: مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان
نام کتاب به زبان انگلیسی: Afghan Women's Social & Political Participation

محقق: محمد ابوالاحرار رامزپور

طرح جلد و صفحه‌آرا: خواجه الهام رستمی

ناشر: موسسه مطالعات اقتصادی و حقوقی افغانستان (AELSO)

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۰ خورشیدی

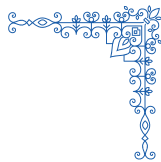
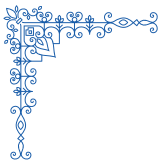
پست برقی: publications@aelso.org

صفحه اینترنتی: www.AELSO.org

شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۲۵۳۲۱۶

کلیه حقوق چاپ و تکثیر این کتاب به اجازه مولف به موسسه مطالعات اقتصادی و حقوقی افغانستان (AELSO) تعلق دارد. هر نوع کاپی‌برداری و تکثیر الکترونیک بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع می‌باشد. متخلف مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اهداء

این اثر علمی را به روان پدر مرحوم ام محمد گل «رامز» که لحظه ای از حیات خود را از تربیت و تعلیم من فرو گذاشت نکرد و با علم و ادب زیستن را برایم آموختاند، و برای مادر عزیزم که در پرورش و تربیت ام همچون تکیه گاه صبور و استوار تا این دم من را در سایه شفقت و عطف خود می پروراند و برای خواهر عزیزم منیژه رامزی که مشوق اصلی ام برای تعقیب برنامه ماستری جندرمطالعات زنان بوده و با همکاری های علمی خود در جریان نگارش این اثر با من گام برداشته است و همسر عزیزم که در بیدار خوابی ها و جریان آموزش و پژوهش من را یاری نموده است و برای همه آنانیکه زندگی مرا در مسیر معرفت و دانش سمت و سوداده اند و برای آن عزیزانیکه از این تحقیق استفاده علمی می کنند، اهدا می کنم. از خداوند منان روح پدر مرحوم ام را شاد و برای سایرین طول عمر توأم با صحت و عافیت، پیروزی و موفقیت های مزید در زندگی و کار زار علمی شان استدعا می کنم.

چکیده

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه، امروزه از عمده‌ترین مباحث اجتماعی به ویژه در کشورهای روبه انکشاف، درگیر منازعات و جوامعی که در آنجا سنن، تعاملات و عرف‌های محلی یا توجیهات تاریک اندیشانه دینی حاکم است، دانسته می‌شود. هدف اساسی این تحقیق، مطالعه چگونگی تطبیق مفاد قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون زنان، صلح و امنیت در افغانستان، در پرتو برنامه عمل دولت جمهوری اسلامی افغانستان و چالش‌های فراراه تطبیق آن با در نظر داشت شرایط موجود بود. این تحقیق از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و آینده نگر، از نظر ماهیت و روش، یک تحقیق تبیینی زمینه‌یابی، از نظر مکان، تحقیق میدانی و از نظر تحلیل داده‌ها، تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) بوده است. جامعه مورد مطالعه این تحقیق را فعالین مدنی، فعالین حوزه صلح و زنان تشکیل داده بود. نمونه آماری این تحقیق را یک صد و یک تن از فعالین شناخته شده حوزه مطالعات و دادخواهی برای مشارکت زنان احتوا نمود که با توجه به پیشینه کار مسلکی و تعامل کاری محقق طی پانزده سال گذشته با فعالین و گروه‌های مدافع حقوق زنان، در ارایه پاسخ‌های پرسشنامه‌های حاوی (۳۵) سوال بسته و سه پرسش باز از آنها استمداد جسته بود. معیارهای لازم علمی برای دریافت اعتبار، اعتماد پرسشنامه‌ها از طریق توزیع (یک صد و ده) پرسش‌نامه برای افراد مورد نظر از حوزه مطالعات زنان مورد آزمایش قرار گرفت که موفق به دریافت پاسخ از یک صد و یک تن آن‌ها گردیدیم. در نتیجه (۹۵/۰) ضریب الفای کرونباخ برای پرسش‌نامه‌ها دریافت گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار SPSS انجام یافت و ارجاع منابع با بکارگیری روش APA^۱ انجام شد. منابع تحقیقی شامل کتب، آخرین گزارش‌ها، سروی‌ها و تحقیقات علمی موجود در زمینه بود که در دسته بندی و ارایه نتیجه گیری کلی این تحقیق از آنها استفاده به عمل آمد. یافته‌های تحقیق نشان داد که از بدو تصویب پلان عمل ملی، زنان، صلح و امنیت برای تحقق مفاد قطعنامه ۱۳۲۵ اقدامات و برنامه‌هایی از سوی دولت و همکاران ملی و بین‌المللی آن در زمینه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه انجام یافته است، اما بنا بر دلایل مختلف هنوز چالش‌ها و موانع زیادی فرا روی این اقدامات به نظر رسید که مستلزم توجه جدی حکومت، قوای مقننه و همکاران آن می‌باشد.

پیشگفتار

هدف اساسی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه این است که زنان قادر باشند تا در کنار مردان با سهم‌گیری در امور مختلف حیات اجتماعی اعم از سیاست، امنیت، اقتصاد، آموزش و پرورش، اداره و غیره، در پیشرفت و توسعه جوامع ایکه در آن زندگی می‌کنند آزادانه در چوکات قانون نقش ایفا نمایند و نیز از خدمات و حقوق ایکه دولت و قانون برای شهروندان ارایه و حمایت می‌کند، مستفید گردند. بحث مشارکت زنان در جامعه افغانی در طول تاریخ معاصر افغانستان به ویژه در دوران بعد از استقلال، فراز و فرود‌هایی زیادی را تجربه کرده است و علی‌الرغم پیشرفت‌هایی قابل ملاحظه در سالیان پسین، مستلزم مطالعه، آسیب‌شناسی و اقدامات لازم ایست تا از بهبود، استمرار و پیشرفت‌های لازم در آینده اطمینان دهد.

این فرازوفرودهای تاریخی مشارکت زنان در حیات جامعه افغانی، بادر نظر داشت مرحله حساس تاریخی ایکه اکنون افغانستان در آن قرار دارد، بر نگرانی‌های فعالین این حوزه ازسرنوشت مشارکت زنان در شکل‌گیری توافقات صلح و ساختارهای احتمالی ناشی از آن افزوده و مشارکت سیاسی زنان را به هاله‌ای از ابهام مواجه ساخته است. این در حالیست که افغانستان در سالیان اخیر به یک تعداد اسناد بین‌المللی حقوق بشری و حقوق زنان به شمول قطعنامه ۱۳۲۵ پیوسته است و پلان عمل ملی زنان، صلح و امنیت می‌تواند زمینه ساز تحقق این سند مهم بین‌المللی گردد.

اهمیت موضوع مشارکت زنان در اجتماع، ونارسایی‌ها و نگرانی‌های موجود در این زمینه سبب شد تا روی این موضوع تحقیق نمایم.

فهرست عناوین

صفحه

عنوان

اول. کلیات تحقیق

۱	پیش‌گفتار ناشر
۳	مقدمه
۴	بیان مسأله
۵	اهمیت تحقیق
۶	ضرورت تحقیق
۷	اهداف تحقیق
۸	سوال‌های تحقیق
۹	فرضیه‌های تحقیق
۱۵	تعریف متغیرها و اصطلاحات
۱۵	مدل مفهومی تحقیق

دوم. پیشینه تحقیق

۱۷	تعریف و مفهوم مشارکت
۱۹	انواع مشارکت
۱۹	هدف مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان
۲۰	ابعاد مشارکت زنان در اجتماع
۲۱	مؤلفه‌های عمده مشارکت زنان در اجتماع
۲۱	رابطه بین مشارکت و توسعه
۲۲	مبانی نظری مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان
۲۴	دیدگاه اسلام در مورد مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان
۲۶	مشارکت زنان در قوانین و اسناد حقوقی افغانستان

فهرست عناوین

عنوان

صفحه

دوم. پیشینه تحقیق

- جایگاه و نقش ملل متحد در رابطه به اسناد بین‌المللی مصوب آن در جهان ۲۷
- نقش سازمان ملل متحد در حمایت و توسعه حقوق زنان در جهان و افغانستان
- ارگان‌های ناظر و کنفرانس‌های عمده ملل متحد در حمایت و توسعه مشارکت و حقوق زنان ۳۱
- تاریخچه سیر تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ زنان، صلح و امنیت ملل متحد ۳۳
- مؤلفه‌های چهار گانه قطعنامه ۱۳۲۵ (مشارکت، محافظت، پیشگیری، رفاه و بهبود) ۳۴
- رویکرد دولت افغانستان نسبت به قطعنامه ۱۳۲۵ ۳۵
- مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در افغانستان ۴۱
- چشم انداز مشارکت زنان در استراتژی‌های ملی افغانستان
- دست آوردهای عمده مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در افغانستان در سه سال اخیر ۴۴
- مشارکت زنان در سطوح رهبری و اداره ۴۴
- مشارکت زنان در پروسه صلح ۴۵
- مشارکت زنان در بازسازی و توسعه اقتصادی ۴۶
- مشارکت زنان در توسعه فرهنگی- اجتماعی ۴۸
- مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان و جامعه مدنی ۴۹
- مشارکت زنان در پلان کاری ملی ۲۰۰۷-۲۰۱۷ برای زنان ۵۰
- افغانستان (NAPWA)

دوم. پیشینه تحقیق

۵۱	چالش ها و موانع مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در افغانستان
۵۲	نگاهی به پلان عمل ملی زنان، صلح و امنیت دولت ج.ا.ا. ۲۰۱۵-۲۰۲۲
۵۴	مؤلفه‌های پلان عمل ملی ۱۳۲۵
۵۴	مشارکت
۵۴	حفاظت
۵۵	پیشگیری
۵۵	توسعه و بهبود
۵۵	تطبیق پلان عمل
۵۷	نظارت و ارزیابی از تطبیق برنامه عمل
۵۷	تاثیرات عملی پلان عمل برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ برحیات سیاسی و اجتماعی زنان افغانستان
۶۲	نقش فعالین صلح، حقوق زن و مدنی در ترویج و دادخواهی مفاد قطعنامه ۱۳۲۵ و پلان عمل
۶۲	چالش ها و موانع در راستای تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ و پلان عمل
۶۳	مروری بر تازه ترین تحقیقات، سرویه‌ها و گزارش‌ها در مورد مشارکت زنان در افغانستان
۶۳	۱. سروی‌های سالانه بنیاد آسیا
۶۳	۲. مروری بر گزارش سال ۲۰۱۸ نظارت از پلان عمل ملی موسسه مطالعات عامه افغانستان
۷۱	۳. مشارکت زنان در گزارش وضعیت زنان و مردان اداره مرکزی احصائیه افغانستان

دوم. پیشینه تحقیق

۴. آمار سالنامه احصائیوی ۱۳۹۶ ۷۲
۵. پالیسی کمیسیون مستقل اصلاحات إداری پیرامون افزایش مشارکت زنان در خدمات ملکی ۷۲
۶. نگاهی به بازتاب مشارکت زنان در آخرین گزارش اداوارى جهانى حقوق بشر افغانستان ۷۳
۷. نگاهی به هزینه‌های مجامع بین‌المللی در زمینه مشارکت ۷۴

سوم. روش تحقیق

- سوم. روش تحقیق ۷۹
- تجزیه و تحلیل کمی ۸۱
- تجزیه و تحلیل کیفی ۸۱
- تجزیه و تحلیل توصیفی ۸۱
- جامعه آماری، نمونه و نمونه برداری ۸۱
- نمونه ۸۲
- دامنه تحقیق ۸۲
- روش میدانی ۸۳
- پروسه جمع آوری آمار ۸۵
- مصاحبه ۸۷
- محدودیت‌های تحقیق ۸۷

فهرست عناوین

صفحه

عنوان

سوم. روش تحقیق

۸۸	مطالعات اکتشافی تحقیق
۸۹	نمونه گیری
۸۹	محل تحقیق

چهارم. تجزیه و تحلیل اطلاعات

۹۰	الف : تجزیه و تحلیل کمی
۱۲۸	تجزیه و تحلیل کیفی

پنجم. یافته‌های تحقیق، مناقشه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱۳۵	خلاصه یافته‌ها
۱۳۸	مناقشه
۱۴۶	نتیجه‌گیری
۱۵۰	پیشنهادها
۱۵۴	منابع و مأخذ
۱۶۰	ضمایم
۱۶۰	ضمیمه شماره: ۱
۱۶۶	ضمیمه شماره: ۲ - (قطعه‌نامه)
۱۷۲	ضمیمه شماره: ۳ - جدول‌های SPSS

فهرست اشکال

شماره شکل

شکل شماره (۱): مدل مفهومی تحقیق.

شکل شماره (۲) ضریب الفای کرباخ.

شکل شماره (۳): جنسیت جواب دهنده گان.

شکل شماره (۴): تحصیل جواب دهنده گان.

شکل شماره (۵): نوع فعالیت مدنی.

شکل شماره (۶): مدت فعالیت مدنی.

شکل شماره (۷) پیرامون سوال ۱.

شکل شماره (۸) پیرامون سوال ۲.

شکل شماره (۹) پیرامون سوال ۳.

شکل شماره (۱۰) پیرامون سوال ۴.

شکل شماره (۱۱) پیرامون سوال ۵.

شکل شماره (۱۲) پیرامون سوال ۶.

شکل شماره (۱۳) پیرامون سوال ۷.

شکل شماره (۱۴) پیرامون سوال ۸.

شکل شماره (۱۵) پیرامون سوال ۹.

شکل شماره (۱۶) پیرامون سوال ۱۰.

شکل شماره (۱۷) پیرامون سوال ۱۱.

شکل شماره (۱۸) پیرامون سوال ۱۲.

شکل شماره (۱۹) پیرامون سوال ۱۳.

شکل شماره (۲۰) پیرامون سوال ۱۴.

- شکل شماره (۲۱) پیرامون سوال ۱۵.
- شکل شماره (۲۲) پیرامون سوال ۱۶.
- شکل شماره (۲۳) پیرامون سوال ۱۷.
- شکل شماره (۲۴) پیرامون سوال ۱۸.
- شکل شماره (۲۵) پیرامون سوال ۱۹.
- شکل شماره (۲۶) پیرامون سوال ۲۰.
- شکل شماره (۲۷) پیرامون سوال ۲۱.
- شکل شماره (۲۸) پیرامون سوال ۲۲.
- شکل شماره (۲۹) پیرامون سوال ۲۳.
- شکل شماره (۳۰) پیرامون سوال ۲۴.
- شکل شماره (۳۱) پیرامون سوال ۲۵.
- شکل شماره (۳۲) پیرامون سوال ۲۶.
- شکل شماره (۳۳) پیرامون سوال ۲۷.
- شکل شماره (۳۴) پیرامون سوال ۲۸.
- شکل شماره (۳۵) پیرامون سوال ۲۹.
- شکل شماره (۳۶) پیرامون سوال ۳۰.
- شکل شماره (۳۷) پیرامون سوال ۳۱.
- شکل شماره (۳۸) پیرامون سوال ۳۲.
- شکل شماره (۳۹) پیرامون سوال ۳۳.
- شکل شماره (۴۰) پیرامون سوال ۳۴.
- شکل شماره (۴۱) پیرامون سوال ۳۵.

اول. کلیات تحقیق

مقدمه

مقارن با آغاز قرن ۲۱ در ۳۱ اکتوبر سال ۲۰۰۰ میلادی، کشورهای جهان با تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد، واردگشایش صفحه جدیدی در ضرورت رویکرد دولت ها نسبت به مسئله زنان گردیدند. این قطعنامه دولت های عضو ملل متحد را ملزم ساخت تا با اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم در سطح ملی، زمینه های افزایش مشارکت زنان را در عرصه های سیاسی و اجتماعی مانند پروسه های صلح و سکتور امنیتی گسترش داده و در محافظت آنها با پیش گیری از منازعات و خشونت و فراهم آوری خدمات رفاه توجه لازم مبذول دارند.

دولت افغانستان به حیث عضو فعال ملل متحد، جهت تحقق بهتر قطعنامه مذکور در همکاری نزدیک با نهادهای جامعه مدنی و مدافعین حقوق زنان، با طرح برنامه عمل ملی (زنان، صلح و امنیت) در سال ۲۰۱۵، گام های لازم را در زمینه، پی ریزی و برخی از آنها را تا حال عملی نموده است.

مشارکت که به مفهوم شرکت داوطلبانه و آزاد افراد در فرآیند توسعه و پیشرفت می باشد، همچنان مستلزم آنست تا زنان و مردان دوشادوش هم در تصمیم گیری، اجرای برنامه های حکومت داری به ویژه برنامه های صلح و امنیت در جوامع ای در حال گذار از منازعه بسوی فضای دموکراتیک و با ثبات سهیم باشند.

مشارکت زنان در حیات اجتماعی و سیاسی جامعه افغانی از استرداد استقلال به بعد فراز و نشیب هایی را گذرانیده است. توافقات بن در سال ۲۰۰۱ میلادی افغانستان را در مسیر جدیدی از تاریخ آن قرارداد که در این مرحله شاهد بسط و توسعه تعهدات حقوق بشری به شمول فراهم سازی زمینه های مشارکت زنان در اداره، سیاست، امنیت، اجتماع و پروسه صلح و آشتی ملی می باشیم.

ظهور و رشد نهادهای مدنی فعال در زمینه‌های صلح پروری و حمایت از داعیه حقوق زنان طی سال‌های اخیر که به آگاهی دهی، دادخواهی، نشر سروی‌ها و آرایه گزارش‌های تحقیقی مختلف به ویژه بعد از تصویب برنامه عمل پرداخته اند، توأم با نگرانی هاو چالش‌های گوناگونی که هنوز فرا راه مشارکت فعال زنان وجود دارد، مطالعه و تحلیل وضعیت مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان را بیش تر از پیش موجه می سازد. در آوانیکه مشکلات متعدد اجتماعی و سیاسی دامنگیر وضعیت کشور است، تحقیق حاضر می تواند تا حدی، برای بررسی پیشرفت‌های موجود ممد واقع گردیده، توانمند سازی نهادهای ذیربط، تشخیص چالش‌ها، اجتناب از اشتباه‌های قبلی و دریافت راهکارهای موثر و کارا در زمینه تحقق بهتری یکی از اهداف این قطعنامه و برنامه عمل دولت، یعنی (مشارکت زنان) را سبب گردد.

بیان مسأله^۱

مسأله اصلی پیرامون تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد عملی نشدن برنامه عمل دولت افغانستان است. از مطالعه گزارش ها و سروی های انجام شده، چنین بر می آید که اقدامات، کارها و برنامه های زیادی طی سال های اخیر عملی شده است اما تا هنوز این برنامه ها نتوانسته است آنگونه که توقع می رود، از مشارکت عملی زنان در دو عرصه: ۱- سطوح تصمیم گیری و اجرایی خدمات ملکی، امنیت، صلح و إدغام مجدد و ۲- تقویت مشارکت فعال زنان در انتخابات شورای ملی و ولایتی إطمینان دهد.

تحقیق حاضر به این معنی نیست که گویا هیچ کاری در زمینه انجام نیافته است اما این پرسش مطرح می گردد که چرا تا هنوز علی الرغم اقدامات مختلف، اجرای پروژه های متنوع و صرف هزینه های هنگفت توسط همکاران ملی و بین المللی، وضعیت مشارکت زنان در جامعه افغانی به طور محسوس رشد نه نموده، چالش های گوناگونی در زمینه به نظر می رسد. برای دریافت معلومات دقیق و همه جانبه ضرورت است تا در این مورد تحقیق گردد. گزارش ها، تحقیقات و سروی هایی که تا به حال از آدرس حکومت، موسسات غیر دولتی و گروه های مدافع حقوق زنان تدوین و ارایه گردیده است، در بسیاری موارد نه تنها یک تصویر بی طرفانه، جامع و آینده نگر از وضعیت را به دست نمی دهد، بلکه تعارض و تناقضاتی را نیز نشان می دهد که خود مستلزم تحقیق و دقت است.

چگونگی تحقق کلیه اهداف برنامه عمل در بحث مشارکت، به مؤلفه های دیگر چون ختم نا امنی و ایجاد صلح و امنیت، نقش زنان در سطوح تصمیم گیری و خدمات ملکی، إدغام مجدد، حضور در انتخابات و فعالیت های اجتماعی دیگر نیز گره خورده است و همچنان سطح آگاهی، نحوه نگرش، میزان حمایت و مشارکت همکاران ملی یعنی نهادهای مدنی، مدافعان صلح و حقوق زنان نیز در تحقق آن از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار می باشد.

اهمیت تحقیق

هرچند مسأله مشارکت زنان در کنار سایر مؤلفه‌های چهار گانه قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد مانند: محافظت، پیشگیری، بهبود و رفاه، طی سال‌های اخیر مورد توجه دولت و شرکای ملی و بین‌المللی آن در افغانستان قرار داشته، قوانین، لوایح، مقررات و پالیسی‌های متعددی که به شکلی از اشکال مؤید و راه‌گشای تطبیق مفاد قطعنامه بوده، توأم با اعمال و تنفیذ برنامه‌های مختلف مانند پلان کاری ملی (۱۳۸۷-۱۳۹۷) برای زنان افغانستان و برنامه عمل (زنان، صلح و امنیت) مصوب سال ۲۰۱۵ برای سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۲۲، در زمینه تصویب و راه اندازی گردیده اند و از تطبیق برنامه ملی اخیر الذکر که مشخصاً در پیوند به قطعنامه ۱۳۲۵ می باشد.

سه سال سپری می گردد، اما سرو صداها و قرائنی مبتنی بر سطح پایین مشارکت زنان شنیده و گزارش می شود و این نظر پیدا می گردد که در این مقطع حساس تاریخی که از یک سو سرو صداها و مذاکره و گفتگوی صلح با مخالفین مسلح اوج گرفته است و از سویی هم سیاسیون و مردم برای انتخابات جدید ریاست جمهوری آماده می شوند، باید چالش ها و عوامل بازدارنده مشارکت زنان در زمینه‌های فوق شناسایی گردیده جهت رفع و بهبود آن پیشنهادهای علمی تحلیلی متکی به یافته ها ارائه گردد.

این تحقیق نشان می دهد که برنامه عمل مصوب دولت در سال ۲۰۱۵ برای رسیدن به اهداف قطعنامه ۱۳۲۵، از بدو تصویب تا به حال به کدام دست آورد ها نایل گردیده و چگونه می توان تطبیق آن را در همکاری با فعالین صلح، جامعه مدنی و مدافعین حقوق زنان تسریع بخشید، نا رسایی ها و نقاط ضعف این گروه ها را شناسایی نمود و چگونگی وضعیت مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را من حیث نخستین بخش استقامت‌های چهارگانه این قطعنامه و پلان عمل که چرا تا حال چشمگیر نمی باشد مطالعه کرد.

محقق در این تحقیق، با درک اهمیت ویژه فعالین مدنی، زنان و صلح در جامعه ایکه معروض به مشاغل عدیده اجتماعی می باشد با در نظر داشت انکشاف ناگوار اوضاع اجتماعی طی سال های اخیر به ویژه ظهور گروه های رادیکال و افراطیت خشن در کشور، وخیم شدن وضعیت امنیتی و سایر چالش ها را به کاوش گرفته در مورد اینکه سطح آگاهی، بینش و روش کاری این گروه ها در تقویت و تحقق اهداف قطعنامه و برنامه عمل در کدام وضعیت قرار داشته و چگونه می توان نقش این گروه ها را بیشتر از پیش در زمینه متمرکزتر ساخت، به توصیف و تحلیل وضعیت موجود پرداخته، تحلیل ها و پیشنهادهای جامع را برای اصلاح امور ارایه می دارد.

ضرورت تحقیق

از آنجائی که ضرورت در تحقیق تمرکزش به تشریح چرایی نیاز به انجام پژوهش است (سروری، ۱۳۹۷، ص، ۵۱). این تحقیق در حالی انجام می پذیرد که اخیراً طرح جامع صلح حکومت افغانستان در کنفرانس بین المللی ایکه به تاریخ های ۲۸-۲۹ نوامبر ۲۰۱۸ در جینوا دایر گردیده بود، ارایه گردید که طبق آن یک دوره زمانی پنج ساله جهت نایل شدن به تحقق یک توافق آبرومند، عملی و فراگیر برای صلح پایدار مطمع نظر می باشد که بدون شک یافته های مورد نظر، وضعیت مشارکت زنان در روند صلح و چالش های برنامه های موجود را برملا ساخته و پیشنهادات لازم را ارایه می کند.

از سوی دیگر تسریع گفتگوهای صلح به وساطت نماینده خاص آمریکا در امور صلح افغانستان و احتمال یک توافق صلح با مخالفین مسلح دولت که ظاهراً به تعهدات حقوق بشری دولت به دیده شک و تردید می نگرند و هنوز وفاداری آنها به اجرای مفاد قطعنامه ها و سایر اسناد حقوقی بین المللی که دولت افغانستان طی ۱۷ سال اخیر به آنها ملحق گردیده است در ابهام قرار دارد، ضرورت اینچنین یک تحقیق را بیش تر از پیش لازمی می سازد زیرا یافته های آن می تواند میزان کارهای انجام شده در عرصه مشارکت زنان را در چوکات پلان ملی زنان، صلح و امنیت، برجسته ساخته و برای تداوم آن انگیزه تعهد به اجرای آن را توسط هر حکومت ایکه در آینده با مشارکت مخالفین مسلح دولت شکل گیرد، به میان آورد.

همچنان، انجام این تحقیق همزمان برای آماده‌گی‌های انتخابات پیش رو برای ریاست جمهوری افغانستان می‌باشد که قرار است در ماه سرطان سال ۱۳۹۸ دایر گردد و یک دوره پنج ساله دیگر را در سیاست‌گذاری‌های کشور رقم بزند که بازهم یافته‌های این تحقیق می‌تواند عطف توجه کاندیداها و حتی رییس‌جمهور منتخب را به چالش‌ها و نیازمندی‌های لازم برای رسیدن به تحقق اهداف قطعنامه و برنامه عمل به بار آورد.

اهداف تحقیق

چنانچه گفته‌اند «هدف هر تحقیق، کمک به حل مسأله بیان شده است. هدف نقطه‌ای است که محقق قصد رسیدن به آن را دارد، تا در آنجا به داوری بپردازد» از سوی دیگر مقصود و منظور نهایی از تحقیق را نیز هدف دانسته‌اند (سروری، ۱۳۹۷). همچنان موصوف به نقل از میرزایی، ۱۳۹۱، می‌نویسد که در تحقیقات نوع کاربردی هدف می‌تواند راهکارها و رهبرد‌هایی جهت تغییر اصلاح یا بهبود وضعیت موجود ارائه کند (همان منبع). به این اساس اهداف اصلی و فرعی تحقیق حاضر قرار ذیل است:

هدف اصلی

دریافت عوامل مؤثر بر تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد و برنامه عمل در ۳ سال اخیر برای مشارکت سیاسی - اجتماعی و مدنی زنان و زمینه‌هایی که پنهان مانده است می‌باشد.

اهداف فرعی:

۱. دریافت تأثیر گذاری اقدامات دولت مطابق قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل بر میزان پیشرفت زنان در سه سال اخیر.
۲. دریافت جنبه‌های ارتقای مشارکت اجتماعی، سیاسی و مدنی زنان در تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵.

۳. دریافت جنبه‌های ارتقای مشارکت زنان در پروسه صلح بر مبنای تصویب برنامه عمل دولت و قطعنامه ۱۳۲۵.
۴. دریافت جنبه‌های از تطبیق برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ در زمینه تأمین امنیت زنان در مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها.
۵. دریافت فعالیت نهادهای نظارت کننده و گزارش دهنده از تطبیق مفاد قطعنامه.

سوال‌های تحقیق

سوال اصلی تحقیق

آیا تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد و طرح برنامه عمل در ۳ سال اخیر برای مشارکت سیاسی - اجتماعی و مدنی زنان مؤثر بوده است؟

سوالات فرعی تحقیق:

۱. آیا اقدامات دولت مطابق قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل بر میزان پیشرفت زنان سه سال تأثیر گذار بوده است؟
۲. آیا تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت اجتماعی، سیاسی و مدنی زنان مؤثر بوده است؟
۳. آیا تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت زنان در پروسه صلح مؤثر بوده است؟
۴. آیا تطبیق برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ در زمینه تأمین امنیت زنان در مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها مؤثر بوده است؟
۵. آیا ایجاد نهادهای لازم برای نظارت و گزارش از تطبیق مفاد قطعنامه کافی و بسنده بوده اند؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد اقدامات دولت برای تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل بر میزان پیشرفت زنان در سه سال اخیر تأثیرگذار بوده است.

فرضیه فرعی:

۱. گمان می‌رود تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد و برنامه عمل در ۳ سال اخیر برای مشارکت سیاسی - اجتماعی و مدنی زنان مؤثر بوده است.
۲. شاید تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت اجتماعی، سیاسی و مدنی زنان موثریت داشته است.
۳. تصور می‌شود تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت زنان در پروسه صلح مؤثر بوده است.
۴. گمان بر اینست که تطبیق برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ در زمینه تأمین امنیت زنان در مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها مؤثر بوده است.
۵. به نظر می‌رسد موجودیت نهادهای لازم برای نظارت و گزارش از تطبیق مفاد قطعنامه کافی و بسنده بوده اند.

تعریف متغیرها و اصطلاحات

ملل متحد: سازمان ملل متحد سازمانی بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۵ میلادی تأسیس و جایگزین جامعه ملل شد. اعضای آن تقریباً شامل همه کشورهای مستقلی می‌شود که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. فقط واتیکان، که عضویت در سازمان را نپذیرفته است و چین ملی (تایوان) که عضویتش بعد از عضویت جمهوری خلق چین لغو شد، در سازمان ملل متحد عضو نیستند. مقرر سازمان ملل متحد در نیویورک است و کشورهای عضو و موسسات وابسته در طول هر سال با تشکیل جلسات منظم در مورد امور بین‌الملل و امور اجرایی مربوط به آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند. سازمان ملل در پایان جنگ جهانی دوم و از سوی کشورهای پیروز در آن جنگ شکل گرفت و سازمان و روال حاکم بر فعالیت آن نشان از شرایط جهانی بعد از جنگ دوم دارد. شورای امنیت قوی‌ترین نهاد سازمان ملل پنج عضو دائمی دارد که در تصمیمات این شورا حق وتو دارند.

سازمان ملل متحد به تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ که منشور به تصویب چین، فرانسه، اتحاد شوروی سابق، انگلیس، ایالات متحده و اکثریتی از دیگر امضاکنندگان آن رسید به طور رسمی به جود آمد. روز ملل متحد ۲۴ اکتبر هر سال گرامی دانسته می‌شود (توحیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۸-۱۸۴).

سازمان ملل متحد به عنوان سازمان جهانی، کانون اصلی گرد همایی، مذاکره و اخذ تصمیم در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. اهداف این مجمع بزرگ بین‌المللی مطابق ماده یک منشور آن عبارت از حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه میان ملت‌ها بر اساس احترام به اصل برابری حقوقی و خود مختاری ملت‌ها و همکاری جهانی در حل مسائل بین‌المللی که دارای ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا بشر دوستی و وجود مرکزی برای هماهنگی اقدامات ملت‌ها برای نیل به اهداف مشترک می‌باشد. ارکان اصلی سازمان ملل متحد عبارتند از شورای امنیت، مجمع عمومی، شورای اقتصادی - اجتماعی، شورای قیمومیت دبیر خانه، و دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد.

قابل تذکر است که شورای حقوق بشر نیز منحنی یک رکن دایمی در سال 1996 به پیشنهاد کوفی عنان سرمنشی وقت ملل متحد و تصویب اعضا ایجاد گردید. سازمان ملل منحنی مرجع اصلی حقوق بین المللی شناخته می شود، فیصله ها و قطعنامه های این سازمان به ویژه قطعنامه های شورای امنیت از قدرت الزامی بالای کشورهای عضو برخوردار می باشد (موسی زاده، 1393، ص، 75).

شورای امنیت: شورای امنیت بر اساس منشور ملل متحد، مسئولیت اصلی در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده دارد. شورا دارای 15 عضو می باشد: پنج عضو دائمی - چین، فرانسه، فدراسیون روسیه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا - و 10 عضو که برای مدت دو سال به وسیله مجمع عمومی انتخاب می شوند. بر اساس ماده 25 منشور، همه اعضای سازمان ملل متحد موافقت می کنند تصمیم های شورای امنیت را بپذیرند و به اجرا در آورند. در حالی که سایر ارگان های سازمان ملل متحد به کشورهای عضو توصیه می کنند، فقط شورای امنیت اختیار دارد تصمیم های اتخاذ کند که کشورهای عضو بر اساس منشور، ملزم به اجرای آن ها هستند (حقایق اساسی ملل متحد، 1384، ص، 76).

قطعنامه: به سند صادر شده از سوی یک مجمع ملی یا بین المللی اطلاق می گردد که از ارزش و جایگاه خاص حقوقی و سیاسی برخوردار باشد. ارزش حقوقی قطعنامه های ملل متحد اعم از مجمع عمومی، قطعنامه های داخلی و قطعنامه های شورای امنیت با هم فرق می کند. قطعنامه های مجمع عمومی بالای اعضای سازمان الزام آور نمی باشند. قطعنامه های داخلی ملل متحد که حدود 4 بر 5 حصه تمام قطعنامه ها را تشکیل می دهند دارای ماهیت یکسان نبوده مانند اسناد تقنینی شکلی و یا هم به شکل قواعد ماهوی عرض وجود کرده اند و ناظر بر تنظیم روابط بین ارکان مختلف سازمان ملل متحد می باشد. بخش قابل ملاحظه قطعنامه های شورای امنیت ناظر بر حفظ صلح و امنیت بین المللی بوده که بر اساس ماده 25 منشور دارای قدرت الزامی بالای اعضای ملل متحد می باشد (موسی زاده، 1393، ص، 225-224).

مشارکت: به معنای دخالت همه‌جانبه مردم در فرآیندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. مشارکت می‌تواند تحمیلی، ابزاری و یا توسعه‌ای باشد که در نوع اخیر آن مشارکت در همه سطوح از تصمیم‌گیری تا جامعیت، چند فرهنگی بودن و مراحل اجرا را در بر می‌گیرد (رضایی، ۱۳۹۵).

مشارکت سیاسی: عبارت از روندی است که با جامعه‌پذیری سیاسی پیوند ناگسستنی دارد چرا که تنها از طریق جامعه‌پذیری سیاسی هنجارها و رفتارهای نظام سیاسی مستقر، از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. یا به مفهوم دیگر جامعه‌پذیری سیاسی آشنایی و آگاهی دادن به مردم در مورد امور سیاسی کشور می‌باشد تا بتوانند در نتیجه آن رفتار سیاسی عقلانی و مطلوبی در تصمیم‌گیری‌ها از خود بروز دهند و از آن‌جا که زنان تقریباً نیمی از جمعیت جامعه‌اند تصمیم‌گیری ایشان در امور سیاسی یک رفتار سیاسی مناسب، مهم و سرنوشت‌ساز در جوامع امروزی است (همان منبع).

به عبارت دیگر، مشارکت سیاسی عبارت از اشتراک شهروندان در انتخاب، فعالیتها و تصمیم‌گیری سیاسی یک کشور می‌باشد. تمام اقشار جامعه بدون در نظر داشت قوم، زبان، حزب، مذهب و دین می‌توانند در پروسه‌های سیاسی اشتراک ورزند. نظامهای دموکراتیک با مشارکت شهروندان در فعالیتهای سیاسی شکل گرفته و معنا پیدا میکند. مشروعیت و پختگی هر نظام دموکراتیک بستگی به مشارکت فعال شهروندان در فعالیتهای سیاسی دارد (آزاد و حیدری، ۱۳۹۴).

مشارکت اجتماعی: یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور است که به میزان اهمیت و اعتبار فعالیت‌های زنان در آن جامعه بستگی دارد. از آنجا که انسان محور توسعه است، استفاده بهینه از تمام منابع انسانی به شمول مردان و زنان داعیه توسعه را موفق می‌سازد. امروزه در تمام کشورها بر به‌کارگیری نیروی زنان و مشارکت آنها در امور اجتماع برای نیل به توسعه تأکید شده است (السادات زاهدی، ۱۳۸۶، ص ۶۵).

صلح^۱:

گزارش پژوهشی مشارکت زنان به نقل از پورتر در روند صلح می نویسد:

صلح عبارت از سازگاری میان خواسته‌های مردم، گروه‌ها و دولت می باشد، در این معنی صلح مبتنی بر فرآیند تعادل قدرت بین گروه‌های مختلف اجتماعی و انتظارات آنان و الگوهای همکاری است و زمانی که بین انتظارات و قدرت تعادل برقرار نشود شکاف اجتماعی توسعه می یابد که می تواند منجر به جنگ و درگیری شود (۱۳۹۴، ص، ۷).

امنیت: عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت، خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه می باشد (میر عرب و سجادی، ۱۳۷۹).

ادغام مجدد^۲: عبارت از برنامه ای است که به اساس آن، آن عده از جنگجویان مخالف دولت افغانستان که دست از خشونت و جنگ برداشته و قانون اساسی افغانستان را بپذیرند و بر اساس حاکمیت قانون زندگی کنند و دست از حمایت عناصر ضد دولت بردارند، در اجتماعات مردمی خود شان ادغام خواهند شد و کمک‌های لازم برای تعلیم و آموزش‌های مسلکی، امنیت و مصئونیت به آنها داده می شود (گفتگوی صلح مردم افغانستان، ۱۳۹۷).

سطوح تصمیم گیری: به آن پست‌ها در مشاغل دولتی و یا غیر دولتی اطلاق می گردد که صاحبان آنها از صلاحیت تصمیم گیری در حیطه ماموریت کاری و شغل شان برخوردار باشند (سروی مشارکت مردان و زنان در تصمیم گیری، ۱۳۹۵).

1. PEACE

2. REANTEGRATION

سطوح اجرایی: عبارت از سطوح عملیاتی در یک هرم مدیریت می باشد که معمولاً بعد از سطوح عالی و میانی قرار داشته وقت کمی صرف برنامه ریزی، گزارش نویسی، خواندن، اظهار نظر کردن و بازبینی می کنند. کار این طبقه به اجرا درآوردن برنامه‌های مطروحه سازمان می باشد (رضائیان، ۱۳۹۱، ص، ۲۵).

خدمات ملکی^۱: خدمات ملکی عبارت از انجام تمام فعالیت‌های اجرایی و اداری است که طبق احکام قانون از طریق دولت صورت می گیرد. و شامل اداره، تنظیم و عرضه خدمات دولتی، طرح پالیسی خدمات ملکی و تهیه و ارائه مشوره‌های مسلکی، طرح و ترتیب قوانین، فرامین و مقرره‌های مربوط و تطبیق آنها می گردد (قانون خدمات ملکی، ۱۳۸۴).

توسعه: واژه توسعه معادل لفظ انگلیسی **Development** و در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن، و حتی بزرگ‌تر شدن است. توسعه اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه رابطه تنگاتنگی دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت می باشد (رضایی، ۱۳۹۴، ص، ۲۱).

توسعه پایدار^۲: توسعه پایدار فرایندی است که طی آن، انسانها نیازهای خود را بر آورده می کنند و سطح زندگی خود را ارتقا می بخشند، بدون آن که از منابعی که به نسل‌های آینده تعلق دارد، مصرف کنند و سرمایه‌های آتی را برای تأمین خواست‌های آنی هدر دهند (السادات زاهدی، ۱۳۸۶، ص، ۸۶).

جامعه مدنی^۳: جامعه مدنی به افراد، گروه‌ها، نهادها و موسساتی گفته می شود که غالباً طور رضاکارانه در ساختارها و اقدامات همگانی حول محور منافع مشترک، ارزش‌ها و اهدافی که با اهداف ملل متحد در مطابقت قرار دارند، سهم می گیرند: حفظ و برقراری صلح و امنیت، تحقق توسعه و ترویج و رعایت حقوق بشر از اهداف اساسی جوامع مدنی اند (فضای جامعه مدنی در نظام حقوق بشر ملل متحد، ۲۰۱۴).

1. CIVIL SERVANT

2. SUSTAINABLE DEVELOPMENT

3. CIVIL SOCIETY

4. SPACE OF CIVIL SOCIETY IN UN HUMAN RIGHTS SYSTEM

مدافعین حقوق زن: به طیف وسیعی از فعالین مدنی و حقوق بشر گفته می شود که دفاع از حقوق بشری، قانونی و آزادی های مدنی زنان را در دستور کار خود قرار داده اند. حمایت از این مدافعین در قطعنامه ۶۸/۱۸۱ سال ۲۰۰۳ ملل متحد تسجیل شده است (همان منبع، ۲۰۱۴).

انتخابات: انتخابات، سلسله اقدامات منسجم و عملیات پیوسته ای است که در یک محدوده جغرافیایی و زمانی مشخص منجر به برگزیده شدن فرد یا افراد و یا موضوع خاصی از سوی اکثریت مردم می شود. انتخابات به مفهوم امروزی آن دارای اصول و ویژگی هایی مانند، اصل عمومی یا همگانی بودن، اصل برابری یا مساوات، اصل آزادی و سری بودن و اصل مستقیم بودن می باشد (رامزی و عطایی، ۱۳۹۶، ص، ۲).

انتخابات شورای ملی: انتخابات شورای ملی یعنی انتخابات برای مجلسی است که متشکل از دو مجلس، ولسی جرگه و مشرانو جرگه می باشد. شورای ملی عالی ترین ارگان مقننه جمهوری اسلامی افغانستان بوده که اعضای آن از طریق انتخابات آزاد و عادلانه از جانب مردم افغانستان برگزیده می شوند. تعداد نمایندگان هر ولایت در شورای ملی متناسب به نفوس همان ولایت است. انتخابات برای مجلس ولسی جرگه و یا شورای ملی در هر پنج سال یک بار برگزار می گردد. تعداد اعضای این مجلس حد اکثر به ۲۵۰ نفر می رسد. تعداد اعضای مشرانو جرگه سه برابر تعداد ولایات می باشد که مجموعاً ۱۰۲ نفر می شود.

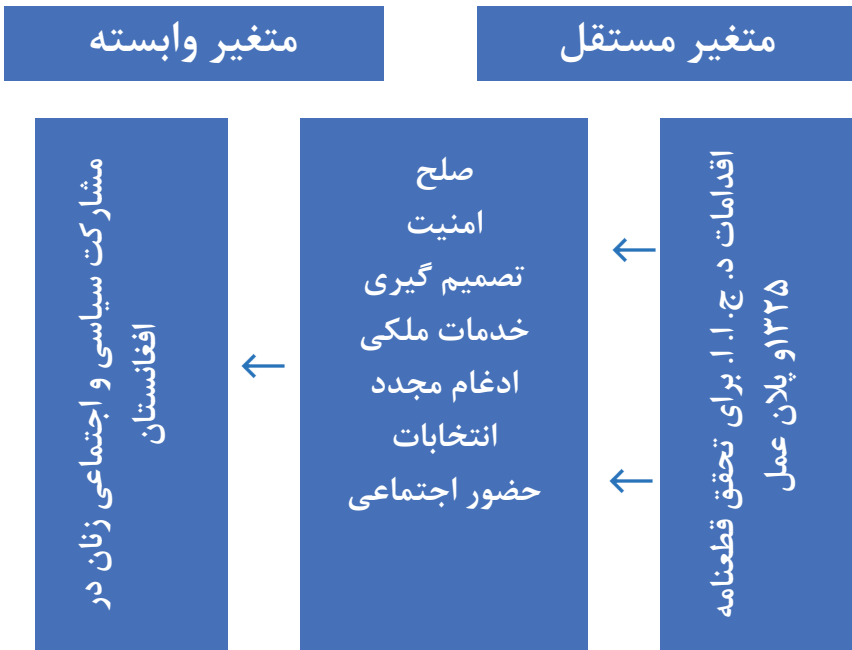
از این تعداد یک سوم آن یعنی ۳۴ نفر از طریق انتخابات در شوراهای ولسوالی برای مدت سه سال، یک سوم دیگر از طریق انتخابات در شوراهای ولایتی برای مدت چهار سال و یک ثلث دیگر آن توسط رییس جمهور برای مدت پنج سال انتصاب می گردند (قانون اساسی، ۱۳۸۲).

انتخابات شورای ولایتی: انتخابات شوراهای ولایتی در هر چهار سال یک بار برگزار گردیده و اعضای شوراهای ولایتی در هر ولایت از طریق انتخابات مستقیم، آزاد، منصفانه و عمومی توسط رای سری برای مدت چهار سال انتخاب می گردند. باید گفت که تعداد اعضای هر شورای ولایتی متناسب به نفوس همان ولایت بوده و این مسأله در فصل نهم قانون انتخابات در رابطه به اعضای انتخابات شورای ولایتی تصریح گردیده است (قانون انتخابات، ۱۳۹۵).

انتخابات شوراهای ولسوالی: انتخابات شوراهای ولسوالی در هر سه سال یک بار برگزار گردیده و اعضای شوراهای ولسوالی ها در هر ولسوالی از طریق انتخابات مستقیم، آزاد، منصفانه و عمومی توسط رای سری، برای مدت سه سال انتخاب می شوند. تعداد اعضای هر شورای ولسوالی متناسب با نفوس همان ولسوالی بوده که در فقره اول ماده ۴۹ قانون انتخابات به آن پرداخته شده است (همان منبع، ۱۳۹۵).

مدل مفهومی تحقیق

مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه در پیوند به قطعنامه ۱۳۲۵ و پلان عمل زنان، صلح و امنیت



شکل شماره ۱ مدل مفهومی تحقیق

تعریف متغیر: اساساً در هر آزمایشی، محقق تأثیر متغیرمستقل را بر متغیر وابسته بررسی می کند. معمولاً متغیرمستقل شکل محرک آزمایشی را به خود می گیرد (ببی، ۱۳۹۰، ص، ۵۰۰). متغیر مفهومی است که به آن بیش از دو یا چند ارزش یا عدد اختصاص داده می شود و قابل مشاهده یا اندازه گیری می باشد. ویژه گی هایی را که پژوهش گر مشاهده یا اندازه گیری کند متغیر می نامند. متغیر ها از مهم ترین مباحث در تحقیقات اجتماعی-انسانی می باشند. هدف، شناخت علت یا عوامل پیدایش یک تغییر موضوع مورد نظر است.

متغیر مستقل: متغیر وابسته آن است که مورد پیش بینی قرار می گیرد. در حالیکه متغیرمستقل تغییری است که از روی آن پیش بینی می شود. متغیرمستقل در این تحقیق اقدامات دولت جمهوری اسلامی افغانستان با کاربرد مولفه های مربوط به آن در پرتو قطعنامه و پلان عمل زنان، صلح و امنیت می باشد.

متغیر وابسته: در علم روش تحقیق عبارت از تغییری است که تغییرات آن تحت تأثیر متغیرمستقل قرار می گیرد (خسروی و دیگران، ۱۳۹۵، ص، ۱۴۵). متغیر وابسته در این تحقیق چگونگی میزان مشارکت زنان در اثر عملکرد اهداف قطعنامه و برنامه عمل (زنان، صلح و امنیت) یعنی: ۱- سطوح تصمیم گیری و اجرایی خدمات ملکی، امنیت، صلح و ادغام مجدد و ۲- تقویت مشارکت فعال زنان در انتخابات ملی و ولایتی می باشد.

دوم. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق از با اهمیت ترین بخش تحقیق به شمار می رود که عبارت از بازنگری و مرور آثار علمی و تحقیقی مربوط به موضوع تحقیق مورد نظر است تا بر اساس آن، محقق بتواند چارچوب مفهومی موضوع تحقیق خویش را اساس گذاری نماید (عظیمی، ۱۳۹۶، ص، ۵۸). در این بخش ضمن پرداختن به مفاهیم و موضوعات مربوط به بحث مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان، به مبانی نظری و تازه ترین پژوهش های انجام شده در زمینه، عمده ترین موارد آن به بحث گرفته شده است.

تعریف و مفهوم مشارکت

واژه مشارکت^۱ اساساً یکی از مفاهیم بنیادی در بحث توسعه می باشد که از دهه های گذشته رایج گردیده است. در لغت نامه دهخدا، مشارکت « مأخوذ از تازی، شراکت و انبازی و حصه داری، بهره برداری (ناظم الاطباء) شرکت، شریک بودن، انبازی کردن» آمده است (رضایی، ۱۳۹۵، ص، ۵۲).

در فرهنگ صبا، مشارکت در لغت، (به ضم میم و فتح را و کاف) با هم شریک شدن، شریک کردن با هم را گویند (بهشتی، ۱۳۷۲). در فرهنگ پایه آکسفورد، مشارکت (Participation)^۲ به معنی انجام دادن کاری با همراهی دیگران آمده است (فرهنگ پایه آکسفورد، ۱۳۹۳). مشارکت به مفهوم سهیم شدن در یک اقدام جمعی و یک عمل آگاهانه و داوطلبانه است که در بردارنده پرداختن شهروندان در امور عمومی و در سطوح مختلف تصمیم گیری های اداری و سیاسی مانند رأی دهی و کارکرد سازمان هایی است که حیات کاریشان به آن بستگی دارد علاوه بر این مفهوم مشارکت درگیری مردم در سازمان های مذهبی، انجمن ها و جنبش هایی که حیات اجتماعی مردم را مورد تأثیر قرار می دهند اما مستقیماً به توزیع قدرت مربوط نمی شوند و جنبش هایی که زندگی خصوصی را تحت تأثیر قرار می دهند ولی بطور مستقیم به اهداف اقتصادی مرتبط نیستند را در بر می گیرند.

1. PARTICIPATION

2. DOING SOMETHING TOGETHER WITH OTHER PEOPLE

اساسی ترین بنیاد مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف مشارکت هم فکری، هم کاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و سیاسی است.

به نظر بسیاری از جامعه‌شناسان مشارکت یک رفتار اجتماعی است که به پشته‌ها یک معنای ذهنی مشخص از سوی افراد سر می‌زند، بنا بر این قصد و نیت از عناصر مهم مشارکت به شمار می‌رود. برخی از دانشمندان چون آلن پیرفت، مشارکت را به مفهوم مورد مشورت قرار دادن افراد قبل از تصمیم‌گیری به نحوی که اظهار شخص و اعمال مراقبت در جریان این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد دانسته و نیز برخی دیگر آن را عبارت از رشد و توانایی‌های اساسی بشر از جمله شان و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل به نحوی که سنجیده و از روی فکر باشد دانسته‌اند. به نظر «رام پی یاراو» مشارکت همان شرکت داوطلبانه و آزاد افراد در فرآیند توسعه است که این عمل از روی اجبار صورت نمی‌گیرد و چهار مؤلفه را برای آن لازم می‌داند:

۱. مشارکت در تصمیم‌گیری

۲. مشارکت در اجرای برنامه‌های توسعه

۳. مشارکت در ارزش‌یابی برنامه‌ها

۴. مشارکت در سهم‌بندی منافع توسعه.

با توجه به نظریات دانشمندان «مشارکت عبارت است از دخالت انسان در سرنوشت خویش» بناء می‌توان گفت که مشارکت واقعی در کلیه مراحل زندگی از تصمیم‌گیری تا عمل و از عمل تا ارزش‌یابی و اصلاح مجدد را شامل می‌شود (رضایی، ۱۳۹۳، ص، ۵۳).

انواع مشارکت

مطالعات نشان داده است که در بسیاری از جوامع در حال توسعه مشارکت به خودی خود مطرح نبوده بلکه معمولاً تحت تاثیر تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست های آنان بوده و وسیله ای برای رسیدن به هدف شمرده می شود و این در حالیست که در روند توسعه مشارکت خود یک هدف است. باید گفت که ارتقاء ظرفیت و توانایی افراد جامعه در جهت تحقق مشارکت نهایت مهم و ارزنده است. مشارکت می تواند دوجانبه باشد مانند مشارکت مردم در همنوایی از همدیگر در حین بروز یک حادثه طبیعی و یا مشارکت می تواند قرار دادی باشد مانند مشارکت بین مردم و دولت. همچنان مشارکت می تواند توسط بزرگان جامعه بر سایرین تحمیل گردد که آن را مشارکت تحمیل شده گویند و یا هم می تواند مشارکت ابزاری باشد که انسان ها را منحیت وسیله یا ابزار بکار گیرند و نیز می تواند مشارکت توسعه ای باشد که همانا به فرآیند اجتماعی، یک پارچه و چند بعدی که شامل تمام مراحل توسعه باشد اطلاق می گردد (رضایی، ۱۳۹۵، ص ۵۶).

هدف مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان

صرف نظر از ارزشمندی و اهمیت مشارکت زنان در توسعه، مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان، زمینه ساز توانمند سازی آنان من حیث نیمی از پیکر جامعه محسوب می گردد. زنان مانند مردان نیم رخ دیگری از سرمایه انسانی یک جامعه را تشکیل می دهند که باید در همه عرصه های جامعه دوشادوش مردان فعالانه سهم بگیرند. مشارکت زنان در اجتماع و سیاست از دید توانمندسازی آنان به مؤلفه های پنجگانه ذیل معطوف است: احساس ارزش داشتن، حق مالکیت و تصمیم گیری، حق دسترسی به فرصت ها و منابع، حق کنترل زندگی خود در داخل و بیرون خانه و قدرت تاثیرگذاری بر جریان تغییرات اجتماعی برای به وجود آوردن نظم عادلانه اقتصادی در محدوده ملی و جهانی (رضایی، ۱۳۹۵).

می توان گفت که مشارکت سیاسی از کانال تحقق جامعه پذیری فرهنگ مردم سالاری، امکان توسعه سیاسی را در قالب تبلور جامعه مدنی فراهم می آورد (محمدی اصل، ۱۳۸۲، ص، ۳۷).

در بحث مشارکت سیاسی بر عکس مشارکت اجتماعی، مسأله مشارکت مستقیم و مشارکت غیرمستقیم مطرح می باشد به عنوان مثال شرکت در انتخابات برای رأی دادن به نماینده های مورد نظر یک مشارکت مستقیم است و اما انتخاب نماینده گان که به نمایندگی از مردم در پارلمان، شورای های ولایتی، ولسوالی و قریه از مردم نمایندگی نمایند، نمونه ای از مشارکت غیر مستقیم می باشد (آزاد و حیدری، ۱۳۹۴، ص، ۱۰).

زنان از مسیرهای مختلفی وارد سطوح تصمیم گیری سیاسی شده اند. تجربه آن ها در مقام سیاستمدار و توانایی آن ها در زمینه نمایندگی از زنان، یکسان نیست اما حضور آن ها در شورای ملی جلوه ای از برهم خوردن تقسیم بندی استدلالی عمومی - خصوصی است و نشانگر آن است که زنان خواهان مشارکت در تدوین پالیسی ها و اتخاذ تصمیم های سیاسی هستند (فلشنبرگ و باری، ۱۳۹۵، ص، ۱۱۴).

ابعاد مشارکت زنان در اجتماع

حضور فعال زنان در اجتماع ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی را می تواند در بر داشته باشد یا به عبارتی دیگر ریشه و مبنای آن را در نظریه های مطرح شده مانند نظریه زنان و سرمایه انسانی و زنان ازدید نظریه سرمایه اجتماعی به وضاحت ملاحظه نمود. بر اساس نظریه زنان و سرمایه انسانی، سرمایه انسانی در مقابل سرمایه فیزیکی و منابع طبیعی مانند ذخایر زیر زمینی قرار می گیرد که با سرمایه گذاری بر این سرمایه انکشاف و پیشرفت بیشتر به دست می آید. به اساس نظریه سرمایه اجتماعی که از مفاهیم نوین در علوم اجتماعی است، نشان داده می شود که سرمایه اجتماعی در سطح فردی و خانوادگی چگونه بر ذخیره های سرمایه اجتماعی در سطح آموزش فردی و پیشرفت اقتصادی مشارکت می کند. و زنان می توانند نقش موثری در آن داشته باشند (رضایی، ۱۳۹۵).

مؤلفه‌های عمده مشارکت زنان در اجتماع

برای مشارکت فعال و یا نورمال زنان در اجتماع به ویژه در جوامع سنتی، عقب نگه‌داشته شده و در حال گذار به سوی نظام‌های با ثبات، به فراهم سازی فرصت‌ها و مؤلفه‌های مهم و بنیادی نیاز است که زمینه سازیک بستر مناسب برای مشارکت زنان گردد. این مؤلفه‌ها را می‌توان چنین برشمرد: برنامه ریزی و جابجاسازی مشارکت زنان در استراتژی‌های ملی، محو اشکال مختلف تبعیض علیه زنان، انکشاف سرمایه بشری زنان، زمینه سازی مشارکت زنان اعم از مشارکت دولتی، خصوصی، تعاونی و عمومی، ارتقای سطح آگاهی، سازماندهی، پشتیبانی و حمایت از زنان در سیاست گذاری‌های دولت به شمول سهمیم ساختن زنان در قوه اجرائیه و ارتقای نقش مدیریتی آنان. (همان منبع، ۱۳۹۵).

رابطه بین مشارکت و توسعه

واژه توسعه (Development) در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن، قدرتمند تر شدن و حتی بزرگ تر شدن است (رضایی، ۱۳۸۹، ص، ۵۲). همچنان در فرهنگ لغات آکسفورد، توسعه (Develop) به معنی خروج از لفاف (Envelope) همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که گفته می‌شود جوامع توسعه نیافته برای متجدد شدن باید از لفاف خود خارج شوند (رضایی، ۱۳۹۵، ص، ۲۱).

امروزه معنای توسعه ابعاد مختلفی مانند توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و غیره را می‌رساند و از همین جا است که اهداف توسعه پایدار شامل ۱۷ هدف اساسی و ۱۶۹ زیر شاخه‌های مربوط به خود بوده فراگیر می‌باشد. رابطه بین توسعه و مشارکت یک رابطه دو سویه است زیرا توسعه باعث ایجاد فضای مشارکت در جامعه گردیده و از سوی دیگر مشارکت تحقق توسعه و به ثمر رسیدن آن را تسریع می‌بخشد.

مسأله توسعه سیاسی چتر بزرگی از موضوعات مهم مانند استقرار دموکراسی، نوگرایی سیاسی، توسعه اقتصادی-اداری، بسیج و قدرت و برخی مفاهیم دیگر را احتوا می کند.

درجه توسعه یافتگی جوامع بستگی به استفاده بهینه از تمامی توان نیروی انسانی آنها دارد. با توجه به اینکه زنان نیمی از پیکر نیروی انسانی جوامع بشری را تشکیل می دهند، میزان حضور و مشارکت آنان در اداره امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاثیر به سزایی در درجه توسعه یافتگی کشورها دارد. از این رو امروزه تقریباً در تمام کشورها بر مشارکت نیروی زنان با مردان برای نیل به توسعه تاکید شده است (السادات زاهدی، ۱۳۸۶). در دهه های اخیر تحولات چشمگیری در وضعیت مشارکت زنان در توسعه رخ داده و کاهش نابرابری های جنسیتی، جزو جدایی ناپذیر فرآیند توسعه شده است (ملک زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸).

مبانی نظری مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان

تیوری ها و جنبش های فیمینیستی زنان: ریشه و منشاء مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را در موج های سه گانه فیمینیستی میتوان ملاحظه کرد. موج اول فیمینیسم که با وقوع انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ آغازگردید هدف اساسی آن را مطالبه حقوق مساوی سیاسی و مدنی زنان با مردان تشکیل می داد که سرانجام حق رأی زنان در ۱۹۲۰ در ایالات متحده آمریکا و ۱۹۱۸ در بریتانیا، به رسمیت شناخته شد. موج دوم فیمینیسم که به سیمون دوبووا نسبت داده می شود از دهه ۷۰ قرن ۲۰ آغاز گردید به برابری کامل زن و مرد در همه ابعاد حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روانی و اقتصادی تاکید می نمود و در موج سوم فیمینیست ها با پذیرش این اصل که اساس ستم های وارده بر زنان از ناحیه وجود فرهنگ مرد سالاری است، پس برای نجات از این فرهنگ باید نگاه زنان به جهان نگریسته شود و از جهان تفسیر زنانه رایج شود باورمند اند (نیکبین، ۱۳۹۶).

فیمینیست‌ها معتقدند که زنان در فعالیت‌های سیاسی، به مفهوم متداول آن، عملاً درگیرند. چنان که گفتیم، زنان در انتخابات بسیار مشابه مردان رفتار می‌کنند. در اتحادیه‌های کارگری عضویت دارند. بعضی از زنان از اعضای فعال اتحادیه‌ها و احزاب سیاسی به شمار می‌روند (آبوت و والاس، ۱۳۹۳، ص، ۲۵۴). همانگونه که از مفهوم و تعریف مشارکت واضح می‌گردد، مشارکت مستلزم آن است تا داوطلبانه و رضایتمندانه بوده فرد بتواند با افراد دیگر در یک بستر اجتماعی مناسب نقش خود را منحیث عضو فعال جامعه ایفا نماید.

مشارکت سیاسی جهت حفاظت و تداوم حقوق سیاسی که فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمام‌داران مقامات سیاسی، شرکت جویند و یا در تصدی مشاغل سیاسی و اجتماعی کشور خود نایل گردند و یا در مجامع آزادانه عقاید و افکار خود را بیان نمایند صورت می‌گیرد.

مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان یک کشور بر اساس حقوقی است که شهروند آن را حایز می‌باشد و بیگانگان این حق را ندارند. مشارکت در انتخابات به صورت رأی‌دهنده و یا انتخاب‌شونده، مدیریت برخی مشاغل مانند وزارت، سفارت و امثال آن از مظاهر اعمال حقوق سیاسی است. دو شاخصه اساسی برای مشارکت زنان در بحث مشارکت سیاسی و اجتماعی وجود دارد که عبارت از حقوق زنان و دوم حضور زنان در مدیریت سیاسی جامعه (اداره کشور) است (فرید، ۱۳۸۴، ص، ۵۲). اما مطالعات و شواهد نشان می‌دهد که بستر سازی برای ایفای نقش‌های مشارکتی برای زنان در جوامع سنتی، عقب مانده، درگیر منازعات و در حال جنگ همواره با چالش‌های گوناگونی توأم می‌باشد و از همین جا است که با در نظر داشت آسیب‌پذیر بودن وضعیت زنان در چنین جوامع، برخی ساز و کارهای بین‌المللی و ملی که بعداً به تفصیل به آن تماس گرفته می‌شود، پیش‌بینی گردیده است تا دولت‌های عضو سازمان ملل متحد را به مشارکت فعال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان رهنمایی و استقامت دهد.

دیدگاه اسلام در مورد مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان از دیدگاه اسلام، امروزه یکی از موضوعات مهم قابل بحث در جوامع اسلامی به شمار می رود. علی الرغم وجود دیدگاه‌های تندروانه و محافظه کارانه دینی که در برخی جوامع اسلامی تا به امروز حاکم است، خوشبختانه علمای متأخر و اندیشمندان روشنفکر اسلامی در سال‌های اخیر سعی ورزیده اند تا با استناد به دلایل عقلی و نقلی ضرورت مشارکت زنان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی به بحث گرفته، استدلال‌ات و توجیهات دقیق و مستدل علمی را متکی بر شواهد تاریخی و نصوص اسلامی ارایه نمایند. دیدگاه‌های فوق نه تنها در میان مذاهب فقهی سنی به بحث گرفته شده بلکه مذاهب تشیع نیز بر این موضوع اذعان نموده اند. چنانچه از فحوای مطالعات انجام شده در زمینه برمی آید، دین اسلام برای زن به موازات مرد و در هر چیزی که طبیعت و اهلیت هردو، مساوی و مشترک است، موقعیت و جایگاه خاصی در نظر گرفته است. این امر برای زن اجازه می دهد که با رعایت احترام و التزام به تکالیف شرعی ویژه خود مانند حجاب، لباس، طرز ارتباط با مردان نامحرم و درکنار انجام مسئولیت‌های زناشوهری و فAMILIی خود، به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز مبادرت ورزد. زن مسلمان در کنار مرد مسلمان در چوکات دایره امر بالمعروف و نهی از منکر نباید در برابر قضایای اجتماعی و سیاسی اطراف خود بی تفاوت باشد.

زیرا قرآن کریم در مورد چنین می فرماید: **وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ** (توبه، ۷۱) یعنی: «مردان و زنان با ایمان، ولی یکدیگر اند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند و خداوند (ج) و رسول اش را (ص) اطاعت می کنند. به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد. خداوند توانا و حکیم است». سیره و روش مسلمانان در صدر اسلام مانند سیره ام المومنین خدیجه (رضی الله عنها)، ام المومنین ام سلمه (رضی الله عنها)، ام المومنین حفصه (رضی الله عنها) و ام المومنین بی بی عایشه (رضی الله عنها) همه نمونه‌های برجسته از مشارکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی اند (شمس الدین، ۱۳۸۵، ص ۴۶).

شیخ قرضاوی که یکی از صاحب نظران معاصر اسلامی می باشد، در کتاب دیدگاه های فقهی معاصر جلد چهارم می نویسد: هرکس سیره ی پیامبر بزرگوار ما را بخواند، در می یابد که نخستین صدایی که در تأیید دعوت اش بلند شد، صدای زن بود؛ یعنی همسر ایشان، حضرت خدیجه رضی الله عنها. نخستین خونی که در راه دین خدا نیز ریخته شد، خون سمیه، همسر یاسر بود که نخستین شهید اسلام شد. جایگاه اسما، ذات النطاقین در هجرت و عماره ام سلیم و عایشه، ام المؤمنین و دیگر زنان شرکت کننده در غزوه ی احد، همچنین جایگاه زنان صحابی در دیگر غزوه های پیامبر ص که در کتاب بخاری، بخش «نبرد و کشتار زنان در عصر نبوت» آمده بر کسی پوشیده نیست. نیز جایگاه ام سلمه، که پیامبر خدا ص با وی رای زنی می نمود؛ و نظری را انجام می داد؛ زیرا در پس مشورت هایش خوبی و حق گوئی را می یافت؛ همچنین جایگاه علمی و سیاسی عایشه رض پس از رحلت پیامبر ص و تصحیح باز گوئی و بازشناسی مسائلی که صحابه رض پیش تر آن را به گونه ای دیگر دریافته بودند؛ تا جاییکه کتاب ها در این باره و شرح زندگانی ایشان تألیف شدند (قرضاوی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۳۹). در کتاب مجموعه مقالات زنان در افغانستان، فرصت ها، چالش ها و راهکار ها، محمدجواد برهانی می نویسد که: به نظر آیت الله العظمی محمد اسحق فیاض یکی از مراجع معتبر تقلید جامعه تشیع، زنان مانند مردان می توانند در مسائل سیاسی شرکت نمایند و جنبش هایی را هدایت کنند، در درون نظام سیاسی اسلامی کسانی را از طریق انتخابات برگزینند و یا خود کاندیدا گردند و از دیگران بخواهند تا به آنها رای بدهند. ایشان واضحاً می نویسند که: زن می تواند در انتخابات رئیس جمهور، اعضای حکومت، اعضای مجلس قانون گذاری و سایر مجالس که از طریق انتخابات برگزار می شود شرکت نماید و مشارکت فعال سیاسی و اجتماعی در جامعه داشته باشد (۱۳۸، ص ۳۲).

از سوی دیگر طوری که از مطالعه کتب فقهی بر می آید، شریعت اسلامی مؤلفه های اهلیت حقوقی برای دسترسی به انعقاد عقود را که لازمه حق دسترسی به کار و مشارکت اجتماعی است، برای زن و مرد که همانا داشتن سن بلوغ و حایز بودن عقل می باشد، یکسان دانسته است و اصل استقلالیت مالی زن را در بحث ولایت مالی به طور کامل به رسمیت می شناسد و این اصل مجال انعقاد هر نوع عقود مشروع و مشارکت زن در اجتماع را تسهیل می کند (رامزپور، ۱۳۹۷).

مشارکت زنان در قوانین و اسناد حقوقی افغانستان

خوشبختانه قانون اساسی و سایر قوانین متممه دیگر در افغانستان، مشارکت زنان را در همه عرصه‌های اجتماعی به رسمیت شناخته است. فصل دوم قانون اساسی در مورد حقوق اساسی و وجایب اتباع که از ماده ۲۲ الی ۵۹ را احتوا می‌کند، در برگیرنده اساسی ترین مواد ایست که مشارکت سیاسی و اجتماعی زن را در جامعه افغانی تسجیل کرده است. بر اساس ماده ۲۲ قانون اساسی هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع می باشد: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند». ماده ۳۳ حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای هر دو جنس مرد و زن به رسمیت می شناسد: «اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند». ماده ۳۴ حق آزادی بیان و ماده ۳۵ حق تشکیل احزاب و جمعیت ها را برای همه شهروندان اعم از زن و مرد تایید کرده است.

ماده‌های ۴۳، ۴۴، ۵۳ و ۵۴ قانون اساسی افغانستان دسترسی زنان به خدمات صحتی، رفاه، و شغل را بیان نموده است. این ماده ها دسترسی زنان به تعلیم، خدمات صحتی و اشتغال را منحصث پیش شرط های مشارکت سیاسی زنان و عنصر مهم برای آسایش و بهبود وضعیت زنان در افغانستان ضمانت کرده است (قانون اساسی، ۱۳۸۲).

قوانین، مقررات و لوایح که بالترتیب انواع مختلف اسناد حقوقی را در افغانستان تشکیل می دهند در تائید و هماهنگی با قانون اساسی مشارکت زنان در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را لحاظ کرده اند که از این جهت یک پشتیبانی قوی حقوقی و قانونی را در زمینه برای زنان جامعه افغانی ایجاد نموده است. در ادامه تلاش ها برای گسترش مشارکت زنان، دولت افغانستان قدم‌های قابل توجه ذیل را برداشته است:

- تصویب قانون منع خشونت علیه زنان؛
- اصلاح بعضی از مقررات قانون کارمندان خدمات ملکی برای حمایت از حقوق زنان؛
- تنظیم قانون فامیل؛
- قانون منع آزار و اذیت جنسی؛
- تنظیم پروسیجرها برای جلوگیری از تبعیض؛
- تنظیم مقررات خانه‌های امن و فرمان شماره ۴۵ ریاست جمهوری در مورد محو خشونت علیه زنان.

جایگاه و نقش ملل متحد در رابطه به اسناد بین‌المللی مصوب آن در جهان

سازمان ملل متحد مرجع اصلی تنظیم قوانین بین‌المللی در جهان محسوب می‌شود. چنانچه بانیان سازمان ملل در هنگام تاسیس آن، دو دغدغه اصلی داشتند: اول ایجاد یک سازمان فوق ملی برای اینکه کشورها منازعات شان را از طریق آن حل و فصل نمایند. دوم ایجاد اطمینان از اینکه کشورهای قدرتمند، سازمان ملل را نوعی محدودیت برای خود ندانسته و با آن مخالفت نکنند. (توحیدی، ۱۳۹۳).

مجمع عمومی رکن مشورتی اصلی سازمان ملل متحد است. مجمع از نمایندگان کلیه کشورهای عضو تشکیل شده که هریک از آنان یک رأی دارد. تصمیم در باره مسائل مهم مانند صلح و امنیت، پذیرش اعضای جدید و مسائل بودجه، نیازمند اکثریت دو سوم آرا است. اجلاس عادی مجمع عمومی معمولاً هر سال در ماه سپتامبر شروع می‌شود. شورای امنیت، بر اساس منشور، مسئولیت اصلی در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد. بر اساس ماده ۲۵ منشور ملل متحد، همه اعضای ملل متحد موافقت می‌کنند تصمیم‌های شورای امنیت را بپذیرند و به اجرا در آورند (همان منبع، ۱۳۹۳).

با در نظر داشت نقش ملل متحد در تنظیم قوانین بین‌المللی، فیصله‌نامه‌ها و قطعنامه‌های ملل متحد به ویژه قطعنامه‌های مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شورای امنیت جنبه رعایت الزامی برای اعضای آن را دارا می‌باشد (موسی زاده، ۱۳۹۴، ص، ۲۲۵).

کنوانسیون‌های مصوب توسط مجمع عمومی ملل متحد و قطعنامه‌های صادره از جانب شورای امنیت این سازمان منحصراً اسناد مهم بین‌المللی در نظام‌های حقوقی و قانون‌گذاری کشورهای جهان نقش مهمی را ایفا می‌نماید. چنانچه بسیاری از مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر امروزه به گونه‌ای در قوانین ملی کشورها بازتاب یافته‌اند.

نقش سازمان ملل متحد در حمایت و توسعه حقوق زنان در جهان و افغانستان

با ایجاد سازمان ملل متحد، گام‌های بزرگی برای بهبود وضعیت حقوقی زنان برداشته شد و همزمان با دیگر موضوعات مطرح شده در سازمان ملل، مورد توجه همه دولت‌ها قرار گرفت که موجب پدید آمدن اسناد بین‌المللی در تضمین حقوق زن شده است. منشور ملل متحد، اولین سند بین‌المللی الزام آور است که تساوی زن و مرد را برای دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، به صورت واضح و آشکار ذکر کرده است.

شایان ذکر است که از ۱۶۰ نماینده امضاء کننده منشور ملل متحد، چهار نفر زن بوده‌اند که عبارتند از:

۱. مینروا برناردینو^۱ (جمهوری دومینیک)

۲. ویرجینیاسی^۲. گیلدرسلو (ایالات متحده)

۳. برتالوتز^۳ (برزیل)

۴. وویی. فنگ^۴ (چین) (Torild Skard، ۲۰۰۸).

1. MINERVA BERNARDINO

2. GILDERSLEEVE VIRGINIA

3. BETHA LUTZ

4. WU YI. FANG

در مقدمه منشور آمده است: «ما مردم ملل متحد، با تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دوبار در مدت یک عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیر قابل جبران بیان نموده و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشرو به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ با ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهد نامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌المللی و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر و برای نیل به این هدف به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر با یک روحیه حسن همجواری به متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی و به قبول اصول و ایجاد روش‌هایی که عدم استفاده از نیروهای مسلح را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید و به توصل به وسایل و مجاری بین‌المللی برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی، تمام ملل مصمم شده ایم که برای تحقق این مقاصد، تشریک مساعی کنیم.» هیچ سند حقوقی قبلاً به این شدت و قدرت به برابری همه انسان‌ها تأکید نکرده بود و به خصوص، تبعیض بر اساس جنسیت را محکوم نکرده بود. در مقدمه منشور، «بند سوم» به «حصول همکاری بین‌المللی و پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، زبان و مذهب» تأکید شده است. همین عبارت، در بند «ب» ماده ۱۳ منشور درباره وظایف مجمع آمده است: «ترویج همکاری بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب» و در ماده ۵۵، بند «ج» باز هم بر تساوی بین زنان و مردان تأکید می‌کند: «احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد - جنس و زبان یا مذهب» (رامزپور، ۱۳۸۱).

تساوی زنان و مردان در تصدی مشاغل و مناصب در چارچوب ملل متحد، در ماده هشت منشور آمده است: «سازمان ملل متحد برای تصدی هر شغلی به هر عنوان، تحت شرایط مساوی، در ارکان اصلی و فرعی خود هیچ گونه محدودیتی در استخدام مردان و زنان برقرار نخواهد کرد».

توجه و دقت در موارد منشور که درباره حقوق بشر است و مقدمه آن، بیانگر آن است که منشور در گام نخست، همه افراد را به عنوان انسان هایی که واجد حیثیت و شرف انسانی اند، در نظر می گیرد و برای حفظ و تداوم آن راه کارهایی ارائه می دهد که توسط مجمع عمومی و شورای اقتصادی - اجتماعی باید انجام شوند. بعد از منشور ملل متحد، منشور جهانی حقوق بشر که شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و کنوانسیون های حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ می باشد، به موضوع حقوق زنان پرداخته است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، حیثیت ذاتی و حقوق مساوی و انتقال ناپذیر همه خانواده بشری، به عنوان شالوده آزادی، عدالت و صلح در جهان شناسایی شده و از سی ماده این اعلامیه، ده ماده به صراحت، به مفهوم تساوی حقوق بین همه افراد انسانی پرداخته است. به طور کلی، مواد ۳ الی ۲۱ اعلامیه، درباره حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲۲ تا ۲۷ درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مواد ۲۸ تا ۳۰ اعلامیه، وجود سیستمی را که تحقق حقوق بشری در آن ممکن و میسر باشد، جزو حقوق اصلی بشر قلمداد کرده است. در مواد ۲۸ تا ۳۰، ابتدا نظم اجتماعی ملی و بین المللی را لازمه تحقق کامل حقوق و آزادی های ضروری دانسته، سپس به تکالیف فرد در قبال جامعه اشاره کرده و حد و مرز خاصی را مشخص نموده است که فرد نباید فراتر از آن گام نهد.

در کل نظام حقوق بشری ملل متحد، با تصویب اسناد توصیوی و الزامی پیرامون بهبود حقوق زنان گام های مهمی را برداشته است که همه کشورهای جهان از آن متأثر گردیده و نظام های حقوقی ملی کشور ها نیز امروزه ملزم به رعایت و پیروی این موازین پذیرفته شده می باشند. افغانستان نیز به حیث عضو فعال ملل متحد به مهم ترین اسناد حقوق بشری زنان در نظام حقوق بشر ملل متحد پیوسته است و قوانین ملی خود را نیز به تبعیت از آن عیار ساخته است.

دولت افغانستان در سال ۲۰۰۳ به کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان الحاق نمود و به تاسی از آن در اصلاح قوانین ملی و نیز با تصویب قوانین لازم برای تقویت حمایت از این کنوانسیون در راستای بهبود حقوق زنان در افغانستان گام هایی را برداشته است. تصویب قانون منع خشونت علیه زنان در سال ۲۰۰۸ یکی از این اقدامات مهم محسوب می گردد.

ارگان‌های ناظر و کنفرانس‌های عمده ملل متحد در حمایت و توسعه مشارکت و حقوق زنان

تعدادی از کمیته‌های مهم در چوکات سازوکارهای ملل متحد برای نظارت بر تطبیق اسناد بین‌المللی حقوق بشر به شمول حقوق زنان وجود دارد که هر کدام بر حسب وظایف معینه خود نحوه اجرای مفاد قراردادهای حقوق بشری را نظارت می‌کنند و عبارتند از:

کمیته حقوق بشر، کمیته رفع تبعیض نژادی، کمیته رفع تبعیض علیه زنان، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته مقابله با شکنجه، کمیته حقوق کودک و همچنان کمیساریای عالی حقوق بشر که در حال حاضر شورای حقوق بشر جایگزین آن شده است و در راس آن کمیشنر حقوق بشر قرار دارد. برخی نهادهای مشخص دیگر ملل متحد در رابطه به حقوق زنان شامل نهادهای ذیل اند:

۱. کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یا (CEDAW): که در سال ۱۹۸۲ در راستای نظارت بر اجرای کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان تشکیل گردیده است که از ۲۳ کارشناس عمده متشکل می‌باشد. کمیته برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌شوند و همه ساله یک سری جلسات سه هفته‌ای را راه اندازی می‌کند و نیز گزارش‌های سالانه را ترتیب نموده به دبیرکل سازمان ملل تقدیم می‌کند.

۲. کمیسیون مقام زن: یکی از نهادهای ناظر بر وضعیت زنان و اولین نهادیست که توسط شورای اقتصادی، اجتماعی ملل متحد در سال ۱۹۴۶ تشکیل شده است. این کمیسیون مهم‌ترین رکن سازمان ملل برای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در مورد جایگاه زنان بوده و در زمینه پیشنهاد هابیرا به ملل متحد ذریه می‌کند. اعضای این کمیسیون از ۴۵ دولت تشکیل شده است و برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند.

([http://www.un.org/Conferences/Women/PubInfo/Status/Text Only.](http://www.un.org/Conferences/Women/PubInfo/Status/Text Only.htm)

htm)

۳. نهاد زنان ملل متحد: این نهاد به عنوان نهاد اصلی ملل متحد برای تساوی جنسیتی و توانمند سازی زنان شناخته می شود. چهار نهاد قبلی ملل متحد در این نهاد با هم ادغام شده اند که عبارتند از:

الف) دفتر نماینده ویژه دبیر کل در امور جنسیتی (OSAGI)؛

ب) بخش پیشرفت زنان (DAW)؛

ج) صندوق سازمان ملل متحد برای توسعه زنان (UNIFEM)؛

د) مؤسسه آموزش و تحقیقات بین المللی برای پیشبرد زنان (INSTRAW)، بیشترین تمرکز این نهاد متوجه محو تبعیض علیه زنان و دختران، توانمند سازی زنان، تحقق برابری میان زنان و مردان، صلح و امنیت، مشارکت سیاسی زنان و خشونت علیه زنان می باشد.

(<http://www.unwomen.org/about-un-/women>)

۴. کنفرانس های مهم جهانی ملل متحد در مورد زنان: کنفرانس اول: ۱۹۷۵، مکزیکوسیتی که ضمن آن سال های ۱۹۷۶-۱۹۸۵ را به نام دهه زنان نام گذاری و صندوق کمک به زنان ایجاد شد. کنفرانس دوم در ۱۹۸۰ در کپنهاگن برای تضمین مالکیت زنان و کنترل اموال، ارث، سرپرستی کودک و تابعیت تدویر یافت. کنفرانس سوم در سال ۱۹۸۵ در نایروبی پیرامون ارزیابی دهه زنان ملل متحد، تساوی، توسعه و صلح دایر گردید و صندوق کمک به زنان را به صندوق توسعه زنان و برنامه های جهانی برای زنان ارتقاء داد. چهارمین کنفرانس بین المللی زنان در سال ۱۹۹۵ در پکنینگ انعقاد یافت که روی مسأله شناسایی ضرورت تغییر تمرکز از زنان روی مفهوم جنسیت بود و تقاضای ارزیابی مجدد روابط میان زنان و مردان را نمود. در این کنفرانس یک برنامه عمل به تصویب رسید که تاکید روی احترام و رعایت همه اسناد بین المللی زنان داشت.

([http://www.un.org/Conferences/Women/PubInfo/status/Text Only.htm](http://www.un.org/Conferences/Women/PubInfo/status/Text%20Only.htm)).

۵. ضمانت‌های اجرایی ملل متحد برای حمایت از حقوق زنان: بررسی گزارش ادواری جهانی شورای حقوق بشر که در هر دوره چهارساله کار کرده‌ای کشورهای عضو را در زمینه حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌دهد یکی از مهم‌ترین فرصت‌هایست که چگونگی برخورد دولت‌ها را با مسائل زنان مرور نموده سفارشات لازم را برای دول عضو صادر می‌کند. افغانستان تا حال سه دوره از گزارش‌های ادواری را به شورای حقوق بشر ارائه نموده که گزارش اخیر آن به تاریخ ۲۱ جنوری سال جاری ۲۰۱۹ به این شورا ارائه کرده است و در بخش‌های بعدی این تحقیق اشاراتی به آن صورت گرفته است. میکانیزم رسیدگی به شکایات انفرادی افراد یا گروه‌ها از طریق کمیته حقوق بشر، گزارش خاص در مورد خشونت علیه زنان که از طریق گزارشگران خاص حقوق بشر ملل متحد ممکن می‌باشد از موارد دیگری اند که شامل این میکانیزم حمایتی می‌باشد.

تاریخچه سیر تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ زنان، صلح و امنیت ملل متحد

قطعنامه ۱۳۲۵ یکی از دست‌آوردهای عمده بین‌المللی زنان و نیز یکی از اسناد نهایت‌الهام بخش شورای امنیت ملل متحد شمرده می‌شود. از مجموع حدود بیش از ۲۲۰۰ قطعنامه که طی ۷ دهه گذشته در شورای امنیت به تصویب رسیده است، قطعنامه ۱۳۲۵ نسبت به همه آنها بیشتر معروف بوده و برای نهادینه سازی جایگاه دادخواهی برای زنان به یک ابزار قوی آن مبدل گردیده است. راهکار امروزی زنان، صلح و امنیت ملل متحد، محصول فعالیت‌های جهانی صلح زنان در بیش از یک قرن را احتوا می‌کند. باید گفت که جنبش جامعه مدنی زنان برای صلح در برابر ویرانگری‌های گسترده جنگ جهانی اول ظهور نمود و چندین دهه با تشکلات ملی و بین‌المللی کوچک بالاخره در اپریل ۱۹۱۵ در شهر هآگ با هم جمع شدند و تصمیم گرفتند تا برای قطع عوامل جنگ کار نمایند که باعث ایجاد لیگ جهانی زنان برای صلح و آزادی (WILPF) گردیدند. در جریان جنگ جهانی دوم نیز آنها به دادخواهی‌های شان ادامه دادند. به زودی بعد از ایجاد سازمان ملل متحد در ۱۹۴۵، کمیسیون وضعیت زنان (CSW) در ۱۹۴۶ به حیث یک ساختار ملل متحد برای تساوی جنسیتی و پیشرفت زنان ایجاد شد. این کمیسیون همه ساله مجالسی را برپا می‌نمود.

با مشارکت دولت ها و جوامع مدنی، وضعیت زنان را برای پیشرفت ها تحلیل و پیشنهاداتی را ارائه می داد و پالیسی هایی را برای تساوی جنسیتی به شمول بحث در سال ۱۹۶۹ روی ارزش دادن خاص حمایتی برای زنان و اطفال در جنگ را طرح نمود. در جریان جنگ سرد توجه جامعه مدنی به پیشرفت جهانی حقوق بشر و تصویب میثاق ها معطوف گردید که تساوی جنسیتی را بازتاب دادند. در میان این میثاق ها یکی هم کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان (CEVAW) مصوب سال ۱۹۷۹ بود. هر چند این سند پیوند میان زنان و جنگ را صراحتاً بیان نمی کند ولی اهمیت مشارکت زنان در در همه زمینه ها را بیان می کند که تهداب زنان، صلح و امنیت می باشد. کنفرانس جهانی زنان در پکنینگ در سال ۱۹۹۵ نقطه عطف دیگری در زمینه بسیج زنان برای صلح و امنیت محسوب می شود که با اشتراک ۴۰۰ زن از ۱۸۹ کشور جهان دایر گردید در یکی از ۱۲ مواد نهایی این کنفرانس مسأله زنان در منازعه مطرح شده بود. در مجلس مارچ ۲۰۰۰ سازمان های زنان صحبتی در شورای امنیت ارائه نمودند که جامعه مدنی را به استمرار کار شان برای امنیت زنان بر انگیزتاند. آنها کارهای شان را برای رسیدن به یک قطعنامه شورای امنیت در زمینه بسیج ساختند که پس از چند ماه دیگر در در نشست ۴۲۱۳ - مورخ ۳۱ اکتوبر سال ۲۰۰۰ شورای امنیت مورد تصویب قرار گرفت (مطالعه جهانی تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵، ص، ۲۹-۳۰).

مؤلفه های چهار گانه قطعنامه ۱۳۲۵ (مشارکت، محافظت، پیشگیری، رفاه و بهبود)

این قطعنامه افزایش مشارکت زنان در مسائل مربوط به صلح و امنیت و پایان دادن به خشونت جنسی را یک موضوع صلح و امنیت بین المللی دانسته است. که شامل چهار بخش اساسی شامل مشارکت، محافظت، پیشگیری، رفاه و بهبود می باشد. در بخش مشارکت، قطعنامه از دولت ها می طلبد تا مشارکت زنان را در سطوح تصمیم گیری، سکتور امنیتی، پروسه های صلح در کشورهای در حال منازعه و انتخابات تضمین و رعایت کنند. در بحث محافظت، از دولت های عضو می طلبد تا جلو تمام اشکال خشونت، تجاوز و توهینات جنسی علیه زنان را گرفته به بی قانونی خاتمه دهند. همچنان در زمینه پیشگیری و رفاه و بهبود، قطعنامه کشورهای عضو را به رسانیدن کمک های بشر دوستانه و در نظر گرفتن جندر در همه عرصه ها مکلف می سازد (قطعنامه ۱۳۲۵).

رویکرد دولت افغانستان نسبت به قطعنامه ۱۳۲۵

دولت افغانستان به حیث عضو فعال سازمان ملل متحد از تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ استقبال نموده در سال ۲۰۰۳ به آن پیوسته و پلان عمل ملی زنان، صلح و امنیت را در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسانیده است. دولت سعی ورزیده است تا مفاد این قطعنامه را در استراتژی ها و پلان های ملی راجع به زنان به شمول طرح پالیسی ها و قوانین ملی در نظر گیرد. رویکرد مشخص دولت افغانستان در زمینه همانا طرح و تصویب پلان عمل، زنان، صلح و امنیت است که پیش بینی هایی را برای مؤلفه های چهار گانه قطعنامه الی سال ۲۰۲۲ در نظر دارد.

مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در افغانستان

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در افغانستان فراز و فرود هایی آمیخته با زجر و فشار، یأس و نا امیدي، ظلم و استبداد، افراط و تفریط را در نور دیده است. اسناد و مدارک تاریخی نشان می دهد که شواهد کافی مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان تا قبل از استرداد استقلال و زمام داری شاه امان الله خان (۱۹۱۹-۱۹۲۹) در افغانستان وجود ندارد. در این دوره بود که زنان توانستند نفس تازه بکشند و جایگاه قانونی شان را در قانون اساسی به دست آورند. از آنجائیکه بدون آموزش، تعلیم و کسب مهارت های فنی، وارد ساختن زنان به عرصه سیاست و اجتماع ممکن نبود، شاه امان الله خان اولین اقدام خود را در راستای زمینه سازی آموزش و پرورش نسوان با ایجاد مکتب دختران به نام مستورات در سال ۱۲۹۹ شمسی با شمولیت ۵۰ تن از دختران در شهر آراء کابل آغاز نمود. دومین مکتب دخترانه را به نام عصمت در سال ۱۳۰۰ ه ش افتتاح نمود و متعاقباً مکتب تدبیر منزل و شفاخانه مخصوص زنان نیز ایجاد گردید. تعداد مکاتب زنان در این دوره را هفت باب می دانند (رضایی، ۱۳۹۴، ص، ۷۱). در تابستان ۱۹۲۸ انجمن حمایت نسوان تشکیل شد و برای نخستین بار زنان با فهم کابل، اداره انجمن را بدست گرفتند و در اداره مملکت با مردان شریک شدند. راه اندازی نشر جریده ارشاد النسوان در سال ۱۳۰۰ ش، فرستادن تعدادی از دختران برای تحصیل به کشور ترکیه، وسایر اقدامات دیگر در زمینه توانمند سازی زنان، گام های ارزشمندی در راستای پرورش و تنویر اذهان زنان کشور و راه یابی آنان به اداره و سیاست مملکت در این دوره محسوب می گردد (سیستانی، ۲۰۱۳).

رفع حجاب یکی دیگر از مسائلی بود که در این زمان برای اولین بار در تاریخ افغانستان توسط ملکه و شاه بر بر خی زنان تحمیل گردید چنانچه ملکه ثریا بعد از بازگشت از سفر اروپا به تاریخ ۲۵ جولای ۱۹۲۸، مقاله ای را در این مورد در اخبار امان افغان منتشر ساخت (نظیری، ۱۳۹۲، ص، ۱۶۵). در این زمان بود که زنان برای نخستین بار به عنوان وکلا در صف مردان قرار گرفتند چنانچه یک هیئت هشت الی ده نفری زنان برای اشتراک در سومین لویه جرگه ای که به تاریخ ۶ سنبله ۱۳۰۷ ش دایر گردیده بود انتخاب شدند. در این لویه جرگه بود که شاه خطابه ای راجع به مزایای تمدن جدید و حقوق زنان ایراد کرد و تاسیس اولین پارلمان را پیشنهاد نمود (نیکبین، ۱۳۹۴).

با فروپاشی دولت امانی و استیلای حبیب الله خان کلکانی بر اریکه قدرت، با شعار احیای ارزش‌های دینی و غیرت افغانی، زنان افغانستان یک بار دیگر از مشارکت اجتماعی، حق تحصیل و غیره محروم شدند. هرچند دامنه قدرت در این دوره از محدوده پایتخت و چند شهر عمده مانند قندهار، مزار شریف و هرات وسعت نیافت و این اداره با جبر و اکراه بالای مردم تحمیل گردید، اکثر اصلاحات امان الله خان را به نام اینکه اسلامی نبودند، منحل ساخت (صیقل، ۱۳۹۴، ص، ۲۰۱۴).

محسنی به نقل از غبار می نویسد: پس از سیطره و سقوط حبیب الله کلکانی که در فاصله کوتاهی بعد از فروپاشی حکومت امانی صورت گرفت؛ نادر خان در عرصه سیاسی افغانستان به قدرت رسید و دریچه‌های اصلاحات و به ویژه مشارکت زنان در اجتماع بسته شد. سلب حقوق برابر شهروندان در ماده یکم قانون اساسی وی که به مسئله مذهب حنفی، و انحصار حکومت در افراد منحصر در خاندان وی ترکیز داشت، اولین قدم وی در سلب مشارکت زنان محسوب می گردید. از نخستین اقدامات حکومت نادرخان، بستن مدارس دخترانه، تعطیلی انجمن نسوان کابل، هفته نامه ارشادالنسوان و غیره بود. وی دانشجویان دختر را از کشور ترکیه با اجبار بازگرداند و حتی نه نفر از آنان را زندانی ساخت (۱۳۹۰، ص، ۵۷).

به گواهی تاریخ، دوران پادشاهی چهل ساله اعلیحضرت محمد ظاهرشاه یکی از دوره‌های مهم در زمینه بیداری سیاسی و اجتماعی زنان و مشارکت آنها در اجتماع افغانی به حساب می‌رود. جنبش بیداری زنان در این دوره در سه عرصه مهم تعلیم و تربیت، حضور در صحنه کار و مشارکت سیاسی همچون ایجاد انجمن‌ها توسط زنان فعال گردیدند. در این زمان در راستای تأمین حق تحصیل زنان، گام‌های عملی مانند فراهم سازی زمینه تحصیلات عالی در داخل و خارج کشور و فرستادن تعداد زیاد زنان به خارج برداشته شد. اولین مکتب دختران به نام زرغونه در سال ۱۹۴۱ در کابل افتتاح و دامنه گشایش مکاتب نسوان به همه ولایات کشور گسترش یافت. با الحاق افغانستان به کنوانسیون‌های بین‌المللی کار به ویژه کنوانسیون شماره ۱۰۰ و ۱۰۱ سازمان بین‌المللی کار تبعیض در حصه کار زنان لغو گردید و زنان بنا بر زن بودن از مشارکت در کار و سهم‌گیری در اداره محروم ساخته نمی‌شدند. دهه دموکراسی بهترین دوره مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان افغان بود. زنان به مناصب وزارت، تشکیل انجمن‌ها، شوراهای ولایتی، اتحادیه‌ها و سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی دست یافتند. موسسه عالی نسوان در سال ۱۹۴۳ به مثابه نقطه عطفی در تاریخ نهضت سیاسی-اجتماعی کشور ایجاد گردید (نیکبین، ۱۳۹۴).

با تصویب قانون اساسی توسط لویه جرگه در ۱۸ سنبله ۱۳۴۳، حق رأی همه شهروندان بالای بیست سال افغانستان به رسمیت شناخته شد. این رویداد زمینه را برای مشارکت سیاسی بیشتر و قانونی زنان فراهم کرد. در انتخابات مجلس، در سال ۱۳۴۴ ش. برای نخستین بار خانم‌ها، رقیه حبیب و آناهیتا راتب زاد از کابل، خدیجه احراری از هرات و معصومه عصمتی از قندهار به مجلس نمایندگان راه یافتند (فرهنگ، ۱۳۷۴). محسنی به نقل از طنین می‌نویسد: خانم‌ها عزیزه گردیزی و حمیرا سلجوقی از سوی پادشاه به عنوان نماینده مجلس سنا برگزیده شدند (۱۳۹۰، ص ۶۰). قابل تذکر است که در ادامه این فرآیند در کابینه نخست نوراحمد اعتمادی در سال ۱۳۴۶ ش خانم کبرا نورزی به عنوان نخستین وزیر زن برای صحت و همچنین در کابینه دوم وی در سال ۱۳۴۸ ش خانم شفیقه ضیایی به مقام وزیر مشاور دست یافت (فرهنگ، ۱۳۷۴).

در دوران جمهوریت سردار محمد داود خان (۱۳۵۱-۱۳۵۷)، دو تن از زنان هریک خانم فاطمه کیفی و عالیہ حفیظ در کمیسیون تدوین قانون اساسی حضور یافتند و برابری زن و مرد در حقوق و مسئولیت‌ها در ماده ۲۷ قانون اساسی تسجیل گردید. معارف و تحصیلات عالی رونق بهتری یافت و بیشتر از زمان سلطنت شاهی رشد نمود. زنان توانستند فعالیت‌های تشکیلاتی خود را گسترش دهند سازمان دموکراتیک زنان مربوط شاخه از حزب خلق و پرچم و نیز جمعیت انقلابی زنان افغانستان طرفدار چپ دموکراتیک طرفدار چین کمونیستی در این زمان فعالیت داشتند. اما زنان نتوانستند در مدیریت‌های کلان دولتی راه یابند از این لحاظ هیچ وزیر زن در کابینه داود خان وجود نداشت (محسنی، ۱۳۹۰).

در دوران قدرت حزب دموکراتیک خلق افغانستان (۱۹۷۸-۱۹۹۲م) از تساوی حقوق زنان و مردان در ماده ۱۲ خط مشی رژیم در تمام ساحات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدنی یادآوری گردیده بود. چنانچه خانم اناهیتا راتب‌زاد از زنان پیش‌تاز این دوران و موسسین حزب دموکراتیک خلق افغانستان به شمار می‌رفت (همان منبع، ۱۳۹۰). شورای سرتاسری زنان به حیث یک سازمان اجتماعی-سیاسی به رهبری وی تشکیل شد که در مرکز وولایات فعالیت داشت. در دهه ۸۰ بین ۷۰-۸۰ درصد معلمین، ۵۰ درصد دوکتوران طبی و پرسونل طبی و ۶۰ درصد کارمندان ادارات دولتی را زنان تشکیل می‌دادند (نیکبین، ۱۳۹۴).

محسنی به نقل از عظیمی می‌نویسد: در واپسین سال‌های حکومت حزب دموکراتیک تحت رهبری داکتر نجیب‌الله و به ویژه در زمان حکومت فضل حق خالقیار، خانم معصومه عصمتی وردک وزیر معارف و خانم صالحه فاروق اعتمادی وزیر کار و امور اجتماعی بودند. بر پایه آمار دولت در سال ۱۳۶۹ شورای سراسری زنان افغانستان بیش از صد و شصت هزار عضو از زنان کارگر، کارمند، دهقان، خانه دار، دانش آموز و دانشجو داشت (۱۳۹۰، ص ۶۴). افراط‌گرایی سیاسی و حزبی سازی زنان برعلاوه سیاست‌های ضد دینی از اتهامات ایست که بر مشارکت زنان در این دوره وارد می‌گردد. مشارکت زنان در دوران مهاجرت‌ها و جنگ با حکومت تحت حمایه اتحاد شوروی سابق را می‌توان در بعد داخلی و ساحات زیر کنترل مجاهدین و در بعد خارجی یا کشورهای همسایه جاییکه ملیون‌ها افغان مهاجر و آواره گردیده بودند مورد ملاحظه قرار داد.

در بعد داخلی نسبت تبارز واکنش به افراط گرایی حکومت چپی، مجاهدین نگاه تفریقی نسبت به زنان در تمام مناطق تحت کنترل شان اعمال می نمودند و هرگونه تحصیل در مکاتب برای زنان ممنوع بود. آنها نه تنها قایل به ضرورت حضور سیاسی - اجتماعی زنان نبودند بلکه در عمل با آن مخالفت می کردند. اما در بعد بیرونی و به ویژه در کشور همسایه پاکستان جائیکه میلیون ها افغان آواره گردیده بودند، زمینه های تعلیمی و توانمند سازی زنان در چوکات فعالیت های موسسات غیر دولتی و نیز برخی احزاب و تشکلات جهادی مستقر در آنجا فراهم گردیده بود. یکی از سازمان های فعال در زمینه حقوق زنان اجتماع زنان افغانستان تحت رهبری خانم فتنه گیلانی بود که در زمینه ارتقای آگاهی و مساعدت به زنان در سال ۱۹۸۶ در پشاور ایجاد گردیده بود (نیکبین، ۱۳۹۴).

از زنان مبارزی در این دوره نیز یاد شده است از جمله ناهید شهید زن مبارزی بود که در برابر تجاوز شوروی سابق به افغانستان مطا هره ای را اول ثور ۱۳۵۹ در کابل راه اندازی نموده بود که همراه با ۱۳ تن از زنان دیگر به شهادت رسید (سیستانی، ۲۰۱۳، ص، ۷۰). پوهنتون امهات المومنین نیز یکی از نهادهای تحصیلات عالی برای دختران بود که به همکاری حزب اتحاد اسلامی تحت رهبری استاد سیاف در پشاور ایجاد گردیده بود و فعالیت داشت. پس از پیروزی مجاهدین و ورود آنها به کابل آنها نیز همان ضرب المثل در باره زنان را تکرار کردند که: «زن خوب آن است که یا در خانه باشد یا در گور». هر چند برخی از رهبران جهاد نظریات دو پهلوی داشتند ولی در کلیت می توان ادعا نمود که از دید آنان زنان حق شرکت در انتخابات و رای دادن و رای گرفتن را نداشتند. این دوران به محرومیت های بیشماری برای زنان منجر شد. بسیاری از مکاتب و پوهنتون ها برای سه سال پی هم مسدود ماند و هزاران زن و کودک در اثر تبادل آتش میان جناح های متخاصم جان های شان را از دست دادند. صد ها هزار افراد تحصیل کرده به شمول زنان کشور را ترک کردند (محسنی، ۱۳۹۰). در دوران طالبان (۱۳۷۵-۱۳۸۱)، زنان از کار، تعلیم و تحصیل منع قرار داده شدند. طالبان پس از تسخیر شهر کابل، در مدت سه ماه ۶۳ مکتب را در این شهر مسدود ساختند که باعث محرومیت ۱۰۳۰۰۰ دختر و ۱۴۸۰۰۰ پسر از تحصیل گردیدند و ۱۱۲۰۰ معلم که بیشترین شان زنان بودند از تدریس بازماندند. در این دوران زنان تحصیل یافته بی شماری از افغانستان خارج گردید (همان منبع، ۱۳۹۰).

حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ که منتج به مداخله نظامی ایالات متحده آمریکا و سایر متحدین آن، تدویر کنفرانس بن و ایجاد اداره موقت و سایر تحولات دموکراتیک در افغانستان گردید، نقطه عطفی در احیای جایگاه زنان در دوران پسا طالبان در افغانستان به شمار می رود. به اساس موافقتنامه بن، کمیسیون ۲۱ نفری تدویر لویه جرگه اضطراری با مشارکت سه خانم هریک محبوبه حقوقمل، ثریا پرلیکا و حمیرا نعمتی به تاریخ ۲۳ جنوری ۲۰۰۲ ایجاد گردید. از ۱۵۰۱ تن اشتراک کننده گان این لویه جرگه، ۱۶۰ تن آنان را زنان تشکیل می داد و خانم سیما ثمر به حیث معاون لویه جرگه اضطراری انتخاب شدند.

در اولین انتخابات ریاست جمهوری برای دولت انتقالی، یک زن به نام مسعوده جلال خود را کاندیدا نمود و با کسب آراء نسبتاً قابل قبول حضور یک زن را در رقابت برای کسب بالاترین مقام حکومتی اثبات کرد.

در ۱۵ اکتوبر ۲۰۰۲ یک کمیسیون ۹ عضوی برای تسوید قانون اساسی جدید تحت ریاست نعمت الله شهرانی تعیین گردید که دو نفر از اعضای این کمیسیون را نیز زنان هریک آصفه کاکر و مکرمه اکرمی تشکیل می داد. متعاقباً حکومت انتقالی کمیسیون ۳۵ نفری را برای تدقیق قانون اساسی مقرر نمود که ۷ تن آنان زنان هریک پروین مومند، فاطمه گیلانی، پروین علمی مجروح، شکریه بارکزی، صدیقه بلخی، حاکمه مشعل، آمنه افضلی بودند. یک کمیته متشکل از ۲۰ زن نیز برای تدقیق بیشتر حقوق زنان تحت اشراف خانم محبوبه حقوقمل ایجاد گردید. این کمیته پیشنهاد نمود تا به مقدمه ۱۲ فقره ای مسوده یک ماده دیگر نیز اضافه گردد: «تضمین حقوق مساوی زنان و مردان و امحای کلیه اشکال تبعیض و خشونت علیه زنان» و همچنان کمیته مذکور توصیه نمود که بهتر است به جای یک زن، دو زن در ولسی جرگه و شوراهای ولایتی از هر ولایت عضویت داشته باشند (محسنی، ۱۳۹۰).

چنین به نظر می رسد که اقدامات، پالیسی ها و سیر تحولات دموکراتیک در سال های پس از تصویب قانون اساسی باعث تغییرات و پیشرفت های چشمگیر در زمینه مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در افغانستان گردیده است.

چشم انداز مشارکت زنان در استراتژی‌های ملی افغانستان

استراتژی عبارت از الگو یا طرحی است که اهداف، سیاست‌ها و زنجیره عملیاتی یک سازمان رسمی یا غیر رسمی را در قالب یک کل به هم پیوسته با یکدیگر ترکیب می‌کند. در صورت درستی یک استراتژی تخصیص و هدایت منابع درونی و امکانات برونی سازمان مورد نظر به صورت یگانه و بالقوه بر پایه توانمندی‌ها و نارسایی‌های داخلی و نقاط قوت و ضعف خارجی حرکت هوشمندی را ایجاد می‌کند (رضایی، ۱۳۹۵).

افغانستان را سرزمین انبوه قوانین و استراتژی‌ها می‌گویند زیرا در سال‌های اخیر به یمن همکاری‌های تخیکی جامعه بین‌المللی به ویژه موسسات ملی و بین‌المللی، استراتژی‌های مختلفی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی طرح و به منصه اجرا گذاشته شده‌اند. یکی از این استراتژی‌های مهم استراتژی انکشاف ملی افغانستان بود که بر اساس اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال (ام دی جی) بناء گردیده بود و در سال ۱۳۸۷ طرح و تصویب گردید که یک دوره زمانی ۴ ساله‌الی ۱۳۹۱ را پیش بینی نموده بود. این استراتژی شامل سه رکن و هشت سکتور بوده مسأله جندر و تساوی حقوق اجتماعی زنان با مردان در بخش مسائل مشترک این استراتژی تسجیل یافته بود. بر اساس اهداف اساسی این مشارکت قرار بر این بود تا افغانستان الی سال ۲۰۲۰ میلادی به دست آوردهای عمده ذیل نایل می‌گردید:

- یک کشور دارای نظام سیاسی دموکراتیک به اساس اصول اسلامی و قانون اساسی، برخوردار از صلح و امنیت داخلی، روابط صلح آمیز و حسنه با کشورهای همسایه و برخوردار از احترام لازم در صحنه بین‌المللی.

- یک ملت بردبار، یک پارچه و کثرت گرا، پابند به ارزش‌های اسلامی و اهداف والای مشارکت عمومی، عدالت و تساوی حقوق شهروندی.

• جامعه مملو از امید و سرشار از رفاه بر اساس اقتصاد بازار تحت رهبری سکتور خصوصی قوی، مساوات اجتماعی و حفظ پایداری محیط زیست مشارکت زنان در این استراتژی تحت برنامه حکومت داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر قرار داشت و محول به تطبیق پلان ملی زنان در زمینه گردیده بود (استراتژی انکشاف ملی، ۱۳۸۷-۱۳۹۱).

با ختم میعاد زمانی تطبیق اهداف انکشافی هزاره در سال ۲۰۱۵، استراتژی انکشاف جهانی برای ۲۰۳۰-۲۰۱۶ در چوکات اهداف انکشافی پایدار در سطح جهان از جانب ملل متحد مطرح گردید که خوشبختانه افغانستان نیز استراتژی ملی خود را در همآنگی این داعیه مهم بین المللی طرح نموده است. مسأله تساوی جنسیتی در شماره هفتم اهداف هفده گانه این استراتژی قرار دارد. (آغاز نمودن با استراتژی اهداف انکشاف پایدار، ۲۰۱۵)

دولت افغانستان تطبیق استراتژی انکشاف پایدار ملی را در سه مرحله، ملی سازی اهداف، انطباق اهداف آن با پلان ها و برنامه های ملی و تطبیق و نظارت آن دسته بندی نمود. در جریان سال ۲۰۱۵ کارهای مقدماتی را آغاز و در سال ۲۰۱۶ جهت نهایی سازی و ملی سازی اهداف انکشاف پایدار افغانستان تلاش نموده و آن را در سه مرحله طبقه بندی نموده است:

مرحله اول: ملی سازی اهداف انکشافی پایدار و ترتیب و نهایی سازی اهداف انکشافی پایدار افغانستان؛

مرحله دوم: انطباق اهداف انکشافی پایدار با پلان ها و برنامه های ملی؛

مرحله سوم: تطبیق، نظارت و گزارشدهی؛

سند ملی انکشاف پایدار افغانستان که مبتنی بر ۱۷ هدف توسعه پایدار ملل متحد و ۱۶۹ هدف و ۲۳۲ شاخص انکشافی استوار بوده در سال ۱۳۹۷ تسوید و تصویب گردیده است یک سند مهم ملی بوده که اهداف توسعه پایدار ملل متحد را با مقتضیات و اولویت های ملی افغانستان همآهنگ ساخته است. اهداف اساسی این سند در شش مورد ذیل خلاصه گردیده است:

۱. رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی؛
 ۲. محو فقر و گرسنگی با همه ابعاد آن در همه جا؛
 ۳. مبارزه متداوم در مقابل نابرابری و بی عدالتی؛
 ۴. تامین صلح و ثبات پایدار؛
 ۵. حفاظت از محیط زیست؛
 ۶. تقویت همکاریهای اقتصادی و اجتماعی میان ملل جهان (سند ملی انکشاف پایدار، ۱۳۹۷، ص، ۳).
- در صفحه ۱۸ این استراتژی مسأله دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمند سازی زنان و دختران تذکر رفته است که شاخصه هایی را برای دسترسی به آن طی سالهای پیش رو من حیث اهداف کلیدی طرح نموده است مانند: محو تبعیض، منع خشونت، قاچاق زنان، سوء استفاده جنسی، محو رسم و رواج های زیان آور، ازدواج اطفال، تشخیص و ارزش دهی کارهای بدون مزد، حصول اطمینان از مشارکت کامل و مؤثر زنان در همه سطوح، تصویب قوانین و پالیسی های مناسب جهت تشویق تساوی جنسیتی و توانمند سازی زنان و دختران (همان منبع، ۱۳۹۷).
- در این استراتژی جهت ارتقای مشارکت کامل و مؤثر زنان در شوراهای ملی، سال ۲۰۱۶ من حیث بیز لاین ۲۳٪ تشخیص گردیده، در سال ۲۰۱۸ بازم به ۲۳٪ و در سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ۲۴٪ پیش بینی گردیده است. به همینگونه مشارکت زنان در سطوح تصمیم گیری، سال ۲۰۱۶، ۱۰٪، ۷٪ من حیث بیز لاین تثبیت شده و در سالهای بعدی ۲۰۱۸-۲۰۲۰ ارتقا به ۱۱٪ و ۱۲٪ و ۱۳٪ در سال ۲۰۲۰ مطرح گردیده است (سند ملی انکشاف پایدار افغانستان، ۲۰۱۶، ص، ۷۲).

دست آوردهای عمده مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در افغانستان در سه سال اخیر

چنین معلوم می شود که دست آوردها و پیشرفت های زنان طی سه سال اخیر در پیوست به تصویب برنامه عمل زنان، صلح و امنیت، در راستای تحولات قبلی و نیز به تعقیب تطبیق پلان ملی زنان ۲۰۰۷-۲۰۱۷ در کشور قرار داشته و نیز یک صفحه جدید از تحولات را در زمینه بر روی زنان گشوده است. تقرر و جابجایی زنان در برخی از پست های عالی و نیمه عالی دولتی در سه سال گذشته، شرکت برخی از زنان در گفتمان های صلح، عضویت چند تن از زنان در شورای عالی صلح و مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی ۱۳۹۷ از عمده ترین مواردی اند که می شود با تکیه بر اعداد و ارقام دست داشته که در گزارش اخیر ادواری جهانی افغانستان به شورای حقوق بشر آمده است، به آنها اشاره نمود.

مشارکت زنان در سطوح رهبری و اداره

در سال های اخیر تلاش های زیادی برای جابجایی و مشارکت زنان در پست های دولتی به ویژه در مناصب بلند دولتی صورت گرفت. به نقل از پژوهش علمی مشارکت سیاسی زنان از آزاد و حیدری: انتخاب ۲ والی (غور و دایکندی) و ۴ وزیر زن در کابینه (تحصیلات عالی، مبارزه علیه مواد مخدر، کار و امور اجتماعی، و امور زنان) در حکومت بیشترین سهم را برای زنان در کابینه، در سال های اخیر نشان می دهد. به نظر ایشان، حضور زنان در کرسی های دیپلماتیک و انتصابی خیلی کم رنگ می باشد. ارقامی که از طریق ارگان های محل با محققین فوق شریک ساخته شده نشان می دهد که یک والی زن و یک معاون والی زن در ۳۴ ولایت، تنها تعداد محدود سفیر زن در ۴۱ سفارت و ۲۴ قونسولگری، یک ولسوال زن در جمله ۳۶۵ ولسوالی رسمی و ۱۲ ولسوالی موقت و نداشتن هیچ شاروال زن در جمله ۱۵۳ شاروالی میزان مشارکت زنان را در این سطوح نشان می دهد (آزاد و حیدری، ۱۳۹۵، ص، ۲۰-۲۱). ارقام مشارکت زنان در کرسی های انتخابی به مراتب بیشتر از میزان مشارکت آنها در سطوح رهبری می باشد چنانچه ۲۷٪ وکیل ولسی جرگه، ۲۰٪ وکیل در شوراهای ولایتی، ۹٪ اعضای انتخابی مشرانو جرگه، ۵۳٪ اعضای انتصابی مشرانو جرگه را زنان تشکیل می دهند. (همان منبع، ۱۳۹۵).

گزارش وضعیت زنان و مردان در افغانستان که توسط اداره احصائیه مرکزی در سال ۱۳۹۵ به نشر رسیده است مشعر بر ارتقای مشارکت زنان در اداره و سطوح تصمیم گیری می باشد. در آغاز فصل سوم این گزارش از پالیسی دولت افغانستان برای در اختیار قرار دادن ۳۰٪ از پست‌های بلند تصمیم گیری،

قانون گذاری‌ها در بخش‌های قضایی، امنیتی، اقتصادی و خدماتی تا سال ۲۰۲۰ برای زنان خبر می‌دهد. (گزارش وضعیت زنان و مردان در افغانستان، ۱۳۹۵، ص، ۹).

مشارکت زنان در پروسه صلح

در کتاب مشارکت زنان در روند صلح به نقل از حسینی آمده است که: پس از تشکیل شورای عالی صلح در سال ۲۰۱۰ به تعداد (۹) نفر از زنان عضویت شورای عالی صلح را به دست آوردند و در پیشبرد پروسه صلح سهم گرفتند اما این که حضور و سهم زنان در این روند چه اندازه فراگیر، شفاف، مؤثر و موفق بوده است با تردیدهای جدی مواجه است (۱۳۹۴، ص، ۲). اصل عادلانه بودن و فراگیر بودن صلح دو خصوصیت عمده است که نقطه ارتباط با دیدگاه جنسیتی در روند صلح را نشان می‌دهد زیرا صلحی را می‌توان عادلانه گفت که با مشارکت و شمولیت دیدگاه زنان باشد. قطعنامه ۱۳۲۵، پلان عمل ملی ۱۳۲۵، قانون اساسی و استراتژی ملی و سایر اسناد بین‌المللی در همین راستا قابل تفسیر اند (همان منبع، ۱۳۹۴).

مشارکت زنان در روند صلح به نقل از پورتر چنین آورده است: در سطح جهانی ضرورت حضور زنان در روندهای مذاکرات صلح امری پذیرفته شده است و سه دلیل برای این مسأله برشمرده شده است: اول اینکه زنان همان طور که از منازعات متأثر می‌شوند نتایج روند صلح نیز بر آنان تأثیر می‌گذارد. دوم اینکه شمولیت زنان در روند صلح به منظور تحقق عدالت اجتماعی ضروری است و سوم این که از یک دیدگاه عمل گرایانه و واقع گرایانه زنان به مسائلی چون آموزش، سلامتی، مراقبت از کودکان، رفاه اجتماعی و امنیت اولویت بیشتری می‌دهند (۱۳۹۴، ص، ۱۱).

مشارکت زنان به نقل از حسینی می نویسد که: اگر از مشارکت زنان در روند صلح چشم پوشی شود، شکاف اجتماعی ترمیم نخواهد شد و به صورت نیمه فعال زمینه را برای خشونت و تضاد در جامعه فراهم می کند. این موضوع به خصوص در افغانستان جایی که فرهنگ قبیله یی و مرد سالاری حاکم است و محدودیت فراوانی برای مشارکت زنان در عرصه تصمیم گیری های کلان وجود دارد به قسمی که می تواند توازن اجتماعی را برهم زند اهمیت فراوانی دارد. در چنین شرایط نا متعادل و فضای سیاسی حضور زنان برای مشارکت در مذاکرات برای آینده بهتر زنان ضروری است (۱۳۹۴، ص، ۱۱).

مشارکت زنان در بازسازی و توسعه اقتصادی

حق توسعه و برابری نقش های مردان و زنان در فرایند توسعه در اعلامیه حق توسعه مصوب سال ۱۹۸۶ ملل متحد تسجیل یافته است (بایسته های ملل متحد، ۲۰۰۴، ص، ۲۶۴). نقش زنان در بازسازی و توسعه در جوامع پس از جنگ و روبه انکشاف از اهمیت والایی برخوردار می باشد زیرا زنان بیشتر از همه مصایب و محرومیت های بحران های اجتماعی را درک می کنند و علاقمند سهمگیری فعال در بازسازی خرابی های جنگ و بهبود اقتصاد خانواده می باشند.

از سوی دیگر مشارکت زنان در فرایند توسعه باعث می شود که زنان از حالت انفعالی خارج شده و به صورت فعال در اجتماع حاضر شوند (یوسفی، رضایی و دیگران، ۱۳۹۲، ص، ۳۱).

با گذار جامعه از سنت به مدرنیته و رها شدن زن از قیودات نظام سنتی، توسعه جنبش های اجتماعی و ورود زنان به بازار کار مسائل زنان به طور جدی تر مطرح گردید، از این رو دهه ۱۹۷۰ را دهه ویژه زنان می نامند. در دهه هفتاد جنبش های حق خواهی زنان باعث ایجاد حرکت های در حال توسعه در جوامع غربی شد که در نتیجه دست آوردهای زیادی را به دنبال داشت، سبب راهیابی زنان به کنگره آمریکا برای رای دهی، ایجاد کمیسیون خاص ملل برای زنان و نام گذاری این دهه به نام دهه زنان صورت گرفت از این رو این دهه را دهه توسعه اجتماعی می گویند.

زنان در کلیه مناطق جهان نقش مهم و تعیین کننده ای در اقتصاد کشورها داشته و دارند و همان طور که قبلاً اشاره شد زنان تولید کننده بیش از نیمی از مواد غذایی، گرداننده گان اقتصاد خانواده و سامان دهنده گان تغذیه و تربیت کودکان می باشند که عدم توجه به نقش زنان در اقتصاد، هم موجب کندی روند توسعه و به ثمر نرسیدن اکثر پروژه های ملی و فراملی در جهت تولید و عمران کشورها می گردد و هم این که توسعه انسانی نیمی از جمعیت جهان به دست فراموشی سپرده می شود (رضایی، ۱۳۹۴).

مشارکت زنان در توسعه اقتصادی افغانستان با مایه های کار و فعالیت آنها در صنایع دستی چون قالین بافی، دام داری، زراعت، صنایع کوچک و تشبثات اقتصادی دیگر طی سالیان اخیر سهم قابل ملاحظه ای را در رشد اقتصاد و تولید ناخالص ملی داشته است. فراهم شدن زمینه های قرضه های کوچک برای زنان، ایجاد اتحادیه های صنایع و تجارت زنان، و زمینه تولید، انکشاف و عرضه تولیدات دستی زنان از طریق مهیا سازی اماکن معین فروش و نمایشگاه های ملی و بین المللی مشوق های عمده در زمینه مشارکت اقتصادی زنان بوده و آینده خوبی را برای رونق آن نوید می دهد.

مشارکت زنان در توسعه فرهنگی-اجتماعی

مشارکت فرهنگی و اجتماعی، شرکت آگاهانه، داوطلبانه و مؤثر مردم در فرآیند توسعه فرهنگی، اجتماعی، روستا، شهر و یا کشور است.

مبنای توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی است. به این دلیل توسعه فرهنگی از طریق دگرگونی عناصر فرهنگی برگشت ناپذیر در یک جامعه معین صورت می گیرد که بر اثر آن جامعه کنترل مؤثر و قوی بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می کند. آموزش از عوامل اصلی توسعه فرهنگی است. توسعه فرهنگی از نظر برخی صاحب نظران زیربنای توسعه اقتصادی و سیاسی است. در دهه ۰۶ در نتیجه پژوهش های اقتصاد دانان در زمینه نقش نیروی انسانی متخصص برای رشد و توسعه اقتصادی اقتصاد دانان این مسأله را به اثبات رساندند. آلموند و پاول معتقد بودند: توسعه سیاسی در نتیجه فرهنگ بین جوامع سنتی و مدرن نقش گسترده ایفا می کند. دسترسی نابرابر به منابع و تکنالوژی باعث رشد نا برابر در سطح ملی و بین المللی می گردد که سبب عدم تساوی اجتماعی و اقتصادی می گردد.

ساخت و حفظ شبکه روابط اجتماعی شکل مهمی از مشارکت اجتماعی و فرهنگی را به وجود می آورد. مشارکت اجتماعی در فعالیتهای فرهنگی موجب تقویت روابط و تعامل افراد جامعه می شود و ساخت شبکه روابط اجتماعی منجر به مشارکت فرهنگی و تولید سرمایه اجتماعی ۱ می شود (صدیقی، ۱۳۹۱).

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان و جامعه مدنی

امروزه جامعه مدنی به حوزه ای از نهاد ها، رسانه ها، انجمن ها، موسسات، اتحادیه ها، نهاد ها ی تحقیقی و اکادمیک، شخصیت های فعال در شبکه های اجتماعی و غیره اطلاق می گردد که از اثر گذاری بالایی در مناسبات و تعاملات اجتماعی به شمول اثرگذاری بالای رویکرد ها، سیاست ها و پالیسی ها ی دولت ها برخوردار هستند. اصول رفتار و چوکات کاری نهاد ها ی مدنی از حالات ذیل خالی نمی باشد: نهادهای معطوف به داد خواهی، نهاد ها و گروه های آگاهی رسان عامه، نهاد ها و موسسات تحقیقاتی. در بسا موارد برخی از نهاد ها نه تنها به یکی از ساحات فوق توجه دارند بلکه همزمان دو یا حتی هرسه ساحات فوق را تحت پوشش قرار می دهند. در شرایط امروز، جامعه مدنی رکن دوم فرهنگ سیاسی نوین را تشکیل می دهد و در واقع از این نگاه اگرچه هر عضو جامعه سنتی معمولاً فاقد ارزش شخصیتی و حقوقی و اجتماعی مستقل است و ارزش و حقوق او غالباً در پیوندهای خانوادگی و قبیله‌گی و منزلتی متبلور می شود؛ لیکن در جامعه مدنی، فرد هویتی مستقل دارد که ارزش آن به خاطر فردیت بوده و لذا در این جامعه روابط آدمیان با یکدیگر و با جامعه چنان به قرار داد کشیده می شود که همه افراد قطع نظر از موقعیت و منزلت خود، دارای حقوق و آزادی و مسئولیت های یکسان در برابر قانون گردند (محمدی اصل، ۱۳۸۲، ص، ۳۵).

سازمان های داخلی و بین المللی جامعه مدنی سهم مهم در تنظیم و پیشبرد اجندای برابری جنسیتی و حقوق زنان در افغانستان دارند. البته، اجندهای مختلف و ظرفیت های گوناگون سازمان های مذکور اجرای این نقش را دشوار و چالشی می نماید. نهاد های فعال حقوق زنان در افغانستان، برخلاف بسیاری از توقعات غیر واقع بینانه یی که از آن وجود دارد، گام های مهمی برای بهبود وضعیت زنان برداشته اند. یکی از چالش ها در برابر جامعه مدنی، دستور العمل های مختلف نهاد های عضو آن در افغانستان است. آنها از فراهم آوری کمک های بشردوستانه به مناطق دور افتاده تا تطبیق برنامه های اجتماعی انکشافی، نظارت بر وضعیت حقوق بشر، و دادخواهی برای حقوق زنان را در اجندای خود دارند. نقش آنها در فهم و رسیدگی به نیازها و منافع بلندمدت زنان و مردان به خاطر تعهدات سوال برانگیز و محدود حکومت در راستای تقویت برابری جنسیتی و حقوق زنان در افغانستان، مهم است.

اجنداهای مختلف نهاد های مدنی در افغانستان بیشتر به گفته سازمان های مدافع حقوق زنان بر اساس مطالبات و اولویت های منابع تمویل کننده تعریف و تطبیق گردیده است. منتقدان جامعه مدنی افغانستان را بیشتر پروژه محور می دانند. سازمان های مدافع حقوق زنان به عنوان یکی از گروه های جامعه مدنی، در تعیین اهداف و اولویت های حقوق زنان و برابری جنسیتی هماهنگی میان حکومت و جامعه مدنی پرداختند که در کل موثریت نهاد های مدنی را تضعیف ساخته است. به رغم این چالش ها، جامعه مدنی افغانستان قادر به اعمال نفوذ بالای برخی قوانین و مباحثات حول برابری جنسیتی در سطح ملی بوده اند (حقوق زنان، برابری جنسیتی و روند انتقال، ۱۳۹۲، ص ۱۴-۱۵).

مشارکت زنان در پلان کاری ملی ۲۰۰۷-۲۰۱۷ برای زنان افغانستان (NAPWA)

پلان کاری ملی برای زنان افغانستان در ۹۲ ثور ۷۸۳۱ در جلسه شورای وزیران دولت جمهوری اسلامی افغانستان به تصویب رسید و همه ارگان های دولت مکلف به تطبیق آن شناخته شدند. این پلان یک دوره زمانی ده ساله را برای بهبود وضعیت زنان در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیش بینی نموده است. اهداف اساسی این پلان در صفحه ۰۱ آن چنین توضیح داده شده است: «پلان کاری ملی برای زنان افغانستان دو هدف را که عبارت از تقویت زنان و تساوی جنسیت اجتماعی می باشد، تعقیب خواهد نمود. هدف از تساوی جنسیت اجتماعی این است که زنان و مردان از حقوق شان مستفید شده و به طور مساویانه از امتیازات انکشافی بهره مند گردند و هرگز از اجرای کاری که برای یک زندگی کامل و رضایت بخش، مناسب، خوب و ضروری می باشد منع نشوند» (پلان ملی کاری برای زنان، ص، ۰۱).

سه بعد اساسی برای این پلان کاری در نظر گرفته شده است که عبارتند از ۱- محو تبعیض علیه زنان، ۲- انکشاف نیروی بشری زنان، ۳- تقویت نقش رهبری زنان. به اساس این پلان، در ظرف ده سال پیش بینی شده، قرار بود طی دوره زمانی مورد نظر ۲۰ در صد در شمار زنانی که خدمات امنیتی ارایه می کنند افزایش به عمل می آمد و نیز سهم گیری زنان در روند تحکیم صلح در مرکز و ولایات افزایش می یافت.

در رکن دوم پلان کاری که در مورد دولت داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر می باشد، مسئله مشارکت زنان در سطوح تصمیم گیری یاد آوری گردیده و قرار براین شده است تا ضمن سایر اقدامات، یک افزایش ۳۰ فی صدى مشارکت زنان در بخش عدلی و قضایی و نهادهای تطبیق قانون الی سال ۲۰۱۷ مورد نظر باشد. مسئله مشارکت سیاسی و رهبری زنان به منظور زمینه سازی اشتراک زنان و تاثیر گذاری بر روندهای تصمیم گیری، پالیسی سازی بخش های کلیدی دولت چون قضا، امنیت و سهم سازی کتله زنان در زندگی سیاسی در صفحه ۵۳ این پلان کاری توضیح داده شده است که شامل برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت در زمینه می باشد (همان منبع، ص، ۵۳).

چالش ها و موانع مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در افغانستان

چنین به نظر می رسد که سنت گرایی، تداوم جنگ، فقر، بی سوادى و گستردگی مرد سالاری در جامعه افغانستان، مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را با چالش های متعدد مواجه ساخته که در این زمینه در کتاب زنان افغانستان، مشارکت و توسعه عمده ترین این چالش ها ذیلاً برجسته ساخته شده است:

موانع شخصی:

- فقر آگاهی های سیاسی در بین مردم به خصوص زنان؛
- عدم خود باوری در مورد توانایی ها و قابلیت ها میان زنان؛
- کم رنگ بودن علاقه مندی زنان در مشارکت سیاسی و اجتماعی؛

موانع اجتماعی:

- نفوذ افکار جامد و انعطاف ناپذیر در رابطه با زنان در جامعه؛
- مردانه بودن برنامه ها و فعالیت های احزاب سیاسی در مورد زنان؛
- عدم نقش زنان در هسته اساسی احزاب در جامعه؛
- در انزوا قرار داشتن افغانستان به لحاظ جغرافیای سیاسی؛
- خشونت و عدم امنیت زنان؛
- موانع اقتصادی و فقر زنان.
- برداشت های نادرست از دین؛
- عدم آگاهی درست مردم از شریعت اسلامی؛
- مردود شمردن مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان توسط برخی رهبران دینی (رضایی، ۱۳۹۴).

نگاهی به پلان عمل ملی زنان، صلح و امنیت دولت ج.ا.ا.

۲۰۱۵-۲۰۲۲

پلان عمل ملی زنان، صلح و امنیت دارای ارکان چهار گانه (مشارکت، محافظت، پیشگیری از خشونت، رفاه و بهبود) به هدف تقویت و مشارکت زنان در خدمات ملکی، افزایش دسترسی زنان به عدالت، تقویت نقش زنان در سکتور امنیتی و افزایش مسئولیت اقتصادی زنان می باشد. در این زمینه، پلان ملی افغانستان چهل و هشتمین پلان عمل ملی در سطح جهان می باشد. دولت افغانستان در خصوص تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد (UNSCR ۱۳۲۵) پلان عمل ملی را برای دستیابی به اهداف ذیل برای دو مرحله ۲۰۱۵-۲۰۱۸ و از ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۲ ترتیب نموده است:

- مشارکت زنان در سطوح تصمیم گیری و اجرایی خدمات اجتماعی، امنیت و استقرار مجدد صلح؛
- مشارکت فعال زنان در انتخابات شورای ملی و ولایتی؛
- دسترسی زنان به سیستم عدلی مؤثر، فعال و مسئول؛
- حمایت صحتی و روانی برای قربانیان خشونت‌های جنسی و خانوادگی در تمام افغانستان؛
- حفاظت از زنان در برابر تمام انواع خشونت و تبعیض؛
- تدارک منابع مالی برای فعالیت‌های مرتبط به زنان در حالت اضطرار؛
- تطبیق مقررات پالیسی بیجاشدگان داخلی مربوط به UNSCR ۱۳۲۵؛
- پایان دادن به مصئونیت برای خشونت علیه زنان و جرایم مربوط به آن؛
- سهیم ساختن پسرها و مردها در مبارزه با خشونت علیه زنان؛
- حمایت و تأمین ظرفیت سازی برای جامعه مدنی (به ویژه نهادهای زنان) در مورد UNSCR ۱۳۲۵ و صلح و امنیت زنان؛
- رشد امنیت اقتصادی برای زنان آسیب پذیر از طریق افزایش فرصت‌های های شغلی؛
- رشد دسترسی به تعلیم و تحصیلات عالی برای دختران و زنان، به ویژه برای بی جاشدگان داخلی و عودت کنندگان.

مؤلفه‌های پلان عمل ملی ۱۳۲۵

مشارکت:

- افزایش مشارکت موثر زنان در سطوح تصمیم‌گیری و اجرایی خدمات ملکی؛
- مشارکت موثر و فعال زنان در پست‌های رهبری در ارگان‌های امنیتی؛
- حصول اطمینان از مشارکت موثر زنان در روند صلح؛
- تشویق مشارکت فعال زنان در تسوید استراتژی‌ها و پالیسی‌های صلح و امنیت؛
- تقویت مشارکت فعال زنان در انتخابات.

حفاظت:

- محافظت زنان از همه انواع خشونت و تبعیض از طریق تطبیق، نظارت و تعدیل قوانین موجود و تدوین قوانین و پالیسی‌های جدید؛
- ترویج حقوق بشری زنان، از طریق جندر شمول ساختن قوانین، پالیسی‌ها و اصلاحات در نهادها؛
- فراهم نمودن شرایط مساعد برای زنان جهت دسترسی آنان به عدالت، از طریق مشارکت مؤثر و فعال زنان در سیستم عدلی و قضایی؛
- حمایت زنان از انواع خشونت از طریق بالابردن آگاهی؛
- فراهم کردن حمایت صحی، روانی، و اجتماعی به قربانیان خشونت در سرتاسر افغانستان؛
- اتخاذ تدابیر مشخص جهت حفظ زنان از خشونت جنسی.

پیشگیری:

- جلوگیری از خشونت علیه زنان؛
- محو فرهنگ معافیت در بخش خشونت علیه زنان؛
- تقویت نقش زنان در سکتور امنیتی و ساختارهای قضایی؛
- اجرای اصلاحات مرتبط به جنسیت در سکتورهای امنیتی و عدلی؛
- سهیم ساختن پسر ها و مرد ها در مبارزه علیه تمام انواع خشونت علیه زنان؛
- گسترش آگاهی در میان زنان در مورد حقوق و نقش شان در جلوگیری از خشونت و حل اختلافات.

توسعه و بهبود:

- آرایه خدمات آسایش و بهبود برای زنان متضرر از جنگ و جا به جایی داخلی و زنان قربانی خشونت؛
- توجه به نیازهای اجتماعی و اقتصادی زنان در طرح، تطبیق، و ارزیابی برنامه‌های توسعه و بهبود؛
- تطبیق مقررات پالیسی UNSCR ۱۳۲۵ برای بیجاشدگان داخلی.

تطبیق پلان عمل

تطبیق این برنامه در دو مرحله چهار ساله صورت می‌گیرد: ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲.

1. وزیر امور خارجه رییس
 2. معین پالیسی وزارت دفاع عضو
 3. معین امنیتی وزارت امور داخله عضو
 4. معین خدمات صحت وزارت صحت عامه عضو
 5. معین اداری و مالی وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان عضو
 6. معین مسلکی و پالسی وزارت امور زنان عضو
 7. مشاور ارشد وزارت عدلیه عضو
 8. رییس حقوق بشر و امور بین المللی زنان وزارت امور خارجه عضو
 9. معین ریاست امنیت ملی عضو
 10. کمیشنر حقوق زنان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان عضو
 11. نماینده جامعه مدنی عضو
 12. رییس روابط بین المللی اداره امور و سکرتریت شورای وزیران عضو
- نهادهای همکار عبارت از نهادهای غیر دولتی، جامعه مدنی، رسانه ها و سکتور خصوصی می باشد (پلان عمل ملی، 2015، ص 6-8).
- از بدو طرح و تصویب برنامه عمل تا حال دو گزارش از تطبیق این قطعنامه به ملل متحد ارایه گردیده است.

نظارت و ارزیابی از تطبیق برنامه عمل

برنامه نظارت و ارزیابی شامل بررسی سالانه، میان دوره‌ی (بعد از دوسال) و بررسی نهایی در سال چهارم می‌باشد. در این پروسه همه ادارات تطبیق کننده اصلی و همکار مسئولیت دارند و وظیفه گزارش دهی سالانه به عهده بخش حقوق بشر و امور بین‌المللی زنان وزارت امور خارجه می‌باشد. این برنامه شامل پیگیری و نظارت از امور مالی پلان عمل ملی ۱۳۲۵ برای تضمین شفافیت و تطبیق موثر برنامه تحت نظارت و مسوولیت کمیته رهبری است. دولت افغانستان نقش جامعه مدنی را به عنوان یک بدنه مستقل برای نظارت از تطبیق موفقانه پلان عمل ملی ۱۳۲۵ به رسمیت می‌شناسد.

تأثیرات عملی پلان عمل برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر حیات سیاسی و اجتماعی زنان افغانستان

گزارش دوم از تطبیق پلان عمل ملی قطعنامه ۱۳۲۵، زنان، صلح و امنیت که در ماه اگست سال ۲۰۱۸ از طرف بخش حقوق بشر و امور بین‌المللی زنان وزارت امور خارجه دولت جمهوری اسلامی افغانستان به نشر رسیده است تازه ترین آمار و ارقام و پیشرفت‌ها در سال ۲۰۱۶ در زمینه تطبیق ۳۷ شاخص پلان عمل زنان، صلح و امنیت به شمول مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در افغانستان را بازتاب داده است. بخش مشارکت شامل ۱۷ شاخص کلیدی می‌باشد که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود:

هدف شماره (۱) مسئله مشارکت در پلان عمل عبارت از افزایش مشارکت مؤثر زنان در سطوح تصمیم‌گیری و اجرایی خدمات ملکی، امنیت و صلح و ادغام مجدد می‌باشد که شاخص‌های ذیل برای آن تعیین گردیده اند:

۱. تعداد قوانین و پالیسی‌های ارزیابی شده جهت تقویت مشارکت زنان

۲. تعداد قوانین و پالیسی‌های تعدیل شده جهت تقویت مشارکت زنان

این دو شاخص به موانع بنیادی حقوقی و ساختاری به مشارکت زنان می پردازد که در زمینه کارهای ذیل انجام شده است:

مجموعاً به تعداد ۶ سند مهم حقوقی از طرف وزارت عدلیه قرار ذیل مرور و مورد تعدیل قرار گرفته است:

- استراتژی توانمند سازی؛

- پالیسی در مورد نمره دهی هنگام استخدام جهت امتیاز دهی به زنانی که در خواست کار می نمایند؛

- قانون خدمات ملکی؛

- قانون اجرات اداری؛

- قانون ارایه خدمات آسان؛

- قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال.

وزارت زنان سه قانون را مورد ارزیابی قرار داده است:

- کود جزاء

- قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال؛

- قانون جرگه‌های اصلاحی در منازعات مدنی.

همچنان وزارت زنان در جریان سال ۱۳۹۶ به تعداد ۱۷ پالیسی‌ها و استراتژی‌های ادارات دولتی را به هدف تقویت جندر مورد بازنگری قرار داده است.

در شاخص شماره ۳ که افزایش ۱۰ درصدی زنان در خدمات ملکی به ویژه در ولایات مطمع نظر است وضعیت در سال ۲۰۱۷ از این قرار نشان داده شده است:

به اساس معلومات مقتبس از اداره احصائیه مرکزی که در گزارش آمده است، تعداد مجموعی کارمندان دولت در خدمات ملکی در سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۳۹۹۵۷۴ تن می گردید که از آن جمله به تعداد ۸۹۸۲۲ تن (۲۲،۵ درصد) کارمند آن زنان بوده که در بست‌های رسمی و قراردادی ایفای وظیفه می نمایند.

حضور زنان در رده‌های رهبری و تصمیم‌گیری در خدمات ملکی متفاوت می باشد و صرفاً ۳،۱۰ درصد زنان در تصمیم‌گیری نقش داشته اند.

شاخص شماره ۴ روی تعداد وزارت خانه‌های که چنین پالیسی را تهیه نموده اند ترکیز دارد. تنها ۷ درصد نهادهای تطبیق کننده پلان عمل توانسته اند پالیسی ایجاد کنند.

شاخص شماره ۵ به تعداد زنان در سکتور امنیتی ارتباط دارد. به اساس گزارش، فیصدی زنان در سال ۲۰۱۵ از ۳،۱ درصد نسبت به سال ۲۰۱۶ به ۵،۲ درصد افزایش یافته است. اما فیصدی زنان در بست‌های سوم آمریت در سال ۲۰۱۵ از ۲،۹ درصد نسبت به سال ۲۰۱۶ به ۲،۷ درصد کاهش یافته است. در میان نیروهای پولیس، فیصدی زنان به صورت عموم در سال ۲۰۱۵ (۵،۰ درصد) نسبت به سال ۲۰۱۶ (۶،۰ درصد) افزایش نسبتاً کم یافته است. اما فیصدی زنان در سمت آمریت در سال ۲۰۱۵ (۱،۱ درصد) نسبت به سال ۲۰۱۶ به (۷،۱ درصد) افزایش یافته است. برنامه‌های آموزشی برای زنان در نهادهای امنیتی افزایش یافته اند. وزارت دفاع ملی ۶۰۰ بست رهبری را برای زنان اختصاص داده است. ۱۲ درصد از مجموع بست‌های پی ۲ و پی ۳ برای زنان برای دستیابی به حد اقل ۱۰ درصد حضور زنان در سمت‌های رهبری تعهد این وزارت را در ارتقای مشارکت زنان نشان می دهد.

شاخص شماره ۶ راجع به تعداد مراکز آموزشی برای زنان است که وزارت‌های دفاع، داخله و ریاست امنیت ملی از عملی‌کننده‌گان اصلی این شاخص‌اند. گزارش می‌رساند که در هر سه نهاد امنیتی مذکور برنامه‌های آموزشی برای زنان تدویر یافته است چنانچه ۱۴۳ زن در مرکز آموزشی نظامی (بخش ملالی)، ۳۱ زن در اکادمی نظامی مارشال فهیم (بخش زرغونه) و ۳۶ زن در بخش افسران جوان تعلیم دیده‌اند.

شاخص شماره ۷ در مورد تعداد پالیسی‌های که جهت استخدام و ارتقای زنان در سکتور امنیتی مرور گردیده است می‌باشد. گزارش نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۶ پالیسی‌های ذیل در وزارت داخله مرور گردیده‌اند:

۱. پالیسی جندر در مورد استخدام زنان؛

۲. پالیسی جلوگیری از خشونت علیه زنان در سطح وزارت؛

۳. پالیسی عدم تبعیض علیه زنان.

ریاست عمومی امنیت ملی یک پالیسی را در مورد استخدام مورد بازبینی قرار داده است و وزارت دفاع در این زمینه پیشرفت قابل ملاحظه داشته است که از جمله ۵۵ پالیسی آن تنها ۱۶ پالیسی در مورد استخدام و ارتقای زنان می‌باشد دارا بوده و ۳۹ پالیسی دیگر را نیز که قسماً به استخدام به شمول استخدام زنان ربط دارد مورد بازبینی قرار داده است.

شاخص شماره ۸ در خصوص موجودیت موارد تشویقی جهت ترغیب زنان برای پیوستن به سکتور امنیتی است که در این زمینه تنها وزارت دفاع هفت اقدام مشخص را انجام داده است.

شاخص شماره ۹ پیرامون پالیسی تدوین شده جهت مشارکت فعال زنان در روند مصالحه، مذاکره و ادغام مجدد است. در این بخش به نقل از شورای عالی صلح در گزارش آمده است که پلان استراتژیک شورای صلح، مشارکت زنان در صلح، مصالحه ملی و ادغام مجدد در افغانستان را در بر می‌گیرد. به اساس این پلان استراتژیک شورای عالی صلح، زنان باید در مذاکرات صلح با مخالفین مسلح در افغانستان و سطح بین‌المللی مشارکت داشته باشند.

مشارکت زنان در شورای عالی صلح و دارالانشای آن و کمیته‌های ولایتی صلح ازدیاد می‌یابد. و نیز یک مورد نظارت از مشارکت زنان را در تمامی سکتور ها و روند صلح ایجاد می‌کند.

شاخص شماره ۱۰ در مورد تعداد زنان برازنده از ۳۴ ولایت کشور جهت اشتراک در مذاکرات صلح است. در این زمینه وزارت زنان از موجودیت ۶۶ زن در ۳۴ ولایت در فهرست مذاکره کننده گان صلح گزارش می‌دهد.

شاخص شماره ۱۱ از تعداد زنانی که در تسوید استراتژی ها و پالیسی های صلح و امنیت مشارکت دارند یاد می‌کند. به اساس گزارش، شورای عالی صلح از ۶۵ عضو متشکل بوده که ۱۲ عضو آن زن می‌باشد. این تعداد کاهش تعداد زنان در مقایسه با سال ۲۰۱۶ که ۱۱ عضو از جمله ۵۲ عضو این شورا زنان بوده را نشان می‌دهد اما به تعداد ۴ زن اکنون در سطح رهبری این شورا فعالیت دارند که خود یک پیشرفت محسوب می‌گردد.

شاخص شماره ۱۲ در خصوص تعداد زنان که در برنامه‌های آگاهی دهی مربوط به قطعنامه ۱۳۲۵ و پلان عمل ملی آن شرکت نموده اند آمده است. در این زمینه طوریکه گزارش نشان می‌دهد، چندین نهاد فعالیت کرده اند مانند وزارت دفاع که بیش از ۲۰ ورکشاپ را برای ۶۹۰ تن شامل ۳۴۵ تن زنان دایر نموده است، وزارت خارجه برای ریاست امنیت ملی، کارمندان دارالانشای مشرانو جرگه وولسی جرگه و نمایندگان ادارات ذیربط با قطعنامه ۱۳۲۵، (۱۵۰) بحث را با مشارکت ۱۰۰ زن برگزار نموده است. شورای عالی صلح نیز با همکاری علما و فعالین حقوق جوانان بحث هایی را در ۳۴ ولایت راه اندازی کرده اند. وزارت زنان یک برنامه آگاهی دهی ۱۰ روزه را برای ۱۵۷ اشتراک کننده تدویر نموده است و ۵۰ تن کارمندان امنیت ملی در برنامه آگاهی دهی قطعنامه ۱۳۲۵ اشتراک ورزیده اند.

شاخص شماره ۱۳ در باره تعداد زنان آگاه و متخصص در امور صلح و مذاکره است که در این زمینه تنها از ارتقای ۴ زن در رهبری شورای صلح یاد آوری شده است.

هدف شماره ۲ پلان عمل که شامل مشارکت فعال زنان در انتخابات ملی و ولایتی است به اشتراک فعال زنان در انتخابات‌های سال‌های قبل اشاره می‌کند. در این زمینه شاخص‌های شماره ۱۴ و ۱۵ به ارتباط مرور قوانین و مقررات و تعدیل قوانین و پالیسی‌ها مانند قانون انتخابات، پالیسی استخدام، طرز العمل ثبت نام رای دهندگان و فهرست کاندیداها و حامیان آنها و نیز شاخص شماره ۱۶ و ۱۷ در مورد تعداد زنان کاندید و رای دهنده و اطمینان از بهبود روند انتخابات به مسائل مهم خیلی به طور کلی پرداخته است (گزارش دوم از تطبیق پلان عمل، ۱۳۹۷).

نقش فعالین صلح، حقوق زن و مدنی در ترویج و دادخواهی مفاد قطعنامه ۱۳۲۵ و پلان عمل

به اساس پاراگراف ۷ و ۸ پلان ملی عمل زنان، صلح و امنیت، نقش جامعه مدنی در نظارت و ارزیابی این پلان به حیث ناظر مستقل در تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ حایز اهمیت شناخته شده است و تطبیق موفقانه آن را منوط به همکاری نزدیک میان جامعه مدنی، افراد متأثر از جنگ و جامعه جهانی می‌داند. این پلان خاطر نشان می‌سازد که مشروعیت پلان عمل ملی و تطبیق مؤثر آن وابسته به حمایت از زنان افغان بخصوص زنان متأثر از جنگ، کارمندان ملکی و نظامی و فعالان سیاسی و حقوقی می‌باشد (همان منبع، ص، ۱۰).

چالش‌ها و موانع در راستای تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ و پلان عمل:

پلان عمل یک سلسله موانع و چالش‌ها را در راستای تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ در افغانستان چنین برشمرد است:

۱. وخیم شدن اوضاع امنیتی در کل یا بخش‌هایی از کشور؛
۲. کمبود منابع مالی جهت تطبیق پلان ملی عمل؛
۳. نبود ظرفیت و مهارت کافی در ادارات تطبیق کننده؛
۴. موانع در سطح محل؛
۵. عدم ارائه گزارش‌های به موقع؛
۶. نبود هماهنگی لازم میان ادارات (همان منبع، ص، ۱۱-۱۲).

مروری بر تازه ترین تحقیقات، سروی ها و گزارش ها در مورد مشارکت زنان در افغانستان

از آنجائیکه اشراف و آگاهی محقق از تحقیقات قبلی انجام شده پیرامون موضوع مبنای کار وی را تشکیل می دهد، محقق در این تحقیق به کنجکاوی و جستجوی تحقیقات قبلی پرداخته است که در نتیجه در حدود هفت سند تحقیقی ذیل مرور گردید:

۱. سروی های بنیاد آسیا، ۲. گزارش سال ۱۳۹۵ اداره احصائیه مرکزی افغانستان (وضعیت زنان و مردان)، ۳. سالنامه ۱۳۹۷، ۴. گزارش سال ۲۰۱۹ مرور ادواری جهانی افغانستان به شورای حقوق بشر ملل متحد، ۵. گزارش سال ۲۰۱۸ موسسه مطالعات عامه افغانستان، ۶. مطالعه جهانی سال ۲۰۱۷ بخش زنان ملل متحد در افغانستان پیرامون پیشرفت ها در زمینه تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵، پلان عمل به زبان انگلیسی و ۷. پالیسی کمیسیون مستقل اصلاحات اداری در مورد افزایش مشارکت زنان در خدمات ملکی، که قسماً به فشرده موضوعات مربوط به بحث مشارکت زنان از هریک از تحقیقات و سروی های مذکور در ذیل اشاره شده است.

۱. سروی های سالانه بنیاد آسیا

بنیاد آسیا که یک موسسه غیردولتی فعال در زمینه های انکشاف، و ناظر به بهبود زندگی مردم از طریق تحقیقات اجتماعی، ظرفیت پروری و اعمار صلح بوده و از بدو سقوط حکومت طالبان در برنامه های بزرگ ملی در افغانستان سهیم بوده است، همه ساله سروی ای را در ۳۴ ولایت کشور برای دریافت نتایج پیشرفت های حکومت داری، مشارکت، اشتغال، دسترسی به خدمات اجتماعی، میزان محبوبیت حکومت و امیدواری مردم نسبت به آینده به راه می اندازد. یافته های این تحقیقات و سروی ها که رویکرد توصیفی و نیز کمی دارند همه ساله با مردم و جامعه بین المللی شریک ساخته می شوند و از اهمیت ویژه ای در سمت وسو دهی افکار عامه و پالیسی سازان ملی و بین المللی برخوردار می باشد.

بررسی و مطالعه سروری‌های چهار سال اخیر این موسسه در زمینه مشارکت زنان به ویژه مشارکت سیاسی، اشتغال، صلح و مصالحه از سال ۲۰۱۵ حین اینکه برنامه عمل زنان، صلح و امنیت دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ تصویب گردید، از موارد مهمی است که در این تحقیق ذیلاً در مسائل عمده مربوط به دیدگاه کلی پاسخ دهندگان راجع به وضعیت، صلح، مصالحه و ادغام مجدد، مشارکت سیاسی زنان، انتخابات، سهمگیری زنان در تصمیم‌گیری‌ها و رهبریت، به آن پرداخته شده است.

وضعیت عمومی و روند حرکت کشور

توجه به وضعیت عمومی و روند حرکت کشور از آن جهت مهم است که مشارکت سیاسی و اجتماعی تاثیر به سزایی در میزان رضایت مردم از سهمگیری در اداره و نظام را متلبور می‌سازد و به هر اندازه اینکه مردم احساس مالکیت و مشارکت بیشتر داشته باشند، به همان اندازه نشان دهنده رضایت آنان از نظام می‌باشد.

سروری سال ۲۰۱۵ بنیاد آسیا نظریات ۹۵۸۶ تن از شهروندان افغان با مشارکت ۵۰،۶٪ پاسخ دهندگان طبقه ذکور و ۴۹،۴٪ پاسخ دهندگان زن از ۱۴ قوم در ۳۴ ولایت افغانستان را در بر می‌گیرد. در این سروری ۳۶،۷٪ پاسخ دهندگان به این باور بودند که کشور در مسیر درست در حرکت است که در مقایسه به ۵۴،۷٪ در سال ۲۰۱۴ کاهش قابل ملاحظه ایرا نشان داده است.

یافته‌های سروری سال ۲۰۱۶، شامل نظریات ۱۲۶۵۸ شهروند افغان از ۱۶ گروه قومی شامل ۵۲،۷٪ زنان و ۴۷،۴٪ مردان در ۳۴ ولایت به شمول ساحات نا امن و پرچالش انجام یافته بود. در این سال سطح خوشبینی مردم نسبت به آینده در پائین ترین سطح از سال ۲۰۰۴ گذارش شده است زیرا در اوایل این سال تلاش‌ها برای گفتگوهای صلح با مخالفین مسلح دولت با ناکامی مواجه شده بود. در این سروری تنها ۲۹،۳٪ افغانها اظهار داشته بودند که کشور شان به سمت درست در حرکت است که پائین ترین سطح از سال ۲۰۰۴ را نشان می‌داد و نسبت به سال ۲۰۱۵، ۳۶،۷٪ کاهش یافته بود.

سروری سال ۲۰۱۷ شامل نظریات ۱۰۰۱۲ پاسخ دهنده به شمول ۵۰،۱٪ مرد و ۴۹،۹٪ زن از تمام اقوام و ۳۴ ولایت افغانستان را شامل می باشد. میزان خوشبینی افغان ها در سروری سال ۲۰۱۷ بنیاد آسیا نسبت به سروری های سال های قبلی امید وار کننده ارزیابی شده است چنانچه ۳۲،۸٪ افغان ها در این سروری خاطر نشان ساختند که کشور در مسیر درست در حرکت است در حالی که شمار کسانی که گفتند کشور در مسیر نادرستی در حرکت است نظر به رکورد بالا ۶۵،۹٪ در سال ۲۰۱۶ به ۶۱،۲٪ تنزیل را نشان می دهد.

سروری سال ۲۰۱۸ شامل مصاحبه های انفرادی با ۱۵۰۱۲ تن شهروندان افغان شامل ۵۰،۳٪ پاسخ دهندگان زن و ۴۹،۷٪ پاسخ دهندگان مرد می باشد که از سرتاسر افغانستان شامل افرادی که در ۸۰،۶٪ ساحات شهری و ۱۹،۴٪ ساحات دهاتی نشیمن داشتند انجام یافته است.

در سال ۲۰۱۸ میزان خوشبینی پاسخ دهندگان برابر با سال قبل یعنی ۳۲،۸٪ نشان داده شده است. ۶۱،۳٪ افغان ها به این باور بودند که کشور در مسیر نا درست در حرکت است که یک افزایش ایرا نسبت به سال قبل آن که ۶۱،۳٪ بود متباز می سازد. ۶،۵٪ مردم نمی دانستند کشور در کدام جهت روان است. متاسفانه طورایکه از فکت ها و فیگور های ارایه شده برمی آید میزان رضایت مردم از صوب حرکت نظام به سوی مطلوب طی سال های اخیر در یک حالت نوسان قرار داشته است که ناشی از تداوم جنگ، مشکلات اقتصادی و اجتماعی و عوامل متعدد دیگر محسوب شده می تواند. احساس عدم شراکت در امور نیز می تواند یکی از عوامل این برداشت نزد مردم شمرده شود.

صلح، مصالحه و ادغام مجدد

۶۲،۶٪ پاسخ دهندگان سروی در سال ۲۰۱۵، برای مصالحه و اینکه صلح منتج به آوردن ثبات در کشور می‌گردد رای داده بودند. فی‌صدی افغان‌هاییکه همدردی‌شان را با نیروهای مخالف اظهار می‌نمودند از ۵۵،۷٪ در سال ۲۰۰۹ به ۲۷،۵٪ در سال ۲۰۱۵ کاهش را نشان می‌داد.

در سال ۲۰۱۶، ۶۲،۹٪ پاسخ دهندگان به این باور بودند که صلح می‌تواند در آوردن ثبات به کشور مفید واقع شود که تقریباً هم‌سطح با سال ۲۰۱۵ باقی مانده بود. میزان همدردی افغان‌ها با مخالفین مسلح در این سال ۱۶،۷٪ در مقایسه با ۲۷،۵٪ در سال ۲۰۱۵ را وانمود می‌ساخت.

در سروی سال ۲۰۱۷، تقریباً نصف پاسخ دهندگان ۵۲،۳٪ اذعان داشتند که صلح و مصالحه با طالبان ممکن است و ۶۲،۹٪ آنها گفتند که صلح به ثبات کشور کمک می‌کند.

سروی سال ۲۰۱۸، افزایش ۱،۱٪ را در میزان پاسخ دهندگان یکیه خوشبین به صلح و مصالحه با طالبان اند نشان می‌دهد اما در تعداد میزان زنان یکیه اظهار موافقت با این موضوع نموده اند یک کاهش ۰،۹٪ گزارش شده است. همچنان دیدگاه مردم نسبت به فراهم سازی مساعدت‌ها مانند خانه، کار و غیره برای مخالفین مسلح یکیه با پروسه صلح می‌پیوندند تغییر را نشان می‌دهد که از ۸۰،۶٪ در سال ۲۰۱۰ یک تنزیل ۶۸،۷٪ در سال ۲۰۱۸ را نشان می‌دهد.

طورایکه از مرور مطلب بالا معلوم میشود، با وجود تصویب برنامه عمل دولت (زنان، صلح و امنیت) برای تطبیق مفاد قطعنامه ۱۳۲۵ در سال ۲۰۱۵، هیچگونه پرسشی به ارتباط سهمگیری و مشارکت زنان در پروسه صلح و ادغام مجدد در سروی‌های هرچهار سال فوق در بخش صلح و مصالحه، به نظر نرسید تا روحیه و دیدگاه پاسخ دهندگان را به نمایندگی از جامعه آماری کل یعنی مردم افغانستان پیرامون نیاز سنجی مشارکت زنان در پروسه صلح و ادغام مجدد بیان می‌نمود.

مشارکت سیاسی زنان، انتخابات

سروی سال ۲۰۱۵ نشان می دهد که میزان اعتماد مردم بالای کمیسیون انتخابات در این سال با ملاحظه مشکلات ایکه مردم در انتخابات سال ۲۰۱۴ شاهد آن بودند به طور قابل ملاحظه کاهش یافته بود. چنانچه یک کاهش ۳۶،۴٪ در سال ۲۰۱۵ را به مقایسه ۶۶،۴٪ در سال ۲۰۱۴ نشان می دهد. ۵۰،۱٪ پاسخ دهندگان به این نظر بودند که زنان باید حق تصمیم گیری در مورد رای دادن به شخص مورد نظر شان را داشته باشند، ۲۷،۴٪ آنها طرفدار مشورت نمودن زنان با مردان قبل از رای دهی و ۲۱،۹٪ آنان طرفدار تصمیم گیری مردان برای زنان بودند. ۷۴،۴٪ افغان ها موافق بودند که زنان اعضای شوراهای انکشاف اجتماعی باشند و ۵۲،۹٪ مردم دارای کمترین احتمال موافقت با زنان در نامزدی آنان جهت احراز کرسی ریاست جمهوری بودند، اکثریت مردم ۵۸،۵٪ پاسخ دهندگان موافق بودند که زنان می توانند به حیث وزیران حکومت یا اعضای کابینه ایفای وظیفه نمایند. ۴۴،۲٪ اشتراک کننده گان سروی با کار زنان در سازمان های غیر دولتی، اردو یا پولیس موافق بودند. ۴۱،۴٪ پاسخ دهندگان با کار زنان در شرکت های خصوصی که مردان و زنان با هم یکجا کار می کنند موافقت نشان داده بودند.

در سروی سال ۲۰۱۶، ۸۸،۲٪ افغانها به این نظر بودند که زنان باید اجازه اشتراک در انتخابات را داشته باشند. زنان ۹۴،۱٪ بیشتر از مردان با این نظر موافق بودند. ۵۶،۸٪ افغان ها به این نظر بودند که زنان باید تصمیم انتخاباتی شان را به صورت مستقل اتخاذ کنند در حالیکه ۲۱،۳٪ پاسخ دهندگان به این باور بودند که مردان باید برای زنان تصمیم بگیرند. ۲۰،۸٪ می گفتند که زنان باید در مشورت با مردان این کار را انجام دهند. در این سروی کمتر از نیمی از افغان ها ۴۴،۵٪ طرفدار واگذاری موقف های سیاسی به مردان و تقریباً عین فیصدی ۴۲،۳٪ طرفدار فرصت های مساوی برای هر دو جنس بودند. ۵۸،۳٪ از مردان در مقایسه با ۳۰،۶٪ زنان بر این باور بودند که مقام های سیاسی رهبری باید بیشتر برای مردان باشد. ۳۶،۵٪ مصاحبه شدگان طرفدار کار زنان در اردو یا پولیس بودند و ۳۲،۹٪ از کار زنان در شرکت های خصوصی که مردان و زنان یکجا کار می کنند حمایت شان را نشان داده بودند.

سروری سال ۲۰۱۷، نشان می دهد که ۸۹،۰٪ پاسخ دهندگان طرفدار اجازه شرکت زنان در انتخابات اند و با سروری سال قبل آن تفاوت چندانی را نشان نمی دهد. البته خود زنان اندکی بیشتر از مردان طرفدار این موضوع بودند. در این سروری کمتر از دو سوم افغان ها ۵۹،۸٪ ابراز داشتند که زنان باید خودشان تصمیم بگیرند و ۱۶،۹٪ بیان داشتند که مردان باید تصمیم گیرنده باشند که زنان برای کدام اشخاص رای دهند.

یافته های سروری سال ۲۰۱۸ می رساند که ۱۹،۹٪ افغان ها طرفدار این بودند که نماینده شان در پارلمان زن باشد. ۴۳،۷٪ طرفدار نمایندگی مردان بودند. ۸۷،۶٪ پاسخ دهندگان از حق رای زنان در انتخابات حمایت شان را نشان دادند. دیدگاه ها برای احراز کرسی ریاست جمهوری توسط زنان در سال ۲۰۱۸ ۴۶،۱٪ در مقایسه با ۴۸،۲٪ در سال ۲۰۱۷ بود. سطح نگرش پاسخ دهندگان نسبت به کار زنان در بیرون خانه در سال ۲۰۱۸ ۷۰،۳٪ را در مقایسه با ۷۲،۴٪ در سال ۲۰۱۷ نشان می دهد.

چنانچه از مطالعه نوسانات دیدگاه های پاسخ دهندگان در هر چهار سروری فوق پیرامون موضوع مشارکت سیاسی زنان و انتخابات بر می آید، در مجموع یک دیدگاه مثبت و کلی در مورد مشارکت زنان در انتخابات و احراز مقام های رهبری در مناصب بزرگ سیاسی را نشان می دهد. هر چند تمایلات جنسیتی مرد گرایانه در برخی از موارد مشهود است ولی فیصدی طرفداران مشارکت زنان در انتخابات حداقل در حد دیدگاه کلی و نظری همواره سطح بلندی را نشان می دهد با وجود آنکه مشارکت عملی زنان چنانچه در صفحات بعدی به آن اشاره صورت گرفته است، چیز متفاوت تری را نشان می دهد.

سهیم گیری زنان در سطوح تصمیم گیری

سرووی‌های هر چهار سال فوق نشان می‌دهد که پاسخ دهندگان طرفدار مشارکت زنان در سطح رهبری شوراهای انکشافی دهات بوده‌اند و نیز از اشتغال زنان در بیرون منزل به درجات مختلف حمایت کرده‌اند. اما از اینکه زنان باید در سطوح تصمیم‌گیری در ادارات شریک باشند سوال و یا پرسش مشخصی به نظر نرسید.

در مجموع چنین به نظر می‌رسد که سرووی‌های بنیاد آسیا به شکل مشخص به ارزیابی و هدف‌گیری اهداف برنامه‌ی عمل و قطعنامه‌ی ۱۳۲۵ ملل متحد نپرداخته بلکه به طور ضمنی در لابلای سایر موضوعات حاد اجتماعی کوشیده است به برخی از مهم‌ترین موارد آن مانند علاقه‌مندی مشارکت مردان و زنان نسبت به انتخابات، و پس منظر صلح در کشور تماس گرفته‌باشد. این سرووی‌ها به هیچ وجه مبین چگونگی طرز دید مردم افغانستان پیرامون موضوع بحث ما شده نمی‌تواند زیرا سطح بینش و آگاهی مردم ایکه مورد پرسش و سرووی قرار گرفته‌اند، در مورد مفاد قطعنامه و برنامه‌ی عمل معلوم نبوده و هدف اساسی این تحقیق هم موضوعات مذکور نبوده است.

۲. مرووی بر گزارش سال ۲۰۱۸ نظارت از پلان عمل ملی موسسه‌ی مطالعات عامه افغانستان یافته‌های گزارش موسسه مطالعات عامه افغانستان نیز در بحث مشارکت زنان از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد که ذیلاً به برخی از عمده‌ترین یافته‌های آن اشاره می‌شود:

یافته‌های این گزارش در کابل، منحصر به شهر کابل و دو ولسوالی استالف و خاک جبار می‌باشد که ۷۳۹ تن به شمول ۷۴ زن و ۱۶۸ مرد به عنوان مطالعین کلیدی و ۲۷۳ زن و ۲۵۱ مرد به حیث بحث‌کننده گان را شامل می‌گردد. این گزارش در یافته است که سطح آگاهی از پلان عمل زنان، صلح و امنیت در کابل تا حدود ۳۵٪ بوده و اضافه‌تر از ۶۰٪ اشتراک‌کننده گان از آن آگاهی نداشتند.

۳. مشارکت زنان در گزارش وضعیت زنان و مردان اداره مرکزی احصائیه افغانستان

گزارش‌ها و سروی‌های اداره احصائیه مرکزی افغانستان از جمله منابع مهم تحقیقی برای پالیسی‌سازان ملی و بین‌المللی در موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی افغانستان به شمار می‌رود. این گزارش‌ها که با تمسک به میتودهای علمی و ابزارهای معاصر احصائیه‌گیری به شمول احصائیه‌گیری‌های احتمالی با فیصدی اعتماد بالا استوار است، در بسیاری موارد ممد تحقیقات و پژوهش‌های اجتماعی قرار گرفته و در کاهش هزینه‌های تحقیق نیز موثر باشد.

گزارش اخیر این اداره در زمینه وضعیت زنان و مردان در افغانستان منتشره سال ۱۳۹۵ و سالنامه احصائیه سال ۱۳۹۷ از نکات مهم پیرامون موضوع مشارکت زنان در افغانستان برخوردار می‌باشند که مختصراً به آن اشاره صورت می‌گیرد. به اساس گزارش وضعیت زنان و مردان در افغانستان، نفوس مجموعی افغانستان در سال ۱۳۹۵ به تعداد ۲۰۲۹ میلیون نفر برآورد شده است که ۷۰۲۷ میلیون آن را نفوس مسکون و ۱ میلیون نفر را نفوس کوچی تشکیل می‌دهد. از جمله نفوس مسکون ۱۳۰۵ میلیون نفر یا ۴۸٪ آن را زنان و ۱۴۰۲ میلیون نفر یا ۵۱٪ آن را مردان تشکیل می‌دهد. این ارقام نشان می‌دهد که در گروپ سنی نفوس ۰-۴ ساله ۸۰٪ را دختران و ۷۰٪ را پسران تشکیل می‌دهد این رقم نشان‌دهنده حقیقتی است که دختران نسبت به پسران زیاد تر تولد می‌گردند و از طرف دیگر مرگ و میر نوزاد پسر نسبت به دختر بیشتر است. این گزارش می‌رساند که در گروپ سنی ۲۵-۳۹ ساله که گروپ وسیعی از نفوس می‌باشد، تعداد زنان نسبت به مردان به علت ناامنی‌ها و جنگ‌ها که در آن مردها بیشتر متضرر می‌گردند و یا مهاجر می‌شوند، بیشتر است. در فصل سوم این گزارش در مورد نقش زنان و مردان در سطوح رهبری، مشارکت و سیاست را برجسته می‌سازد. با در نظر داشت اهداف انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان که در روشنایی آن قرار است تا سال ۲۰۲۰ در حدود ۳۰٪ از پست‌های بلند تصمیم‌گیری‌ها، پالیسی‌ها و قانون‌گذاری‌ها در بخش‌های قضایی، امنیتی، اقتصادی و خدماتی را در اختیار زنان قرار دهد، این گزارش مشارکت زنان را در خدمات ملکی و سطوح تصمیم‌گیری چنین نشان می‌دهد:

مجموع کارکنان خدمات دولتی به شمول پرسونل خدماتی و کارگران و به استثنای پولیس، اردوی ملی و امنیت ملی در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۴۰۰۸۱۲ نفر را نشان می دهد که ۸۷۹۱ نفر یا ۰.۲۱٪ آن را زنان تشکیل داده بود (۱۳۹۵، ص، ۱۱).

۴. آمار سالنامه احصائیوی

۱۳۹۶ با ملاحظه سالنامه احصائیوی اداره ملی احصائیه و معلومات سال ۱۳۹۶ چنین ارقام در زمینه آرایه شده است: بر مبنای برآورد نفوس کشور به شمول ۵.۱ میلیون نفوس کوچی در سال ۱۳۹۶ به ۷.۲۹ میلیون رسیده است که از جمله ۱.۴ میلیون آن را زنان و ۲.۱۵ میلیون آن را مردان تشکیل می دهد.

تعداد مجموعی کارکنان دولت در سال ۱۳۹۶ به ۴۰۰۴۳۹ نفر گزارش داده شده است که ۴.۷۷٪ آن مردان و ۶.۲۲٪ آن زنان بوده اند.

۵. پالیسی کمیسیون مستقل اصلاحات اداری پیرامون افزایش مشارکت زنان در خدمات ملکی

کمیسیون مستقل اصلاحات اداری پالیسی ایرا در سال ۱۳۹۶ به نام پالیسی افزایش مشارکت زنان در خدمات ملکی تصویب نموده است. و سلسله اقداماتی نظیر آگاهی دهی برای محصلین زن، ایجاد بانک سوانح زنان واجد شرایط، ایجاد دیتابیس نیازسنجی و صفحه فیس بوک را در برنامه های کاری خود برای ارتقای مشارکت زنان قرار داده است. بر اساس این پالیسی، مشارکت زنان در سال ۲۰۱۸ در عرصه خدمات ملکی باید یک افزایش ۲ درصدی داشته باشند و تا سال ۲۰۲۰ باید به ۳۰ درصد ارتقاء یابد. این پالیسی استخدام زنان را در خدمات ملکی در مراحل پیش از استخدام، در جریان و بعد از استخدام رهنمایی می کند (<https://iarsc.gov.af>).

۶. نگاهی به بازتاب مشارکت زنان در آخرین گزارش ادواری جهانی حقوق بشر افغانستان^۱:

درسومین گزارش ادواری جهانی حقوق بشر افغانستان به شورای حقوق بشر ملل متحد که به تاریخ ۲۱ جنوری سال ۲۰۱۹ پیشکش گردید؛ تازه ترین ارقام ذیل راجع به مشارکت زنان در سطوح و نهادهای مختلف اعم از دولتی و خصوصی چنین بازتاب یافته است:

- مشارکت زنان در شورای ملی افغانستان ۲۷٪
- مشارکت زنان در شوراهای ولایتی ۲۰.۹٪
- مشارکت زنان در کابینه دولت جمهوری اسلامی افغانستان ۱۵٪
- مشارکت زنان در سطوح تصمیم گیری دولت ۱۰٪
- مشارکت زنان در سکتور صحت عامه ۳۳٪
- مشارکت زنان در سکتور خصوصی ۲۱.۷٪
- مشارکت زنان در ادارات دولتی ۲۶٪
- مشارکت زنان در نظام قضایی ۱۲٪
- مشارکت زنان در سکتور امنیتی ۱٪
- مشارکت زنان در سطوح تصمیم گیری سکتور خصوصی ۸.۹٪
- مشارکت زنان در سکتور اقتصادی ۶٪
- مشارکت زنان در اداره لوی سارانوالی از ۱۵٪ در سال ۲۰۱۷ به ۲۳٪ در سال ۲۰۱۸ افزایش را نشان می دهد و ۱۰ گرداننده زن در این اداره تبارز نموده است.
- مشارکت زنان در دادگاه عالی افغانستان ۲۳٪
- مشارکت زنان در شوراها ی ولایتی به اساس قانون انتخابات ۲۰۱۶ مشمول ۲۵٪ سهمیه کرسی ها برای زنان در هر شورا ی ولایتی می باشد (۱۳۹۷، ص، ۲۰)

۷. نگاهی به هزینه‌های مجامع بین‌المللی برای ارتقای مشارکت زنان در افغانستان در مطالعه خاص نهاد زنان ملل متحد

یک مطالعه خاص نهاد زنان ملل متحد در افغانستان در سال ۲۰۱۶ هزینه‌های پلان شده برای تطبیق مفاد قطعنامه ۱۳۲۵ در افغانستان را از سال ۲۰۱۶ الی ۲۰۱۸ به شمول برخی برنامه‌هایی که از سال‌های قبل نیز آغاز گردیده اند و توسط دونران، ایجینسی‌های ملل متحد، دولت، جامعه مدنی و موسسات بین‌المللی هزینه یا برنامه ریزی شده است را مرور و مطالعه نموده است. به اساس این گزارش از جمله ۱۸۵ پروژه و ابتکارات ایکه در زمینه در سال ۲۰۱۶ ثبت شده اند ۶۳ برنامه آن که حدود ۳۴ درصد کل را نشان می دهد در زمینه مشارکت اختصاص یافته و فعالیت ها در مورد مشارکت در تمامی ولایات صورت گرفته است که بیشترین هزینه ها (۴۴ درصد) در زمینه مشارکت را نشان می دهد (گزارش نهاد زنان ملل متحد، ۲۰۱۶، ص، ۴).

به اساس یافته‌های مطالعه مذکور بیشترین پروژه‌های مشارکت توسط نهادهای مربوط به ملل متحد در افغانستان در ۲۰۱۶-۲۰۱۷-۲۰۱۸ و برخی ها برای مابعد آن عملی یا برنامه ریزی شده اند. هیچ ولایت کمتر از ۲۸ فعالیت در زمینه نداشته است و برخی ولایت ها تا حدود ۴۰ فعالیت را نیز داشته اند. در مجموع حدود ۸۷۷۰۸۳۹۵۶ (هشت صد و هفتاد و هفت ملیون دالر و هشتاد و سه هزار و نه صد و پنجاه و شش) یا به عباره دیگر ۴۴ درصد مجموع هزینه ها در زمینه مشارکت با فیصدی هادر عرصه‌های ذیل هزینه شده اند:

چگونگی اولویت بندی برنامه‌های مشارکت مطابق مفاد قطعنامه 1325

اهداف	تعداد پروژه‌ها/ابتکارات	فیصدی پروژه‌ها/ابتکارات
1. ارتقای مشارکت زنان در تصمیم‌گیری و خدمات ملکی، امنیت، صلح و ادغام مجدد	۴۴	۷۰٪
2. ارتقای مشارکت زنان در انتخابات سطح ملی و ولایتی	۱۳	۲۱٪

چگونگی اولویت بندی برنامه‌های مشارکت مطابق مفاد قطعنامه 1325

اولویتها	تعداد پروژه‌ها/ابتکارات	فیصدی پروژه‌ها/ابتکارات
1. مشارکت در پروسه رسمی صلح و گفت‌وگو سه جانبه صلح	۹	۱۵٪
2. مشارکت در انتخابات به حیث رای دهنده گان، ارتقای مشارکت کاندیداهای زن در پروسه نظارت انتخابات	۹	۱۴٪

۵۲٪	۳۳	۳. تسهیل مشارکت از طریق کمپاین آگاهی دهی
۱۹٪	۱۲	۴. مشارکت در نهادهای تنفیذ قانون، پولیس، اردو و نیروهای امنیتی
۱۱٪	۷	۵. تسهیل مشارکت افراد آسیب پذیر (بیجا شده گان داخلی، دختران، افراد دارای معلولیت)

(همان منبع، ۲۰۱۶).

به اساس گزارش برپلان عمل ملی منتشره سال ۲۰۱۸ موسسه مطالعات عامه افغانستان، بودجه اختصاص یافته از سوی وزارت مالیه برای تطبیق مفاد قطعنامه ۱۳۲۵ برای چهار سال آینده در حدود ۹۳۰۰۰۰ نه صد و سی هزار دالر آمریکایی از بودجه موجود حکومت می باشد. این مبلغ تنها در استقامت‌های تطبیق قطعنامه برای اطمینان یافتن از حمایت‌های تخنیکی کافی، ظرفیت سازی منابع انسانی، گزارش دهی و نظارت اختصاص یافته است در حالیکه سایر بودجه‌های لازم در زمینه از سوی دونران دیگر کمک می گردد.

هزینه ها و برنامه‌های مصرف شده از سوی مجامع بین‌المللی برای ارتقای مشارکت زنان در افغانستان متوازن نبوده برخی از نهاد ها و موسسات بین‌المللی با صرف ملیون ها دالر نتوانستند برنامه‌های کارا و مؤثر را در این عرصه ایجاد نمایند. از جمله اینچنین پروژه‌های پرهزینه و ناکام می توان از برنامه پروموت که برای توانمند سازی زنان برای ارتقای مشارکت آنان در پنج سال قبل به همکاری نهاد کمک رسانی ایالات متحده آمریکا در افغانستان راه اندازی شد یادآوردی نمود. ویسایت صدای آمریکا از مفتش خاص ایالات متحده آمریکا برای بازسازی افغانستان یا سیگار می نویسد: این پروژه که به نام پروموت یا «ارتقا» یاد شده و حدود پنج سال پیش راه اندازی شد و بزرگترین پروژه توانمندسازی زنان در سطح جهان خوانده شده است، قرار بود زمینه کاریابی، رشد و آموزش را برای ۷۵ هزار زن افغان فراهم کند. جان سوپکو، مفتش ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان، گفته است که از زمان راه اندازی برنامه ارتقا تا کنون ۸۹ میلیون دالر صرف آن شده است، فقط ارتقای ۵۵ زن افغان را به وظایف بهتر می‌توان به عنوان دست‌آورد ملموس آن برجسته ساخت.

(<https://www.darivova.com>).

هزینه‌های وزارت امور زنان برای بهبود مشارکت زنان طی سه سال اخیر

وزارت امور زنان به حیث یک وزارت پالیسی ساز در سطح ملی و ناظر بر تطبیق برنامه ملی زنان و برنامه عمل زنان، صلح و امنیت بعد از تصویب برنامه عمل بودجه ذیل را به خود اختصاص داده است:

- بودجه سال ۱۳۹۵ : ۱۹۲.۹ میلیون افغانی (بودجه ملی سال ۲۰۱۵).
- بودجه سال ۱۳۹۶ : ۲۱۱.۵ میلیون افغانی (بودجه ملی سال ۲۰۱۶).
- بودجه سال ۱۳۹۷ : ۲۷۳/۱۶۸/۰۰۰ میلیون افغانی (بودجه ملی سال ۱۳۹۷، ص ۳۶).

سوم. روش تحقیق

مقدمه

این تحقیق از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و آینده نگر، از نظر ماهیت و روش، یک تحقیق تبیینی زمینه یابی، از نظر مکان، تحقیق میدانی و از نظر تحلیل داده ها، تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) بوده است. در تحقیق تبیینی محقق به دنبال چستی و چگونه بودن موضوع است و می خواهد بداند ماهیت پدیده، موضوع، یا مطلب چیست و چگونه است. به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می کند و به توصیف منظم وضعیت فعلی آن می پردازد. تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی و هم جنبه مبنایی دارد، در بعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های راهبردی و غیر راهبردی استفاده می شود. در بعد بنیادی به کشف حقایق و واقعیت ها می پردازد. ویژگی عمده تحقیق تبیینی، عدم دخالت محقق در موقعیت، وضعیت و متغیرها است و آنها را دست کاری و صرفاً آنچه را وجود دارد مطالعه کرده، به توصیف آنها می پردازد (سروری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۴).

ابزار و روش جمع‌آوری معلومات: روش گردآوری داده‌ها شامل، مطالعه کتابخانه ای، مصاحبه‌های اکتشافی یا عمیق بوده است. در روش کتابخانه‌ای، کتاب‌ها، مقالات، استراتژی‌ها، پالیسی‌ها، اسناد و مدارک مربوط به تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است و در مصاحبه‌های اکتشافی از دیدگاه برخی صاحب نظران و خبرگان در خصوص موضوع تحقیق که بررسی و مطالعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه افغانی می باشد، استفاده شده است.

همچنین داده‌های مربوط به جامعه آماری از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است.

در این تحقیق پرسشنامه معیاری یا محقق ساخته پنج گزینه‌ای طیف لیکرت است. اعتبار و اعتماد (محتوای) آن که بیانگر مناسب بودن پرسشنامه از نظر اندازه‌گیری و پیمایش اطلاعات و معلومات می باشد انجام یافته است. در این تحقیق به مطالعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه در پیوند به قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد به تحلیل پیشرفت‌های زنان در زمینه نقش آنها در پروسه صلح و امنیت، و سایر جوانب موضوع در کارایی و چالش‌ها فرا راه تطبیق برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵ پرداخته شده است.

بر اساس داده‌ها اطلاعات پرسشنامه‌های که به پیوست آمده، در آخر تحقیق ضمیمه گردیده است، تجزیه و تحلیل با کمک پروگرام Excel و نرم افزار SPSS صورت گرفته است و تقسیم بندی جهت ارسال پرسش نامه‌ها برای متخصصین حوزه فعالیت‌های مدنی، صلح و حقوق زنان به اساس وظایف شان انجام یافته است.

تجزیه و تحلیل کمی

تحلیل کمی در شرایطی کاربرد دارد که مفاهیم از طریق معرف‌های تجربی کمی اندازه‌گیری شده باشد. تحلیل کمی یکی از روش‌های استدلال تجربی در باب فرضیات علمی است.

تجزیه و تحلیل کیفی

به طور کلی در مواردی که توجه بیشتر به صفات‌های فردی معطوف است، احتمالاً هیچ‌یک از روش‌های تحلیل کمی به کار نمی‌آیند در تحلیل کیفی، داده‌های گردآوری شده از نوع داده‌های کیفی هستند؛ البته ممکن است داده‌های تجربی کمی نیز باشند؛ در این صورت باید از این داده‌ها طبق منطق تحلیل کیفی استفاده کرد.

تجزیه و تحلیل توصیفی

در این نوع تجزیه و تحلیل، اگر تجزیه و تحلیل به صورت کمی باشد، پژوهشگر داده‌های جمع‌آوری شده را با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، خلاصه و طبقه‌بندی می‌کند. به عبارت دیگر، در تجزیه و تحلیل توصیفی پژوهش‌گر ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده را با تهیه و تنظیم جدول توزیع فراوانی خلاصه می‌کند و سپس به کمک نمودار آن‌ها را نمایش می‌دهد و سرانجام، با استفاده از سایر شاخص‌های آمار توصیفی آن‌ها را خلاصه می‌کند. معروف‌ترین و در عین حال پرمصرف‌ترین شاخص‌های آمار توصیفی عبارت‌اند از: میانگین، میانه و انحراف استاندارد.

جامعه آماری، نمونه و نمونه برداری

جامعه آماری که به آن جمعیت آماری نیز گفته می‌شود مجموعه افراد یا عناصری اند که دارای ویژگی‌های مشترک هستند و تحقیق در مورد آنها انجام می‌شود. جامعه آماری تحقیق حاضر فعالین حوزه فعالیت‌های مدنی، فعالیت‌های صلح، و فعالیت‌های حقوق زنان می‌باشد که بر اساس تحقیق بر مبنای هدف به تعداد ۱۱۰ تن از آنها انتخاب گردیده است که از جمله تنها یک صد و یک پرسش نامه تکمیل و جمع‌آوری گردید.

نمونه

هدف اصلی از نمونه گیری به دست آوردن زیر مجموعه جمعیت که برای استنباط کل جمعیت انتخاب شده است می باشد و یا نمونه گیری جریان انتخاب، مشاهده ها و تعمیم نتایج مشاهده به کل جمعیت است. از آنجائیکه که در مسائل سر شماری، محقق باید به تمام اعضای جامعه آماری مراجعه کند از این رو وقت و زمان زیادی برای انجام کار ها نیاز دارد که در بسیاری موارد گذشت زمان برای محققین مشکل ساز می شود. اما نمونه گیری روی بخش محدودی از جامعه صورت میگیرد لذا سرعت انجام کار ها به شدت افزایش می یابد. به دلیل اینکه حوزه فعالیت های فعالین مدنی، صلح و حقوق زنان گسترده است، بنابر آن محقق نمونه خود را ۱۰۱ نفر متخصص این بخش ها در نظر گرفته است. بر این اساس نمونه گیری باید بر اساس اصول و قواعد معینی انجام گیرد و یا نمونه گیری انتخاب تعداد از افراد از کل جامعه تعریف می شود که بر اساس اصول و قواعد خاص و روشهای منظم صورت می گیرد (میرزایی، ۱۳۸۹، ص، ۶۶).

نمونه برداری

نمونه برداری به معنای برداشتن نسبی از جامعه به عنوان معرف یا نماینده آن جامعه است. نمونه باید اکثر ویژه گی های جامعه مورد هدف را داشته باشد تا بتوان نتایج حاصل آن را به کل جمعیت احصایوی تعمیم بخشید. نخست برای نمونه گیری از این بخش ها از روش نمونه گیری بر مبنای هدف سه نوع فعالین، مدنی، صلح و حقوق زنان در نظر گرفته شده است (محقق زمانی ازین روش استفاده می کند که جامعه آماری گسترده باشد و متخصصین این نوع فعالیت در دسترس باشد یعنی میتوان بر اساس تخصص و فعالیت در این بخش ها تعداد فعالین هر بخش آنرا در نظر بگیریم). یکی از نکاتی که در هر پیشنهاد و طرح پژوهشی مطرح میگردد، مشخص ساختن روش تحلیل داده هاست.

انتظار می‌رود پژوهشگر به روشنی بیان نماید که چه آزمون‌هایی و چه شیوه‌هایی برای تحلیل داده‌های خود استفاده خواهد نمود. تجزیه و تحلیل داده‌ها جریان چند مرحله‌ای است که از طریق به کارگیری ابزارهای جمع‌آوری در نمونه آماری فراهم آمده‌اند خلاصه، کد بندی و دسته بندی و در نهایت پردازش میشوند تا زمینه برقراری انواع تحلیل‌ها و ارتباط بین داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌ها فراهم آید. در این جریان داده‌ها هم از لحاظ مفهومی و هم از لحاظ تجربی پالایش میشوند و تکنیک‌های گوناگون آماری نقش بسزا در استنتاج و تعمیم‌ها به عهده دارند. در این تحقیق برای دریافت معلومات و صحت و سقم فرضیات برای تجزیه و تحلیل پرسشنامه از پروگرام Excel و نرم افزار SPSS استفاده به عمل آمده است.

دامنه تحقیق

هدف از دامنه تحقیق قلمرو موضوعی و قلمرو مکانی تحقیق است (مطالعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه در پیوند به قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد)، قلمرو زمانی این تحقیق تقریباً «مدت ۶ ماه از ماه اخیر خزان ۱۳۹۷ آغاز و تا زمستان ادامه یافت و قلمرو مکانی تحقیق نهادهای مشخص (مدنی، صلح و حقوق زنان) در شهر کابل است.

روش میدانی

به روشی اطلاق می‌شود که محقق برای گردآوری اطلاعات و معلومات ناگزیر است به محیط بیرون برود و با مراجعه به افراد یا محیط و نیز برقراری ارتباط مستقیم با افراد، اطلاعات و معلومات مورد نظر خود را جمع‌آوری کند. در روش میدانی برای گردآوری اطلاعات و معلومات پرسش‌نامه‌ها، کاربرد و مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۹۱). در این تحقیق نیز هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی مورد استفاده قرار گرفته است. در این تحقیق بر مبنای هدف پرسش‌نامه انتخاب گردیده و پرسش‌نامه با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای توزیع گردید، که برای نیل به منظور اصلی در تحقیق حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات و معلومات لازم از پرسش‌نامه‌ها استفاده به عمل آمد.

نحوه طراحی پرسش نامه به این صورت بود که محقق پس از مطالعه و بررسی های مقدماتی پرسش نامه های مرتبط را با همکاری استاد محترم رهنما تهیه نمود و پس از بررسی، اصلاح و بازنگری نهایی بین جامعه نمونه توزیع گردید.

در تحقیق حاضر به منظور به حد اکثر رسانیدن روایی (اعتبار) آزمون از نظرات استاد محترم رهنما و مشاور و هم چنین منابع مختلف دیگر در زمینه استفاده شده است. به منظور سنجش پایایی (اعتماد) پرسش نامه از روش الفای کرنباخ استفاده صورت گرفت. طوری که ابتدأ تعداد ۱۰ پرسشنامه به روش تصادفی بین ۱۰ نفر از زنان و مردان به طور آزمایشی اجرا گردیده و ضریب الفای کرنباخ محاسبه شده (۰.۹۵) به دست آمد.

سیف می نگارد: (۱۳۹۱، ص، ۵۶) روش تعیین پایایی (اعتماد). آزمون با تأکید بر هم سانی درونی روش ضریب الفای نام دارد که به آن ضریب الفای کرنباخ گفته می شود. کرنباخ (۱۹۵۱) واضع این روش تعیین پایایی است. در این روش، اجزای یا قسمت های آزمون برای سنجش ضریب اعتماد آزمون به کار می رود. روش الفای کرنباخ در شرایطی که نمرات سؤال نه به صورت دو ارزشی صفر و یک بلکه به صورت چند ارزشی تعیین می شود، قابل استفاده است.

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
95	35

	N	%
Cases Valid	7	70.0
Excludeda	3	30.0
Total	10	100.0

a. Listwise deletion based on all variables in the procedure.

شکل شماره (2) ضریب الفای کرنباخ

پرسش‌نامه تحقیق شامل ۳۵ سؤال بسته پاسخ برای سنجش میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان، که بر اساس مقیاس لیکرت با پنج گزینه از بسیار کم تا بسیار زیاد نمره بندی شده، مورد استفاده قرار گرفت. بدین ترتیب با پاسخ و نتایج جمع آوری شده هر یک از فرضیه‌های تحقیق مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ترکیب و نحوه ارزش گذاری و تقسیم گزینه‌ها هر یک از بیانیه‌ها به صورت زیر انجام شد.

بسیار زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	بسیار کم
5	4	3	2	1

با توجه به این گزینه‌ها و ارزش هر کدام، اوسط نمرات پرسش‌نامه مقیاس لیکرت عدد ۳ است پایین از ارزش ۳ تا ۱، به معنی کم در نظر گرفته می‌شود و بالاتر از ارزش ۳ تا پنج به معنی زیاد به حساب می‌آید.

پروسه جمع آوری آمار

جهت گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌یی و میدانی استفاده شده است. در مرحله کتابخانه‌یی، کتب، سروی‌ها، گزارش‌ها، مقالات پژوهشی، و سایر اسناد برای شناسایی ابعاد مختلف موضوع تحقیق مورد مطالعه قرار داده شده و برای دست‌یابی به آمار دقیق از دو روش پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده شده است.

پرسش نامه: برای جمع آوری اطلاعات میدانی از پرسش نامه‌های خاص به عنوان یکی از متداول ترین ابزار جمع آوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی مورد استفاده قرار میگیرد و عبارت است از مجموعه ای پرسش‌های هدف دار که با بهره گیری از مقیاس‌های گوناگون نظر، دیدگاه و بینش یک فرد پاسخگو را مورد سنجش قرار میدهد. از میان فعالین مدنی، صلح و حقوق زنان جهت دریافت اعتبار و اعتماد به این سؤالات در مرحله نخست بین ۱۰ نفر فعال مدنی پرسش نامه توزیع گردید و الفای کرنباخ عدد ۹۵ بدست آمد که نشان دهنده روایی و پایایی این سؤالات میباشد. سومین روش تعیین پایایی آزمون تاءکید برهمسانی درونی روش ضریب الفاء نام دارد که به آن ضریب الفاء یا الفای کرنباخ یا حتا الف گفته می شود که این روش تعیین پایایی است در این روش اجزا یا قسمت‌های از آزمون همان سؤالاتی از آزمون می باشد که سؤال ها بصورت درست و غلط در این بخش تصحیح و اصلاح می شود (سیف، ۱۳۹۱، ص، ۵۶۶).

ابزار گردآوری داده ها: در این تحقیق پرسش نامه در قالب ۳۵ سؤال با مقیاس رتبه ای تنظیم شده است که به شناسایی تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ در طرح و اجرای برنامه عمل می پردازد. جمعیت مورد هدف در این تحقیق بالغ بر صد ها نفر بوده که تنها از این میان ۱۱۰ تن بر مبنای هدف و با در نظر داشت مطرح بودن و دخیل بودن آنها در موضوع مورد بحث، انتخاب شده اند و پرسشنامه‌های معیاری و محقق ساخته نظر به اهداف تحقیق در نهادهای مدنی، صلح و حقوق زنان برای آنها توزیع گردید. با استفاده از نمونه با سطح اطمینان ۹۵ و خطای نمونه گیری ۵ درصد از میان جمعیت آماری به دست آمد و سپس در نهادهای مورد نظر با بدست آمدن پرسشنامه‌های تکمیل شده از ۱۰۱ نفر که ۵۸ تن که ۴۰۵۷ درصد را تشکیل می‌دهد زن و به تعداد ۳۶ تن که ۶۰۳۵ درصد را احتوا می‌نماید مرد بودند که به تعداد ۷ تن (۹۰۶ درصد) پاسخ ارائه نکرده اند که پرسشنامه ها برایشان توزیع گردیده است. تکمیل نمودن هر پرسش نامه حدود ۳۰ دقیقه را در بر گرفته است (نمونه پرسش نامه‌های مذکور در اخیر تحقیق ضمیمه گردیده است).

در مورد پیشرفت زنان	از سؤال ۱ الی ۵
در مورد مشارکت اجتماعی	از سؤال ۶ الی ۱۰
در مورد صلح	سؤال ۱۱ الی ۱۵
در مورد مشارکت سیاسی و مدنی	از سؤال ۱۶ الی ۲۵
در مورد امنیت و جامعه جهانی	از سؤال ۲۶ الی ۳۵

مصاحبه

به منظور اجرای مصاحبه از نوع مصاحبه ساختار یافته یا منظم کار گرفته شده است و نظر به اهداف مشخص تحقیق سؤالات آن طرح گردیده است و قبل از شروع مصاحبه اهداف اصلی تحقیق به اطلاع مصاحبه شونده‌گان رسانیده شده است. مجموعاً از (دوازده) نفر، مصاحبه در نهادهای مختلف مدنی، صلح و حقوق زنان بشکل انفرادی صورت گرفته است. البته در صورت عدم امکان ملاقات با روسای نهاد ها با معاونین آنها مصاحبه انجام شده است. سؤالات مصاحبه را در ضمیمه مشاهده کرده می‌توانید.

محدودیت‌های تحقیق

بطور کلی موانعی که برای تطبیق برنامه ها و قطعنامه ها وجود دارند را می توان به ۴ دسته اند، وقایع محیطی غیر قابل کنترل، مقاومت‌های داخل نهاد ها، هزینه، پیچیدگی و عدم آگاهی مردم تقسیم کرد.

مهمترین محدودیت ها در این تحقیق:

- کمبود منابع علمی قابل دسترس و استفاده مرتبط با موضوع تحقیق؛
- کمبود تحقیقات انجام شده در کشور در زمینه مورد نظر؛
- فرهنگ حاکم جامعه به گونه ای که افراد علاقه کمتری به تکمیل نمودن پرسش نامه ها نشان می دهند؛

- عدم پاسخ دهی به موقع برخی از پرسشنامه ها توسط افراد ای که ذریعه ایمیل به آنها پرسشنامه ارسال گردیده بود؛
 - احتمال تلاش برای کتمان واقعیت ها توسط برخی مصاحبه شونده ها هنگام تکمیل نمودن پرسش نامه ها؛
 - عدم آگاهی لازم برخی از مصاحبه شونده ها از برنامه های جدید و گذشته؛
 - در دسترس قرار ندادن اطلاعات دقیق مانند استراتژی ها، پالیسی ها توسط ادارات دولتی به شمول ارقام و آمار.
- بطور کلی تطبیق برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵ نیازمند فعالیت افراد ماهر با قدرت تجزیه و تحلیل و خلاقیت فراوان است. از آنجایی که در بسیاری از موارد از افراد متخصص در این زمینه استفاده نمی شود تا بر پیچیدگی ها و سختی های آن فایق آیند لذا دست یابی به اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل به خودی خود یک مانع محسوب می شود.

مطالعات اکتشافی تحقیق

مطالعه اکتشافی، مطالعه مقدماتی است، که بنا بر نوع تحقیق عمدتاً از طریق مطالعات کتابخانه ای، مشاهده، یا مصاحبه شکل می گیرد. به منظور غنی سازی مطالعات خویش از کتاب ها و مقاله های مربوط به موضوع استفاده نمودم و همچنان با فعالین مدنی، صلح و حقوق زنان به مصاحبه پرداختم. تلاش عمده من در این تحقیق این بود تا مهمترین منابع در این مورد شناسایی گردد و مهمترین ها جهت مطالعات تیوریک مورد استفاده قرار گیرد. در حقیقت انجام مصاحبه های اکتشافی محقق را با ابعاد موضوع، اهمیت فرضیه ها، منابع و روش انجام تحقیق بیشتر آشنا ساخته و آمادگی لازم برای انجام مطالعات تیوریک را فراهم میسازد. مطالعات تیوریک تحقیق: پس از مطالعات اکتشافی، منابع و تیوری های گزینش شده به دقت مورد مطالعه قرار گرفتند، این مطالعات به منظور دستیابی به چهار چوب نظری قابل قبول صورت گرفت. در این مرحله از انجام تحقیق مهم ترین مفاهیم و دیدگاه مورد تجزیه و تحلیل مقایسوی قرار گرفتند و نهایتاً یک چهار چوب نظری برای این تحقیق شکل گرفت. از پایان همین مرحله، تحقیق مناسب بر اساس فرضیه های تحقیقاتی ترسیم شد و ابزار مناسب جمع آوری اطلاعات نیز ساخته شد.

نمونه گیری

در این تحقیق پس از تکمیل کارهای تخنیکی تحقیق و تکمیل پرسش نامه ها معلومات و ارقام مربوط به فعالین مدنی، صلح و حقوق زنان در دسترس قرار گرفت. از مجموع پاسخ دهنده گان مرد و زن شامل تحقیق که ۱۱۰ تن بودند، به تعداد ۳۰ تن (۷.۲۹ درصد) فعال در عرصه صلح، به تعداد ۳۸ تن (۶.۳۷ درصد) فعال در عرصه مدنی، به تعداد ۲۳ تن (۸.۲۲ درصد) فعال در عرصه حقوق زنان بوده و به تعداد ۹ تن (۹.۹ درصد) جواب ارائه نه کرده اند. با ۱۲ تن از فعالین این حوزه های یاد شده از نهادهای مختلف مصاحبه نیز صورت گرفته است.

محل تحقیق

برای انجام تحقیق حاضر « مطالعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه دریوند به قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد » چنین در نظر گرفته شد تا افراد کلیدی و با تجربه در نهادی مدنی، صلح و حقوق زنان در شهر کابل منجیث کانون داغ فعالیت های اجتماعی، مدنی و سیاسی برای پاسخ به پرسشنامه و انجام مصاحبه انتخاب گردید تا نتیجه بهتر از تحقیق به دست آید.

چهارم. تجزیه و تحلیل اطلاعات

مقدمه

در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات و معلومات هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی مورد استفاده قرار گرفته است. یک تحقیق بر مبنای هدف است که به تعداد ۱۱۰ پرسش‌نامه برای فعالین مدنی، فعالین صلح و فعالین حقوق زن، با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای توزیع گردید، همچنان در کنار پرسش‌نامه‌ها ۱۲ مصاحبه از متخصصین این حوزه صورت گرفته است. به منظور به حد اکثر رسانیدن روایی (اعتبار) آزمون از نظرات استاد محترم رهنما و مشاور و هم‌چنین منابع مختلف دیگر در زمینه استفاده شده است. به منظور سنجش پایایی (اعتماد) پرسش‌نامه از روش الفای کرباخ استفاده صورت گرفت. طوری که ابتدا تعداد ۱۰ پرسش‌نامه به روش تصادفی بین ۱۰ نفر از زنان و مردان به طور آزمایشی اجرا گردیده و ضریب الفای کرباخ محاسبه شده (۰.۹۵) به دست آمد، اطلاعات حاصل شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با استفاده از روش آمار میانگین و مود به استنباط آماری پرداخته شده است. بر اساس نتایج کمی و با تکیه بر استدلال و منطق نتایج کیفی استخراج گردیده است، در این تحقیق تجزیه و تحلیلی در دو بخش مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

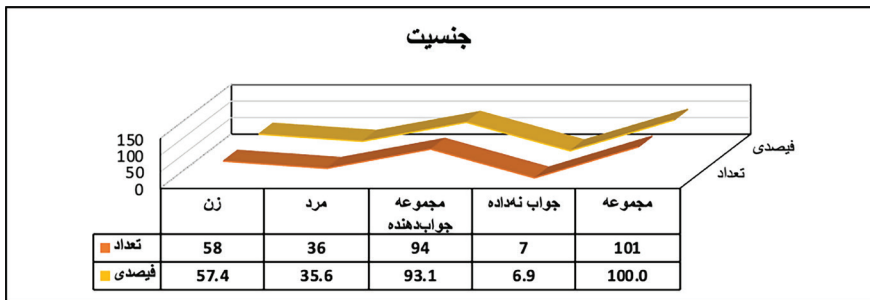
الف: تجزیه و تحلیل کمی

در این بخش پرسش‌نامه‌ها با دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و پاسخ‌های اشتراک‌کننده‌ها توسط پروگرام spss تحلیل گردیده است. مجموعاً تعداد سوالات ۳۵ سوال است که از مجموعه یک سوال اصلی و ۵ سوال فرعی مشتق شده است و در برگیرنده مطالعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه دریوند به قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد است که این سوالات قرار جدول ذیل به بخش‌های مختلف تقسیم شده است.

هر سوال دارای ۵ گزینه بوده به اساس مقیاس لیکرت تعیین گردیده است که یکی از رایج ترین مقیاس های اندازه گیری در تحقیقات است. گزینه ها از بلند ترین به پایین ترین ترتیب شده است که گزینه بسیار کم ۱، گزینه کم ۲، گزینه تا حدودی ۳، گزینه زیاد ۴ و گزینه بسیار زیاد ۵ است. انتخاب گزینه ۳ نمایان گر اوسط نمرات یا میانگین است. ارزش وسطی طیف عدد ۳ است، پایینتر از ارزش ۳ تا ۱ به معنای «کم» در نظر گرفته می شود، و بالاتر از ارزش ۳ تا ۵ به معنای زیاد حساب می آید. اگر اوسط دیدگاه پاسخ دهندگان این تحقیق پایین تر از ۳ باشد، پاسخ دهندگان بر این باور اند که تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد و برنامه عمل در ۳ سال اخیر برای مشارکت سیاسی - اجتماعی و مدنی زنان مؤثر بوده است. اگر اوسط داده های به دست آمده بالاتر از عدد ۳ باشد به این معناست که تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد و برنامه عمل در ۳ سال اخیر برای مشارکت سیاسی - اجتماعی و مدنی زنان میتواند در حد «زیاد» مؤثر بوده باشد.

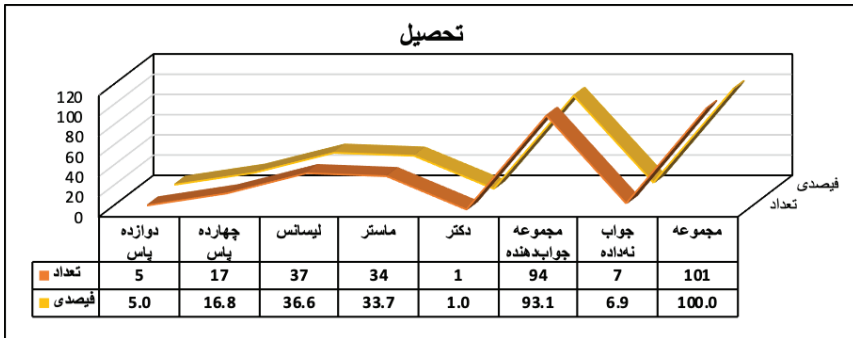
توصیف ویژه گی های جمعیت نمونه

تحقیق حاضر به منظور مطالعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه در پیوند به قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد انجام شد.



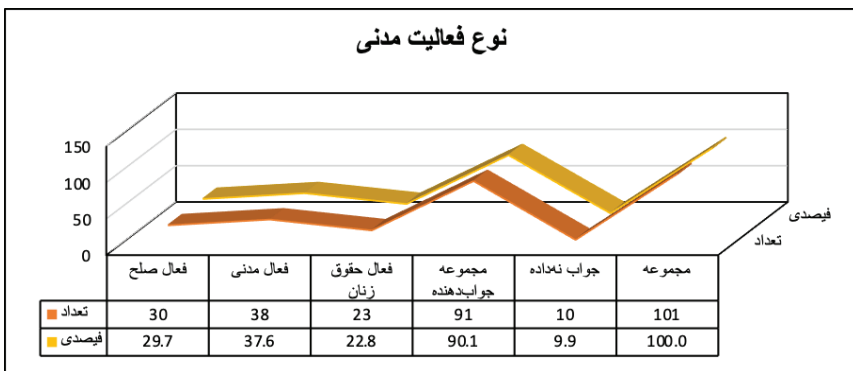
شکل شماره (۱): جنسیت پاسخ دهندگان

از مجموعه پاسخ‌دهنده‌گان شامل تحقیق که ۱۰۱ تن را احتوا می‌نمود، به تعداد ۵۸ تن که ۵۷/۴ درصد را تشکیل می‌دهد زن و به تعداد ۳۶ تن که ۳۵/۶ درصد را احتوا می‌نماید مرد بود که به تعداد ۷ تن (۶/۹ درصد) پاسخ ارائه نه کرده اند.



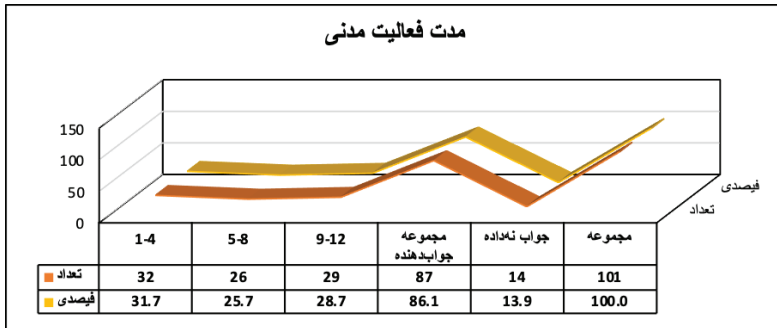
شکل شماره (۲): درجه تحصیل پاسخ‌دهندگان

از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان مرد و زن شامل تحقیق که ۱۰۱ تن بودند، به تعداد ۵ تن (۵ درصد) دوازده‌پاس، به تعداد ۱۷ تن (۱۶/۸ درصد) چهارده‌پاس، به تعداد ۳۷ تن (۳۶/۶ درصد) لیسانس، به تعداد ۳۴ تن (۳۳/۷ درصد) ماستر و به تعداد ۱ تن (۱ درصد) دکتر بوده و به تعداد ۷ تن (۶/۹ درصد) جواب ارائه نه کرده اند.



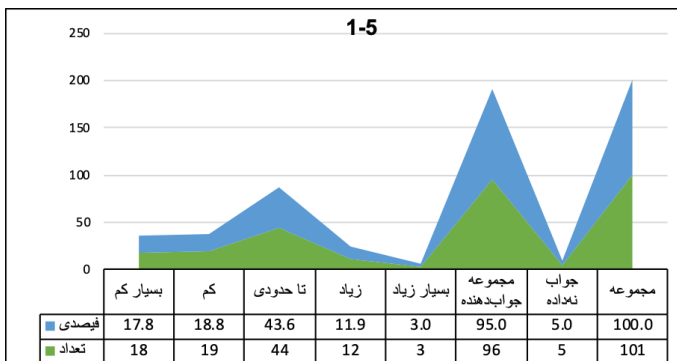
شکل شماره (۳): نوع فعالیت مدنی

از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان مرد و زن شامل تحقیق که ۱۰۱ تن بودند، به تعداد ۳۰ تن (۲۹/۷ درصد) فعال در عرصه صلح، به تعداد ۳۸ تن (۳۷/۶ درصد) فعال در عرصه مدنی، به تعداد ۲۳ تن (۲۲/۸ درصد) فعال در عرصه حقوق زنان بوده و به تعداد ۱۰ تن (۹/۹ درصد) جواب ارائه نه‌کرده‌اند.



شکل شماره (۴): مدت فعالیت مدنی

از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان مرد و زن شامل تحقیق که ۱۰۱ تن بودند، به تعداد ۳۲ تن (۳۱/۷ درصد) تجربه فعالیت بین ۱ الی ۴ سال، به تعداد ۲۶ تن (۲۵/۷ درصد) تجربه فعالیت بین ۵ الی ۸ سال، به تعداد ۲۹ تن (۲۸/۷ درصد) تجربه فعالیت بین ۹ الی ۱۲ سال داشته‌اند و به تعداد ۱۴ تن (۱۳/۹ درصد) جواب ارائه نه‌کرده‌اند.

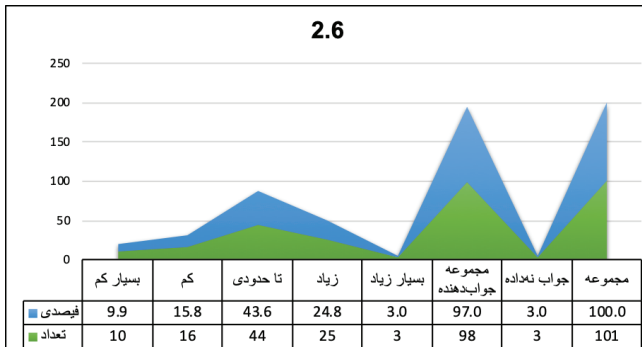


شکل شماره (۵) پیرامون سوال ۱

(دولت افغانستان برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد جهت ارتقای سطح مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در ۳ سال اخیر اقدامات لازم را انجام داده است.)

ارقام و آمار	N	۹۶	جواب دهنده
		۵	جواب نه داده
		۲.۶۱	میانگین
		۲۵۱	مجموعه نمرات

شکل فوق که پیرامون سوال اول تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۱۸ تن که معادل ۱۷/۸ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۹ تن که معادل ۱۸/۸ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۴۴ تن که معادل ۴۳/۶ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۱۲ تن که معادل ۱۱/۹ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۳ تن که معادل ۰.۳ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۵ تن که معادل ۵/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۲۵۱ و میانگین (اوسط) آن نمرات را ۲/۶۱ نشان داده است.

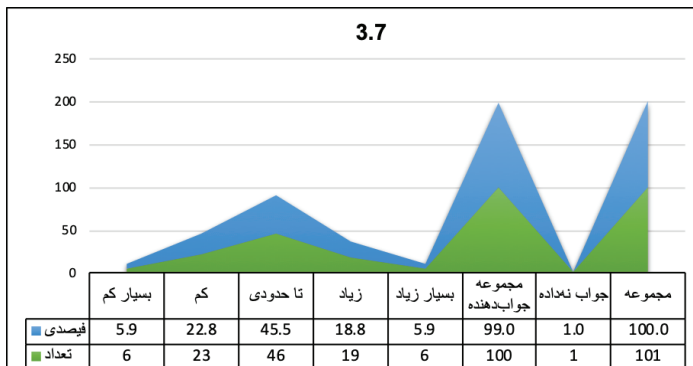


شکل شماره (۶) پیرامون سوال ۲

(قطعنامه ۱۳۲۵ بر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان افغان
تاثیرگذاری داشته است).

ارقام و آمار	N	۹۸	جواب دهنده
		۳	جواب نه داده
		۲.۹۵	میانگین
		۲۸۹	مجموعه نمرات

شکل فوق که پیرامون سوال دوم تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۱۰ تن که معادل ۹/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۶ تن که معادل ۱۵/۸ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۴۴ تن که معادل ۴۳/۶ درصد می شود، گزینه ی تا حدودی، به تعداد ۲۵ تن که معادل ۲۴/۸ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۳ تن که معادل ۳/۰ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۳ تن که معادل ۳/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۲۸۹ و میانگین (اوسط) نمرات را ۲/۹۵ نشان داده است.



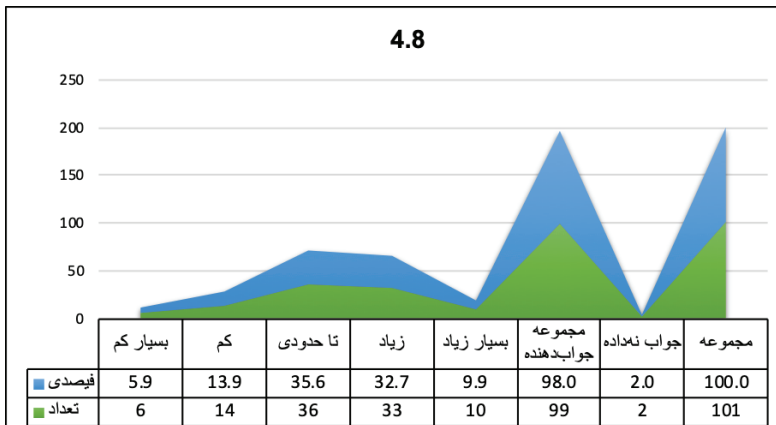
شکل شماره (۷) پیرامون سوال ۳

(برنامه عمل دولت ج.ا.ا برای تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ اجرایی شده است).

N	۱۰۰	جواب دهنده
	۱	جواب نه داده
	۲۹۶	میانگین
	۲۹۶	مجموعه نمرات

ارقام و آمار

شکل فوق که پیرامون سوال سوم تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۲۳ تن که معادل ۲۲/۸ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۴۶ تن که معادل ۴۵/۵ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۱۹ تن که معادل ۱۸/۸ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۱ تن که معادل ۱/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۲۹۶ و میانگین (اوسط) نمرات را ۲/۹۶ نشان داده است.

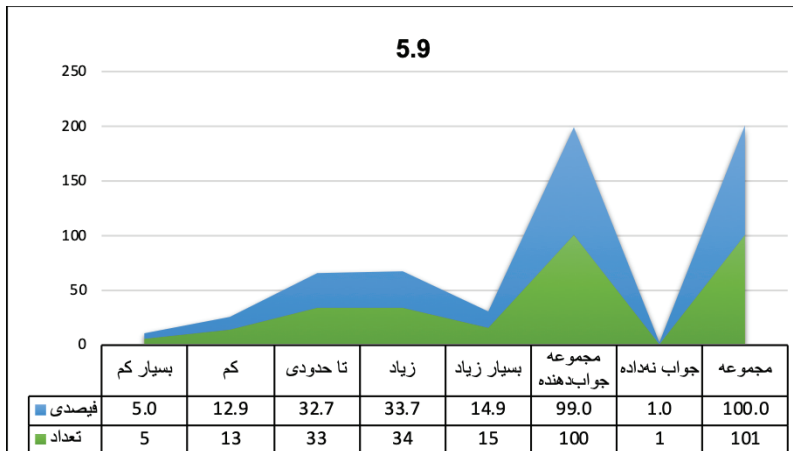


شکل شماره (۸) پیرامون سوال ۴

(دولت ج.ا.ا در سه سال اخیر از مشارکت سیاسی زنان حمایت کرده است).

ارقام و آمار	N	۹۹	جواب دهنده
		۲	جواب نه داده
		۳.۲۷	میانگین
		۳۲۴	مجموعه نمرات

شکل فوق که پیرامون سوال چهارم تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۴ تن که معادل ۱۳/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۳۶ تن که معادل ۳۵/۶ درصد می شود، گزینه ی تا حدودی، به تعداد ۳۳ تن که معادل ۳۲/۷ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۱۰ تن که معادل ۹/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۲ تن که معادل ۲/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۲۴ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۲۷ نشان داده است.

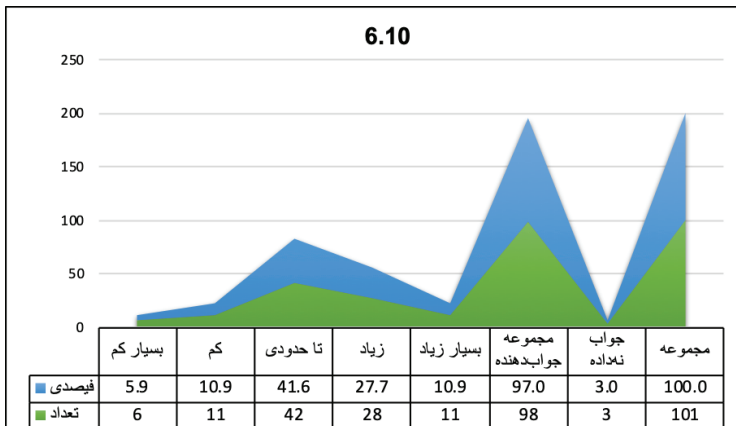


شکل شماره (۹) پیرامون سوال ۵

(دست‌آوردهای زنان در عرصه مشارکت اجتماعی‌شان در سه سال اخیر چگونه بوده است).

ارقام و آمار	N	۱۰۰	جواب دهنده
		۱	جواب نه‌داده
		۳.۴۱	میانگین
		۳۴۱	مجموعه نمرات

شکل فوق که پیرامون سوال پنجم تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ‌دهنده‌گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می‌نماید، به تعداد ۵ تن که معادل ۵٪ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار کم، به تعداد ۱۳ تن که معادل ۱۲٪ درصد می‌شود، گزینه‌ی کم، به تعداد ۳۲٪ تن که معادل ۳۳٪ درصد می‌شود، گزینه‌ی تاحدودی، به تعداد ۳۴٪ تن که معادل ۳۳٪ درصد می‌شود، گزینه‌ی زیاد و به تعداد ۱۵ تن که معادل ۱۴٪ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۱ تن که معادل ۱٪ درصد می‌شود پاسخ ارائه نه‌کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۴۱ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۴۱ نشان داده است.

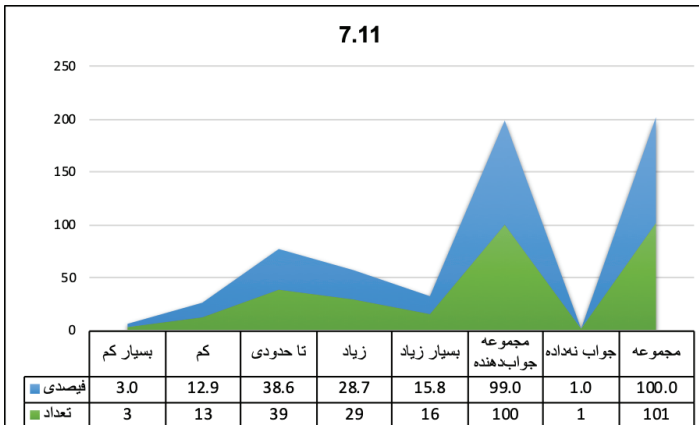


شکل شماره (۱۰) پیرامون سوال ۶

(زنان در سه سال اخیر در سطوح تصمیم گیری نقش داشته اند).

N	۹۸	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۳	جواب نه داده	
	۳.۲۸	میانگین	
	۳۲۱	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ششم تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۱ تن که معادل ۱۰/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۴۲ تن که معادل ۴۱/۶ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۲۸ تن که معادل ۲۷/۷ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۱۱ تن که معادل ۱۰/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۳ تن که معادل ۳/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۲۱ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۲۸ نشان داده است.



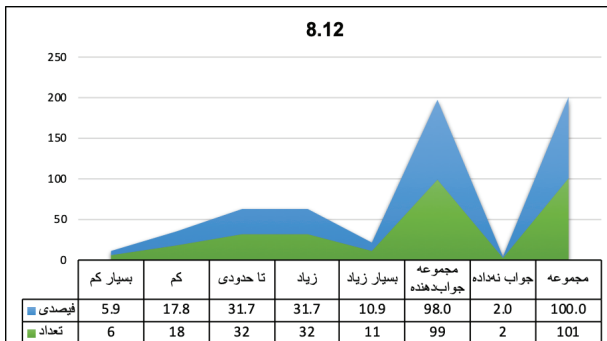
شکل شماره (۱۱) پیرامون سوال ۷

(مشارکت فعال زنان در عرصه خدمات ملکی در سه سال اخیر فراهم بوده است).

N	۱۰۰	جواب دهنده
	۱	جواب نه داده
	۳.۴۲	میانگین
	۳۴۲	مجموعه نمرات

ارقام و آمار

شکل فوق که پیرامون سوال هفتم تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۳ تن که معادل ۳٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۳ تن که معادل ۱۲٪ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۳۹ تن که معادل ۳۸٪ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۲۹ تن که معادل ۲۸٪ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۱۶ تن که معادل ۱۵٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۱ تن که معادل ۱٪ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۴۲ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۴۲ نشان داده است.

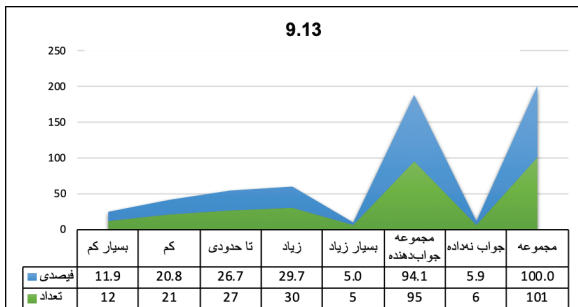


شکل شماره (۱۲) پیرامون سوال ۸

(زمینه مشارکت فعال زنان در ارگان‌های امنیتی در سه سال اخیر فراهم بوده است).

N	۹۹	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۲	جواب نه داده	
	۳T.۲۴	میانگین	
	۳۲۱	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال هشتم تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ‌دهندگان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می‌نماید، به تعداد ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار کم، به تعداد ۱۸ تن که معادل ۱۷/۸ درصد می‌شود، گزینه‌ی کم، به تعداد ۳۲ تن که معادل ۳۱/۷ درصد می‌شود، گزینه‌ی تاحدودی، به تعداد ۳۲ تن که معادل ۳۱/۷ درصد می‌شود، گزینه‌ی زیاد و به تعداد ۱۱ تن که معادل ۱۰/۹ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۲ تن که معادل ۲/۰ درصد می‌شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۲۱ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۲۴ نشان داده است.

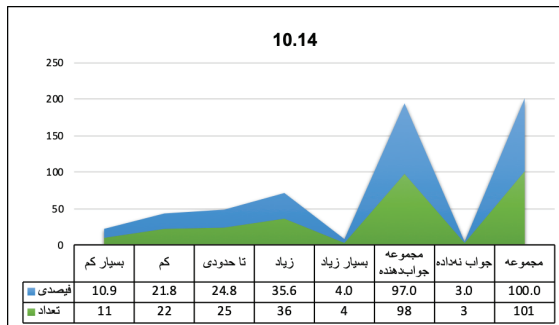


شکل شماره (۱۳) پیرامون سوال ۹

(زمینه مشارکت فعال زنان در پروسه صلح در سه سال اخیر مهیا شده است).

N	۹۵	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۶	جواب نه داده	
	۲.۹۵	میانگین	
	۲۸۰	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال نهم تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۱۲ تن که معادل ۱۱/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۲۱ تن که معادل ۲۰/۸ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۷ تن که معادل ۲۶/۷ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۳۰ تن که معادل ۲۹/۷ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۵ تن که معادل ۵/۰ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۲۸۰ و میانگین (اوسط) نمرات را ۲/۹۵ نشان داده است.



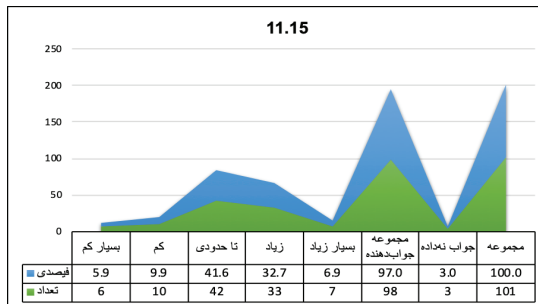
شکل شماره (۱۴) پیرامون سوال ۱۰

(زنان در پروسه ادغام مجدد سهم داشته اند).

N	۹۸	جواب دهنده
	۳	جواب نهداده
	۳۰۰	میانگین
	۲۹۴	مجموعه نمرات

ارقام و آمار

شکل فوق که پیرامون سوال دهم تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۱۱ تن که معادل ۱۰/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۲۲ تن که معادل ۲۱/۸ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۵ تن که معادل ۲۴/۸ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۳۶ تن که معادل ۳۵/۶ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۴ تن که معادل ۴/۰ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۳ تن که معادل ۳/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۲۹۴ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۰۰ نشان داده است.



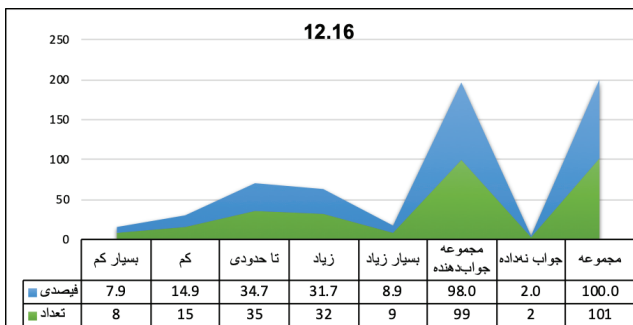
شکل شماره (۱۵) پیرامون سوال ۱۱

(در راستای تحقق برنامه عمل نهادهای مدنی منحيث همکار دولت نقش ایفا کرده اند).

N	۹۸	جواب دهنده
	۳	جواب نه داده
	۳.۲۶	میانگین
	۳۱۹	مجموعه نمرات

ارقام و آمار

شکل فوق که پیرامون سوال ۱۱ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۰ تن که معادل ۹/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۴۲ تن که معادل ۴۱/۶ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۳۳ تن که معادل ۴۱/۶ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۷ تن که معادل ۶/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۳ تن که معادل ۳/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۱۹ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۲۶ نشان داده است.

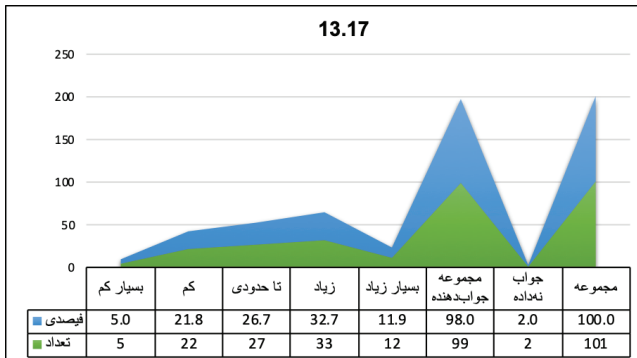


شکل شماره (۱۶) پیرامون سوال ۱۲

(روحیه همکاری جمعی در دولت برای تطبیق برنامه عمل جهت رسیدن به اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ وجود داشته است).

N	۹۹	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۲	جواب نه داده	
	۳.۱۹	میانگین	
	۳۱۶	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۱۲ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۸ تن که معادل ۷/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۵ تن که معادل ۱۴/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۳۵ تن که معادل ۳۴/۷ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۳۲ تن که معادل ۳۱/۷ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۹ تن که معادل ۸/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۲ تن که معادل ۲/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. مجموعه ی آن ۳۱۶ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۱۹ نشان داده است.



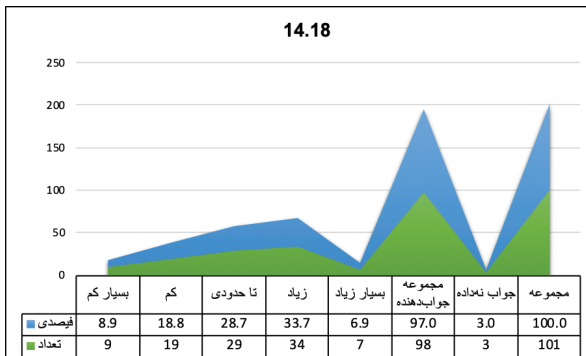
شکل شماره (۱۷) پیرامون سوال ۱۳

(تشریک مساعی بین دولت و فعالان مدنی برای تحقق برنامه عمل وجود داشته است.)

N	۹۹	جواب دهنده
	۲	جواب نه داده
	۳۰۲۵	میانگین
	۳۲۲	مجموعه نمرات

ارقام و آمار

شکل فوق که پیرامون سوال ۱۳ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۵ تن که معادل ۵٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۲۲ تن که معادل ۲۱٪ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۷ تن که معادل ۲۶٪ درصد می شود، گزینه ی تا حدودی، به تعداد ۳۳ تن که معادل ۳۲٪ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۱۲ تن که معادل ۱۱٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۲ تن که معادل ۲٪ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۲۲ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۲۵ نشان داده است.

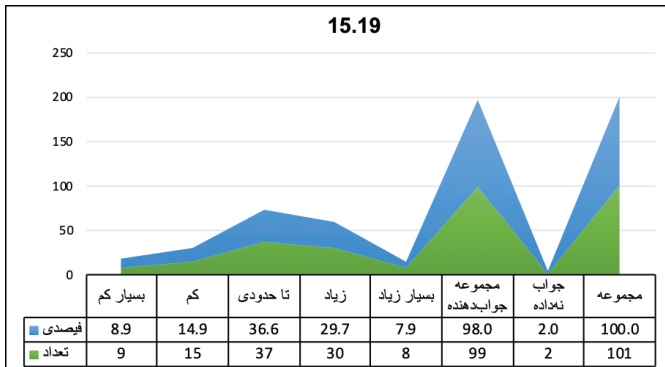


شکل شماره (۱۸) پیرامون سوال ۱۴

(تشریک مساعی بین دولت و فعالان صلح برای تحقق برنامه عمل وجود داشته است).

N	۹۸	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۳	جواب نه داده	
	۳.۱۱	میانگین	
	۳۰۵	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۱۴ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۹ تن که معادل ۸/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۹ تن که معادل ۱۸/۸ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۹ تن که معادل ۲۸/۷ درصد می شود، گزینه ی تا حدودی، به تعداد ۳۴ تن که معادل ۳۳/۷ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۷ تن که معادل ۶/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۳ تن که معادل ۳/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۰۵ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۱۱ نشان داده است.

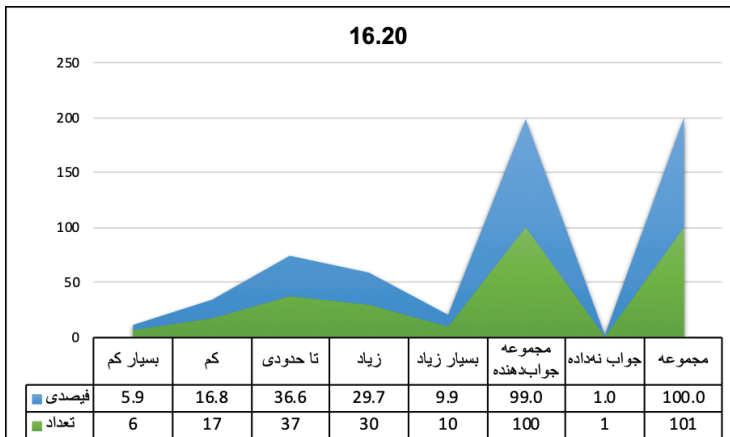


شکل شماره (۱۹) پیرامون سوال ۱۵

(تشریک مساعی بین دولت و مدافعان حقوق زن برای تحقق برنامه عمل وجود داشته است).

ارقام و آمار	جواب دهنده	۹۹	N
	جواب نه داده	۲	
	میانگین	۳.۱۳	
	مجموعه نمرات	۳۱۰	

شکل فوق که پیرامون سوال ۱۵ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۹ تن که معادل ۸/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۵ تن که معادل ۱۴/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۳۷ تن که معادل ۳۶/۶ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۳۰ تن که معادل ۲۹/۷ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۸ تن که معادل ۷/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۲ تن که معادل ۲/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۱۰ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۱۳ نشان داده است.

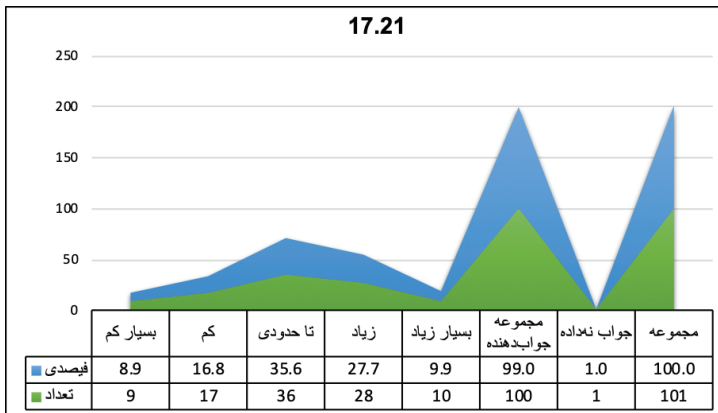


شکل شماره (۲۰) پیرامون سوال ۱۶

(تصویب و تطبیق قوانین ملی، تحقق برنامه عمل را تسهیل نموده است).

N	۱۰۰	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۱	جواب نه داده	
	۳.۲۱	میانگین	
	۳۲۱	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۱۶ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۷ تن که معادل ۱۶/۸ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۳۷ تن که معادل ۳۶/۶ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۳۰ تن که معادل ۲۹/۷ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۱۰ تن که معادل ۹/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۱ تن که معادل ۱/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۲۱ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۲۱ نشان داده است.

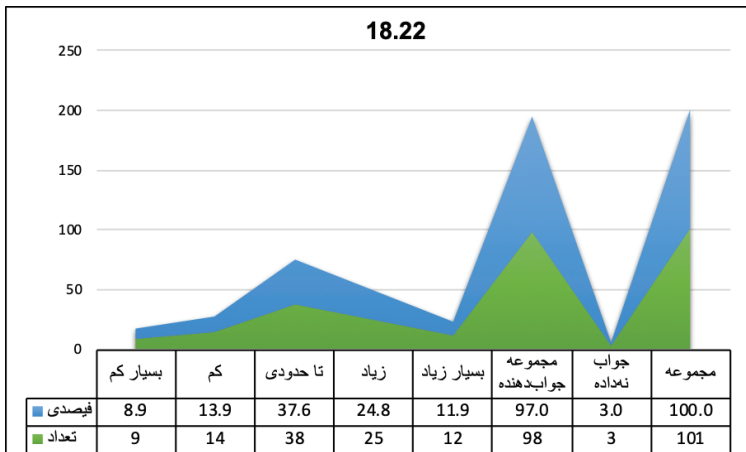


شکل شماره (۲۱) پیرامون سوال ۱۷

(تصویب و تطبیق پالیسی‌های ملی تحقق برنامه عمل را تسهیل نموده است).

ارقام و آمار	جواب دهنده	۱۰۰	N
	جواب نه داده	۱	
	میانگین	۳.۱۳	
	مجموعه نمرات	۳۱۳	

شکل فوق که پیرامون سوال ۱۷ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ‌دهندگان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می‌نماید، به تعداد ۹ تن که معادل ۸/۹ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار کم، به تعداد ۱۷ تن که معادل ۱۶/۸ درصد می‌شود، گزینه‌ی کم، به تعداد ۳۶ تن که معادل ۳۵/۶ درصد می‌شود، گزینه‌ی تاحدودی، به تعداد ۲۸ تن که معادل ۲۷/۷ درصد می‌شود، گزینه‌ی زیاد و به تعداد ۱۰ تن که معادل ۹/۹ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۱ تن که معادل ۱/۰ درصد می‌شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۱۳ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۱۳ نشان داده است.

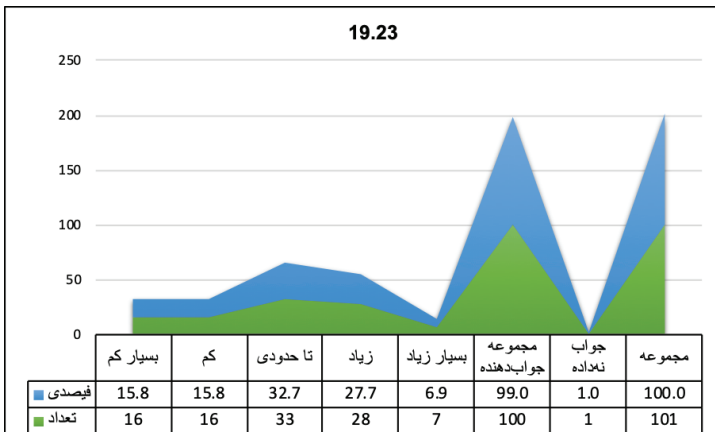


شکل شماره (۲۲) پیرامون سوال ۱۸

(نهادهای ناظر بر تطبیق برنامه عمل نقش نظارتی خود را ایفا نموده اند).

ارقام و آمار	N	۹۸	جواب دهنده
		۳	جواب نه داده
		۳.۱۷	میانگین
		۳۱۳	مجموعه نمرات

شکل فوق که پیرامون سوال ۱۸ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۹ تن که معادل ۸/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۴ تن که معادل ۱۳/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۳۸ تن که معادل ۳۷/۶ درصد می شود، گزینه ی تا حدودی، به تعداد ۲۵ تن که معادل ۲۴/۸ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۱۲ تن که معادل ۱۱/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۳ تن که معادل ۳/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۱۱ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۱۷ نشان داده است.

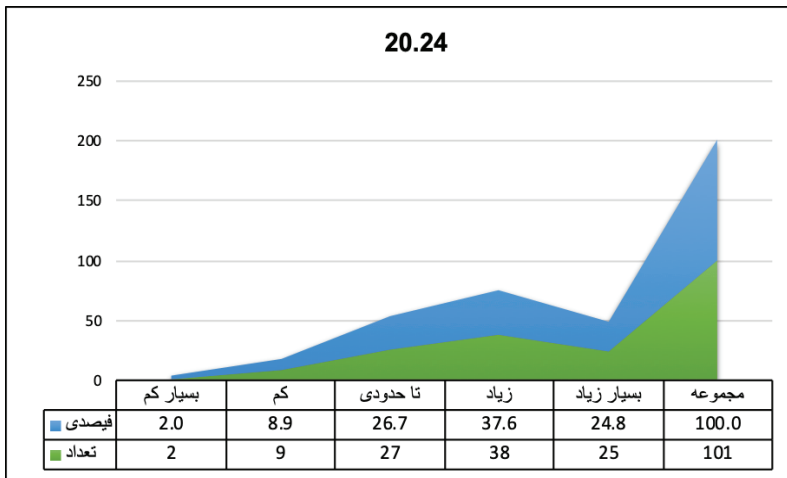


شکل شماره (۲۳) پیرامون سوال ۱۹

(مطابق برنامه عمل د. ج. ا. برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵، زنان در تدوین و ساخت استراتژی‌های صلح و امنیت نقش داشته اند).

N	۱۰۰	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۱	جواب نه داده	
	۲.۹۴	میانگین	
	۲۹۴	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۱۹ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ‌دهنده‌گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می‌نماید، به تعداد ۱۶ تن که معادل ۱۵/۸ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار کم، به تعداد ۱۶ تن که معادل ۱۵/۸ درصد می‌شود، گزینه‌ی کم، به تعداد ۳۳ تن که معادل ۳۲/۷ درصد می‌شود، گزینه‌ی تا حدودی، به تعداد ۲۸ تن که معادل ۲۷/۷ درصد می‌شود، گزینه‌ی زیاد و به تعداد ۷ تن که معادل ۶/۹ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۱ تن که معادل ۱/۰ درصد می‌شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۱۱ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۱۷ نشان داده است.



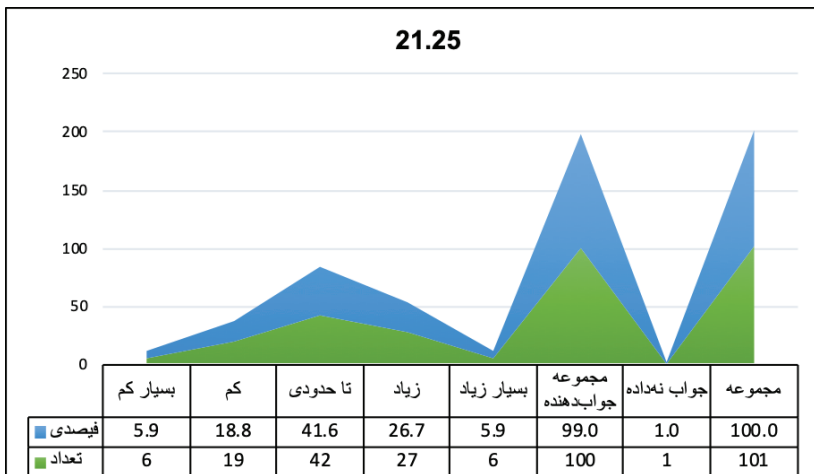
شکل شماره (۲۴) پیرامون سوال ۲۰

زنان در انتخابات مشارکت داشته اند.

N	۱۰۱	جواب دهنده
	۰	جواب نه داده
	۳.۷۴	میانگین
	۳۷۸	مجموعه نمرات

ارقام و آمار

شکل فوق که پیرامون سوال ۲۰ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۲ تن که معادل ۲/۰ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۹ تن که معادل ۸/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۷ تن که معادل ۲۶/۷ درصد می شود، گزینه ی تا حدودی، به تعداد ۳۸ تن که معادل ۳۷/۶ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۲۵ تن که معادل ۲۴/۸ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده اند. نمره مجموعی آن ۳۷۸ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۷۴ نشان داده است.

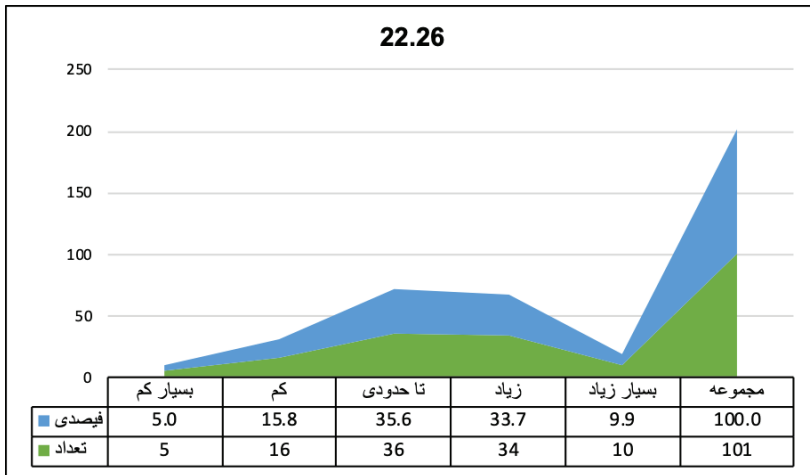


شکل شماره (۲۵) پیرامون سوال ۲۱

(برای تحقق اهداف برنامه عمل د. ج. ا. بودجه‌ی مورد نظر مکفی بوده است).

ارقام و آمار	N	۱۰۰	جواب دهنده
		۱	جواب نه داده
		۳۰۸	میانگین
		۳۰۸	مجموعه نمرات

شکل فوق که پیرامون سوال ۲۱ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ‌دهندگان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می‌نماید، به تعداد ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار کم، به تعداد ۱۹ تن که معادل ۱۸/۸ درصد می‌شود، گزینه‌ی کم، به تعداد ۴۲ تن که معادل ۴۱/۶ درصد می‌شود، گزینه‌ی تاحدودی، به تعداد ۲۷ تن که معادل ۲۶/۷ درصد می‌شود، گزینه‌ی زیاد و به تعداد ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۱ تن که معادل ۱/۰ درصد می‌شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۰۸ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۰۸ نشان داده است.

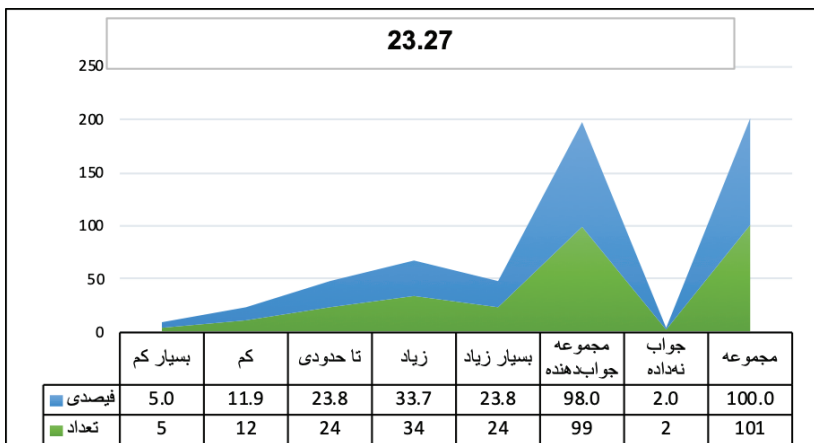


شکل شماره (۲۶) پیرامون سوال ۲۲

(تطبيق برنامه عمل در حیات اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه افغانستان تأثیر داشته است).

ارقام و آمار	N	۱۰۱	جواب دهنده
		۰	جواب نه داده
		۳.۲۸	میانگین
		۳۳۱	مجموعه نمرات

شکل فوق که پیرامون سوال ۲۲ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۵ تن که معادل ۵/۰ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۶ تن که معادل ۱۵/۸ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۳۶ تن که معادل ۳۵/۶ درصد می شود، گزینه ی تا حدودی، به تعداد ۳۴ تن که معادل ۳۳/۷ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۱۰ تن که معادل ۹/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده اند. نمره مجموعی آن ۳۳۱ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۲۸ نشان داده است.

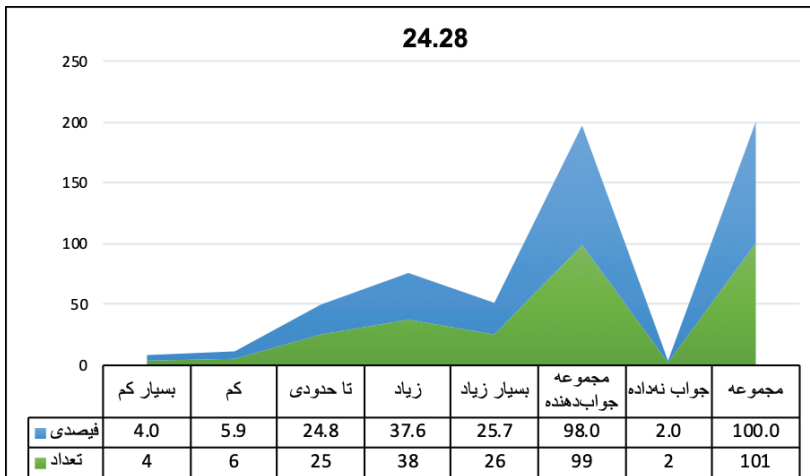


شکل شماره (۲۷) پیرامون سوال ۲۳

(فرهنگ حاکم مرد سالاری بر چگونگی میزان مشارکت زنان تاثیر داشته است).

ارقام و آمار	جواب دهنده	۹۹	N
	جواب نه داده	۲	
	میانگین	۳.۶۱	
	مجموعه نمرات	۳۵۷	

شکل فوق که پیرامون سوال ۲۳ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۵ تن که معادل ۵/۰ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۲ تن که معادل ۱۱/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۴ تن که معادل ۲۳/۸ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۳۴ تن که معادل ۳۳/۷ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۲۴ تن که معادل ۲۳/۸ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۲ تن که معادل ۲/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۵۷ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۶۱ نشان داده است.

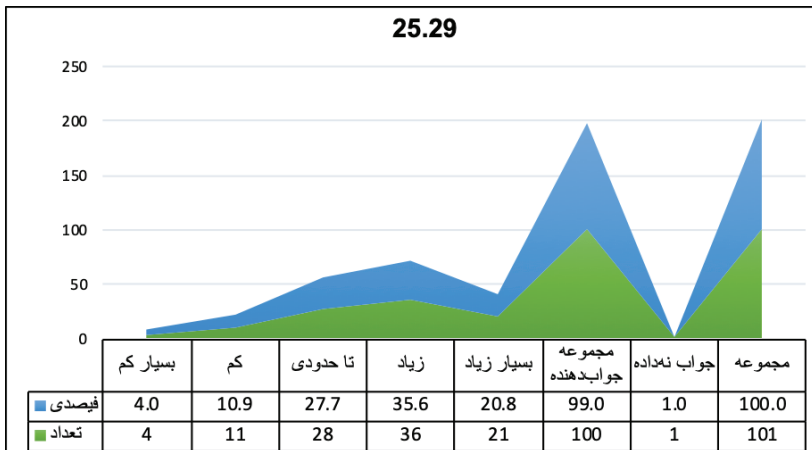


شکل شماره (۲۸) پیرامون سوال ۲۴

(خشونت‌های فامیلی بر چگونگی میزان مشارکت اجتماعی زنان تاثیر داشته است).

N	۹۹	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۲	جواب نه‌داده	
	۳.۷۷	میانگین	
	۳۷۳	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۲۴ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ‌دهندگان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می‌نماید، به تعداد ۴ تن که معادل ۴/۰ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار کم، به تعداد ۶ تن که معادل ۵/۹ درصد می‌شود، گزینه‌ی تا حدودی کم، به تعداد ۲۵ تن که معادل ۲۴/۸ درصد می‌شود، گزینه‌ی تا حدودی، به تعداد ۳۸ تن که معادل ۳۷/۶ درصد می‌شود، گزینه‌ی زیاد و به تعداد ۲۶ تن که معادل ۲۵/۷ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۲ تن که معادل ۲/۰ درصد می‌شود پاسخ ارائه نه‌کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۷۳ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۷۷ نشان داده است.

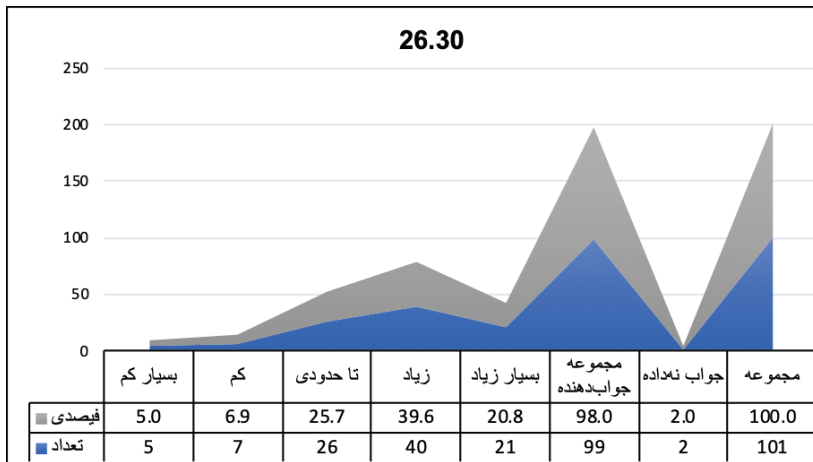


شکل شماره (۲۹) پیرامون سوال ۲۵

(موجودیت آزار و اذیت خیابانی بر چگونگی میزان مشارکت زنان تاثیر داشته است).

N	۱۰۰	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۱	جواب نه داده	
	۳.۵۹	میانگین	
	۳۵۹	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۲۵ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۴ تن که معادل ۴٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۱ تن که معادل ۱۰٪ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۸ تن که معادل ۲۷٪ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۳۶ تن که معادل ۳۵٪ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۲۱ تن که معادل ۲۰٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۱ تن که معادل ۱٪ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۵۹ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۵۹ نشان داده است.

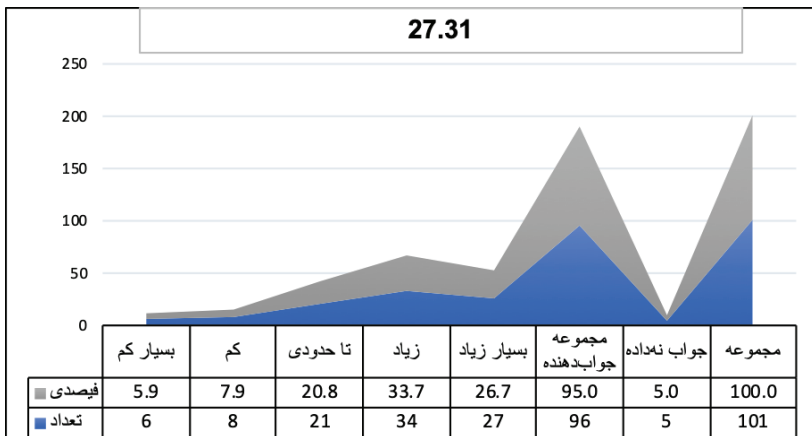


شکل شماره (۳۰) پیرامون سوال ۲۶

(موجودیت عرف ها و سنت های حاکم بر چگونگی میزان مشارکت زنان تاثیر داشته است).

N	۹۹	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۲	جواب نه داده	
	۳.۶۶	میانگین	
	۳۶۲	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۲۶ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۵ تن که معادل ۵٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۷ تن که معادل ۶٪ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۶ تن که معادل ۲۵٪ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۴۰ تن که معادل ۳۹٪ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۲۱ تن که معادل ۲۰٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۲ تن که معادل ۲٪ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۶۲ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۶۶ نشان داده است.

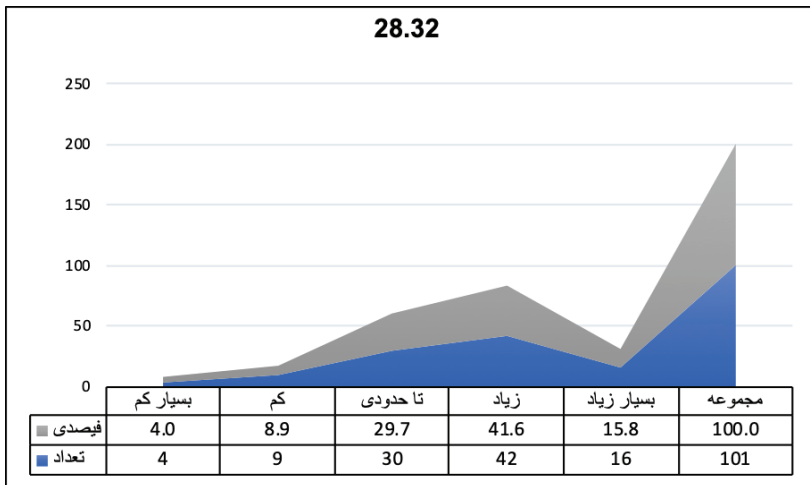


شکل شماره (۳۱) پیرامون سوال ۲۷

(تداوم جنگ و ناامنی بر چگونگی میزان مشارکت زنان تاثیر داشته است).

N	۹۶	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۵	جواب نه داده	
	۳۰.۷۱	میانگین	
	۳۵۶	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۲۷ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۶ تن که معادل ۹.۵ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۸ تن که معادل ۷/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۱ تن که معادل ۲۰/۸ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۳۴ تن که معادل ۳۳/۷ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۲۷ تن که معادل ۲۶/۷ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و ۵ تن که معادل ۵/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۵۶ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۷۱ نشان داده است.

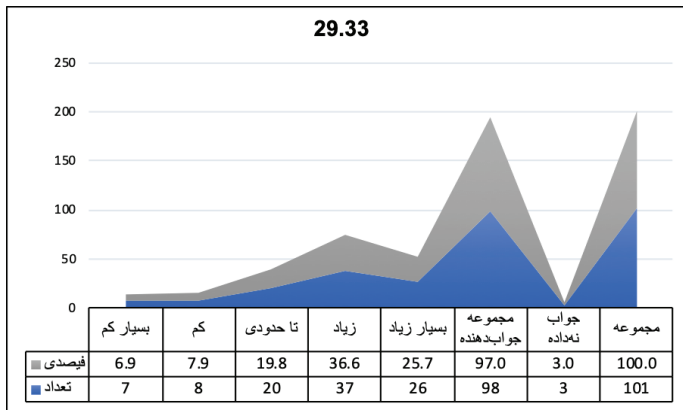


شکل شماره (۳۲) پیرامون سوال ۲۸

(به رسمیت شناختن قطعنامه ۱۳۲۵ توسط مخالفان در توافق صلح می تواند مشارکت زنان را تضمین کند).

ارقام و آمار	N	۱۰۱	جواب دهنده
		۰	جواب نه داده
		۳.۵۶	میانگین
		۳۶۰	مجموعه نمرات

شکل فوق که پیرامون سوال ۲۸ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۴ تن که معادل ۴٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۹ تن که معادل ۸/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۳۰ تن که معادل ۲۹/۷ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۴۲ تن که معادل ۴۱/۶ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۱۶ تن که معادل ۱۵/۸ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده اند. نمره مجموعی آن ۳۶۰ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۵۶ نشان داده است.



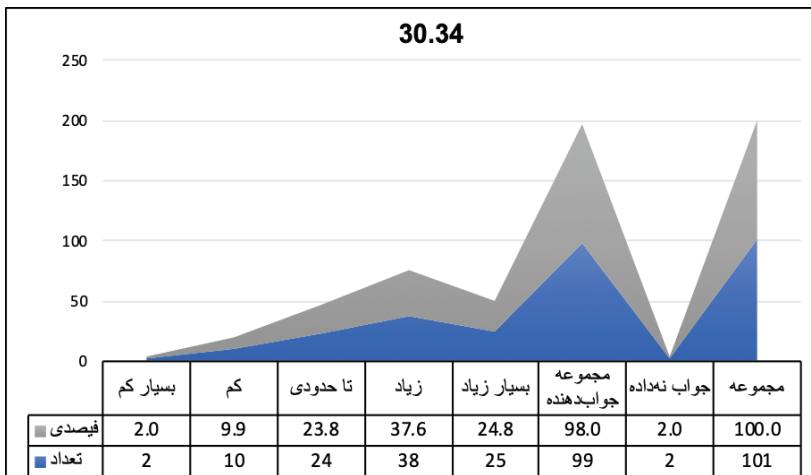
شکل شماره (۳۳) پیرامون سوال ۲۹

(تهدیدات بر علیه فعالین مدنی و حقوق زنان، مشارکت زنان را با چالش مواجه می سازد).

N	۹۸	جواب دهنده
	۳	جواب نه داده
	۳۰۶۸	میانگین
	۳۶۱	مجموعه نمرات

ارقام و آمار

شکل فوق که پیرامون سوال ۲۹ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۷ تن که معادل ۶/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۸ تن که معادل ۷/۹ درصد می شود، گزینه ی تا حدودی، به تعداد ۳۷ تن که معادل ۳۶/۶ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۲۶ تن که معادل ۲۵/۷ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و به تعداد ۳ تن که معادل ۳/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۶۱ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۶۸ نشان داده است.

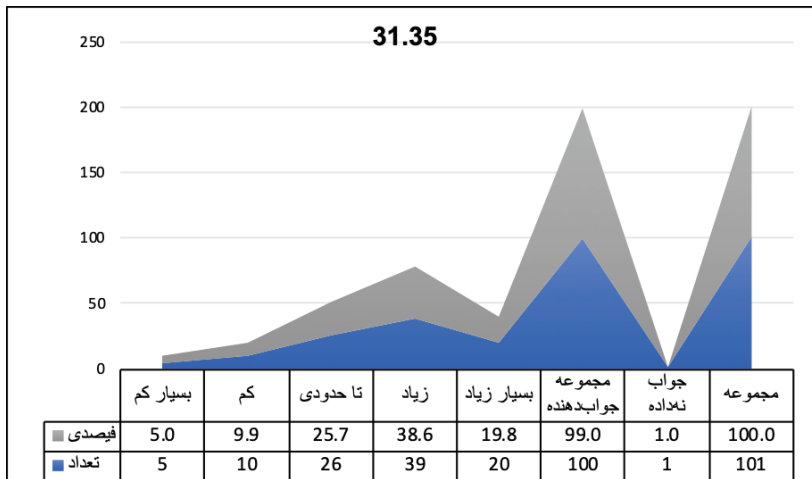


شکل شماره (۳۴) پیرامون سوال ۳۰

(قتل‌های هدفمند زنان فعال و کارمند دولت بر میزان مشارکت زنان تاثیر می‌کند).

N	۹۹	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۲	جواب نه‌داده	
	۳.۷۵	میانگین	
	۳۷۱	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۳۰ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ‌دهنده‌گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می‌نماید، به تعداد ۲ تن که معادل ۲٪ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار کم، به تعداد ۱۰ تن که معادل ۹/۹ درصد می‌شود، گزینه‌ی کم، به تعداد ۲۴ تن که معادل ۲۳/۸ درصد می‌شود، گزینه‌ی تاحدودی، به تعداد ۳۸ تن که معادل ۳۷/۶ درصد می‌شود، گزینه‌ی زیاد و به تعداد ۲۵ تن که معادل ۲۴/۸ درصد می‌شود، گزینه‌ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و به تعداد ۲ تن که معادل ۲٪ درصد می‌شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۷۱ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۷۵ نشان داده است.



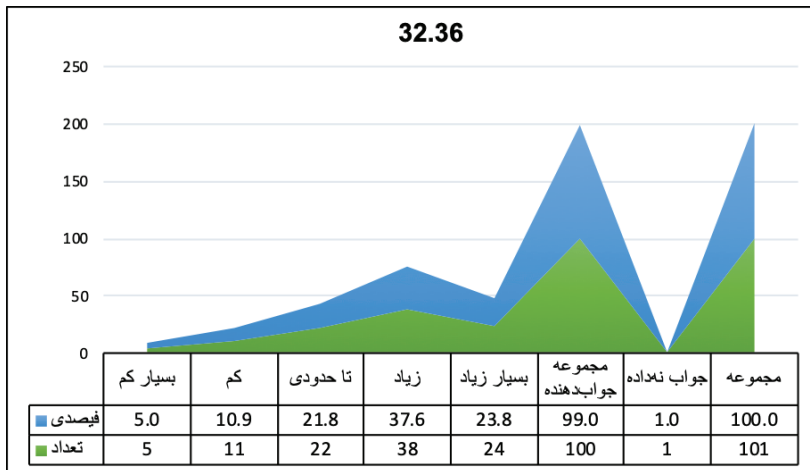
شکل شماره (۳۵) پیرامون سوال ۳۱

(عدم شفافیت در پروسه انتخابات بر میزان مشارکت زنان تاثیر می کند).

N	۱۰۰	جواب دهنده
	۱	جواب نه داده
	۳.۵۹	میانگین
	۳۵۹	مجموعه نمرات

ارقام و آمار

شکل فوق که پیرامون سوال ۳۱ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۵ تن که معادل ۵٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۰ تن که معادل ۹/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۶ تن که معادل ۲۵/۷ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۳۹ تن که معادل ۳۸/۶ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۲۰ تن که معادل ۱۹/۸ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و به تعداد ۱ تن که معادل ۱٪ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۵۹ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۵۹ نشان داده است.

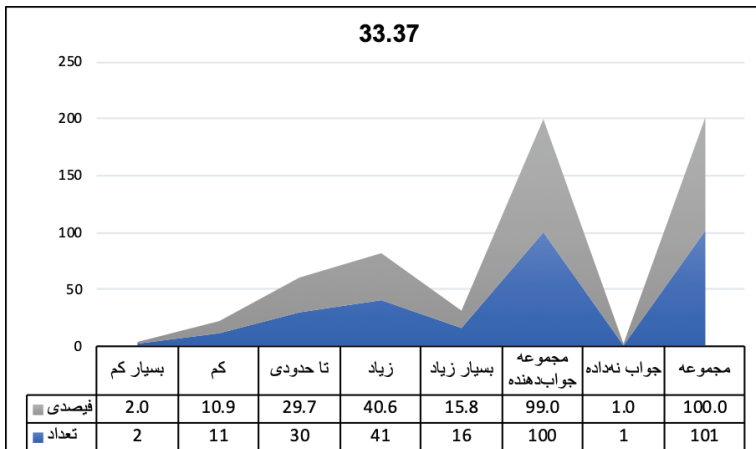


شکل شماره (۳۶) پیرامون سوال ۳۲

(خویش خوری و واسطه پروری در استخدام کارمندان بر مشارکت زنان تاثیر داشته است)

N	۱۰۰	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۱	جواب نه داده	
	۳.۶۵	میانگین	
	۳۶۵	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۳۲ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۵ تن که معادل ۵٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۱ تن که معادل ۱۰٪ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۲۲ تن که معادل ۲۱٪ درصد می شود، گزینه ی تا حدودی، به تعداد ۳۸ تن که معادل ۳۷٪ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۲۴ تن که معادل ۲۳٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و به تعداد ۱ تن که معادل ۱٪ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۶۵ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۶۵ نشان داده است.



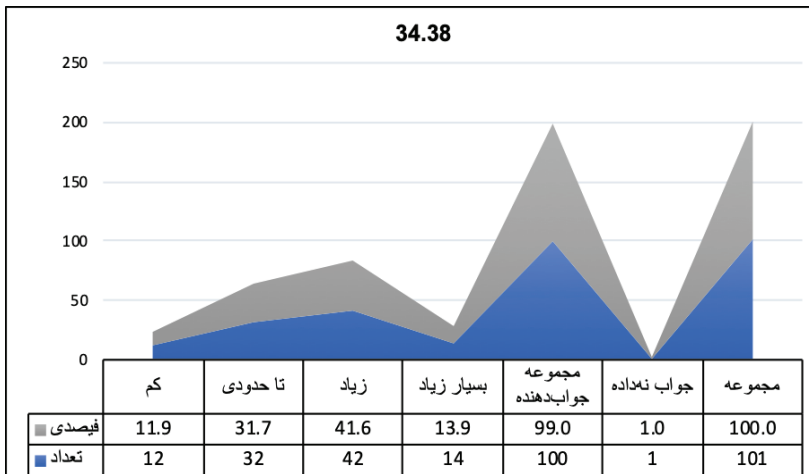
شکل شماره (۳۷) پیرامون سوال ۳۳

(تعلیمات مدنی و آگاهی عامه بر میزان مشارکت زنان در سیاست و اجتماع اثر گذاری داشته است).

N	۱۰۰	جواب دهنده
	۱	جواب نه داده
	۳.۵۸	میانگین
	۳۸۵	مجموعه نمرات

ارقام و آمار

شکل فوق که پیرامون سوال ۳۳ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۲ تن که معادل ۲٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار کم، به تعداد ۱۱ تن که معادل ۱۰٪ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۳۰ تن که معادل ۲۹٪ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۴۱ تن که معادل ۴۰٪ درصد می شود، گزینه ی زیاد و به تعداد ۱۶ تن که معادل ۱۵٪ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و به تعداد ۱ تن که معادل ۱٪ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۵۸ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۵۸ نشان داده است.

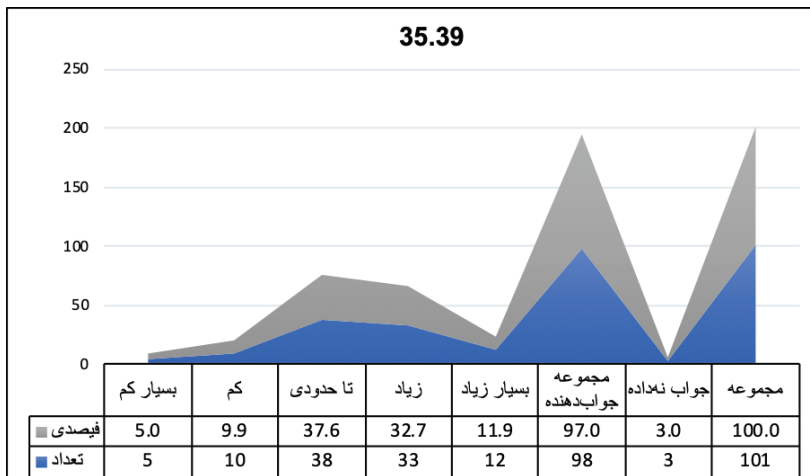


شکل شماره (۳۸) پیرامون سوال ۳۴

(موانع در برابر تطبیق اهداف قطعنامه و برنامه عمل در افغانستان وجود داشته است).

N	۱۰۰	جواب دهنده	ارقام و آمار
	۱	جواب نه داده	
	۳.۵۸	میانگین	
	۳۸۵	مجموعه نمرات	

شکل فوق که پیرامون سوال ۳۴ تحقیق بیان گردیده، نشان دهنده اینست که از مجموعه پاسخ دهنده گان شامل تحقیق که به تعداد (۱۰۱) تن را احتوا می نماید، به تعداد ۱۲ تن که معادل ۱۱/۹ درصد می شود، گزینه ی کم، به تعداد ۳۲ تن که معادل ۳۱/۷ درصد می شود، گزینه ی تاحدودی، به تعداد ۴۲ تن که معادل ۴۱/۶ درصد می شود، گزینه ی زیاد، به تعداد ۱۴ تن که معادل ۱۳/۹ درصد می شود، گزینه ی بسیار زیاد را انتخاب نموده و به تعداد ۱ تن که معادل ۱/۰ درصد می شود پاسخ ارائه نه کرده اند. نمره مجموعی آن ۳۵۸ و میانگین (اوسط) نمرات را ۳/۵۸ نشان داده است.



شکل شماره (۳۹) پیرامون سوال ۳۵

تجزیه و تحلیل کیفی

روش‌های مختلف برای تحلیل و طبقه‌بندی داده‌های جمع‌آوری شده در تحقیق کیفی وجود دارد که نظر به نوع تحقیق از آن استفاده می‌شود. در جریان تحقیق، پس از گردآوری داده‌ها، گام بعدی شامل تجزیه و تحلیل داده‌هاست. وقتی سخن از تجزیه و تحلیل داده‌ها به میان می‌آید، این تصور حاصل می‌شود که منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها تنها به شیوه آماری است، در صورتی که چنین نیست و این شیوه فقط یکی از طرق مهم تجزیه و تحلیل است که برای تحقیقات و داده‌هایی به کار می‌رود که جنبه آماری داشته باشد. یکی از مهم‌ترین عامل‌هایی که بر تصمیم‌گیری راجع به نوع تحلیل تأثیر می‌گذارد نوع داده‌هایی است که محقق از طریق تحلیل کیفی به نتیجه ملموس‌تر دست میابد. در این تحقیق بر علاوه سؤالات چند گزینه‌ای که در بخش تحلیل کمی با تفصیل‌ارایه گردید در این قسمت چند سؤال باز، از طریق مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان که در نهادهای مدنی، صلح و حقوق زنان می‌باشند در میان گذاشته شده است. در این تحقیق با توجه به تعریف و نقش برنامه‌ریزی در پاسخ به ۳ سؤال باز با ۶ مصاحبه‌شونده پاسخ‌های مشابه بدست آمده است.

در مورد سوال اول (به نظر شما د. ج. ا. توانسته است طی سه سال گذشته در عرصه ارتقای مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در افغانستان پیشرفت‌هایی را بیاورد؟) پاسخ دهندگان دیدگاهی‌شان را به شرح زیر بیان نموده‌اند:

مشارکت زنان در حیات اجتماعی و سیاسی جامعه افغانی از استرداد استقلال به بعد فراز و نشیب‌هایی را گذرانیده است مصاحبه‌کنندگان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را در جامعه، امروزه از عمده‌ترین مباحث اجتماعی که با توجهات تاریک اندیشانه دینی حاکم است، دانسته‌اند. توافقات بن در سال ۲۰۰۱ میلادی افغانستان را در مسیر جدیدی از تاریخ آن قرارداد که در این مرحله شاهد بسط و توسعه تعهدات حقوق بشری به شمول فراهم‌سازی زمینه‌های مشارکت زنان در اداره، سیاست، امنیت، اجتماع و پروسه صلح و آشتی ملی می‌باشیم.

همچنان خاطر نشان ساختند که مطالعه چگونگی تطبیق مفاد قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون زنان، صلح و امنیت در افغانستان، در پرتو برنامه عمل دولت جمهوری اسلامی افغانستان باید انجام شود و چالش‌های فرا راه تطبیق آن با در نظر داشت شرایط موجود حل و فصل گردد. این چالش‌ها را مصاحبه شوندگان به شرح زیر بیان نموده اند:

- هدر رفتن مساعدت‌های جامعه جهانی در زمینه ارتقای مشارکت سیاسی زنان؛
- حاکمیت جامعه مرد سالار؛
- کم رنگ بودن انسجام زنان برای مشارکت.

اما مصاحبه شوندگان گفته اند: اساسی ترین بنیاد مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف مشارکت هم فکری، هم کاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و سیاسی میباشد که تعدادی از زنان در این عرصه‌ها فعال بوده اند.

به نظر مصاحبه شوندگان مشارکت یک رفتار اجتماعی است که به پشتوانه یک معنای ذهنی مشخص از سوی افراد سر می زند، بنابراین گفته اند (قصد و نیت) از عناصر مهم مشارکت به شمار می رود. همچنان گفته اند در طی سه سال اخیر زنان ۱. مشارکت در تصمیم گیری، ۲. مشارکت در اجرای برنامه‌های توسعه ۳. مشارکت در ارزش یابی برنامه‌ها ۴. مشارکت در سهم بندی منافع توسعه داشته اند اما هنوز پیشرفت‌ها بسنده نیست.

مصاحبه شوندگان گفته اند زنان در طی سه سال اخیر با توجه به چالش‌های موجود در عرصه مشارکت سیاسی و اجتماعی نقش زیادی داشته اند و تا حدودی به این حقوق دست یافته اند اما راهکار مبارزه زنان باید در آینده برای سهم بیشتر باید تغییر کند و حکومت بر مبنای مؤلفه‌های حکومت داری خوب و با توجه بر قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل و با در نظر داشت نقش جامعه جهانی برای حمایت از زنان برای مشارکت بیشتر زنان توجه نماید.

آنها پیشنهاد نموده اند که:

- از تکرار چهره ها در پوست‌های کلیدی جلوگیری گردد؛
- فرصت برای زنان تحصیل کرده داخلی بیشتر گردد؛
- زمینه‌های تحصیلی برای زنان در مدارج عالی سهل تر گردد؛
- امتیاز سهمیه مثبت برای زنان در نظر گرفته شود؛
- در حکومت، زنان ولایت نقش داده شود؛
- سروی از زنان تحصیل کرده با مدارک بلند انجام شود؛
- زنان توانمند شناسایی گردد.

در نتیجه آنها گفته اند د. ج. ا. در سه سال اخیر برای زنان در زمینه‌های ذیل زمینه نقش آنها را فراهم نموده است:

- در ادارات دولتی در سطوح عالی و میانی؛
- مشارکت در سکتور امنیتی؛
- مشارکت در فعالیت‌های رسانه‌یی؛
- مشارکت در عرصه سیاست (انتخابات، سفارت‌ها، معینیت‌ها)؛
- مشارکت در فعالیت‌های مدنی و اجتماعی؛
- مشارکت در سکتور خصوصی.

با توجه به نکات بیان شده بر می آید که این همه زمینه سازی ها برای مشارکت زنان بیشتر برای زنان پایتخت و ولایت‌های درجه یک بوده است تا همه زنان افغانستان.

بناً نتیجه بر می آید که این تلاش حکومت بشکل نسبی موفق بوده است نه بطور کلی و همه شمول.

مصاحبه شوندگان در پاسخ به سوال دوم گفته اند: (به نظر شما آیا فعالین مدنی و حقوق زن چگونه خواهند توانست به شکل مطلوب در ارتقای مشارکت زنان سهم خود را آداء نمایند؟)

با توجه به مفهوم مشارکت واضح می گردد، مشارکت مستلزم داوطلبانه و رضایتمندانه بودن است تا فرد بتواند با افراد دیگر در یک بستر اجتماعی مناسب نقش خود را منحیث عضو فعال جامعه ایفا نماید. برای مشارکت سیاسی جهت حفاظت و تداوم حقوق سیاسی که فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمام داران مقامات سیاسی، شرکت جویند و یا در تصدی مشاغل سیاسی و اجتماعی کشور خود نایل گردند و یا در مجامع آزادانه عقاید و افکار خود را بیان نمایند.

فعالین مدنی و حقوق زن در مورد سوال دوم گفته اند که زنان میتوانند با مشارکت در انتخابات به صورت رأی دهنده و یا انتخاب شوند، در مدیریت برخی مشاغل مانند وزارت ها، سفارت ها، و امثال آن که از مظاهر اعمال حقوق سیاسی است سهم خود را در این روند آداء نمایند. گفته اند دو شاخصه اساسی برای مشارکت زنان در بحث مشارکت سیاسی و اجتماعی وجود دارد که عبارت از حقوق زنان و دوم حضور زنان در مدیریت سیاسی جامعه (اداره کشور) است. اما گفته اند شواهد نشان می دهد که بستر سازی برای ایفای نقش های مشارکتی برای زنان در جامعه افغانستان، همواره با چالش های گوناگونی توأم می باشد و از همین جا است که با در نظر داشت آسیب پذیر بودن وضعیت زنان در جامعه برخی ساز و کارهای بین المللی و ملی برای مشارکت فعال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان رهنمایی و استقامت داده شود.

همچنان گفته اند فعالین حوزه زنان و فعالین مدنی سهم خود را با رعایت موارد ذیل میتوانند آداء کنند:

- انسجام زنان برای مشارکت ؛
- نظارت از برنامه های حکومتی در مورد مشارکت زنان از طرف نهادهای حقوق بشری و مدنی؛

- داد خواهی‌های گسترده و هدف مند؛
- برنامه‌های آگاهی دهی و رضا کارانه برای زنان در این زمینه؛
- ارایه گزارش ها و انجام تحقیقات لازم در زمینه میزان مشارکت زنان از طرف نهادهای مدنی.

با رعایت این موارد آنها گفته اند: مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در افغانستان با چالش هایی همراه است که باید آنها را هدفمندانه از طریق انسجام برنامه‌های جامع از بین برد. در نتیجه جامعه مدنی به حوزه ای از نهاد ها، رسانه ها، انجمن ها، موسسات، اتحادیه ها، نهاد های تحقیقی و اکادمیک، شخصیت‌های فعال در شبکه‌های اجتماعی و غیره گفته می‌شود که از اثرگذاری بالایی در مناسبات و تعاملات اجتماعی به شمول اثرگذاری بالای رویکرد ها، سیاست ها و پالیسی ها ی دولت ها برخوردار هستند. آنها گفته اند اصول رفتار و چوکات کاری نهاد های مدنی از حالات ذیل خالی نمی باشد: نهادهای معطوف به داد خواهی، نهاد ها و گروه‌های آگاهی رسان عامه، نهاد ها و موسسات تحقیقاتی. در بسا موارد برخی از نهاد ها همزمان دو یا حتی هر سه ساحات فوق را تحت پوشش قرار می دهند.

آنها پیشنهاد نمودند که:

- جامعه مدنی و فعالین حقوق زنان باید رضا کارانه داد خواهی نماید؛
- جامعه مدنی و فعالین حقوق زنان باید معامله گر نباشند؛
- جامعه مدنی و فعالین حقوق زنان باید به بحث‌های اکادمیک بپردازند؛
- تحقیقات گسترده را سازماندهی کنند؛
- مواد قطعنامه و برنامه عمل را در برنامه‌های آگاهی دهی خود جا بدهند؛
- حکومت باید در برنامه‌های نهادهای مدنی و حقوق زنان مداخله نکند.

با توجه به گفته‌های مصاحبه شوندگان در می یابیم که نهادهای مدنی و فعالین حقوق زنان توانسته اند از طریق برنامه‌های خود برای مشارکت زنان مفید و مؤثر واقع گردند.

- راه یابی فعالین مدنی و حقوق زنان در سطوح بلند حکومتی؛
- نقش سمبولیک زنان در شورای عالی صلح؛
- حضور زنان فعال در کنفرانس‌های بین‌المللی؛
- صاحب نظر بودن تعدادی از زنان فعال در بحث‌های بین‌الحکومتی؛
- مشارکت فعالین مدنی زن در انتخابات؛
- دادخواهی گسترده تعدادی از زنان برای احقاق حقوق زنان.

اما این فعالین مدنی و حقوق زنان بیشتر فعالیت هایشان در کابل و ولایت‌های درجه یک معطوف بوده است ازین لحاظ آنها در ادای نقش خود بطور کلی مؤفق نبوده اند ولی برای آینده ها امیدواری ها وجود دارد تا نکاتی را که اشاره نموده اند بطور کلی برای همه، یکسان تحقق پذیر باشد.

مصاحبه شوندگان در پاسخ به سوال سوم (از نظر شما چي باید صورت بگیرد تا افغانستان به اهداف قطعنامهٔ ۱۳۲۵ نایل گردد؟) دیدگاه‌های خود را طوری بیان نموده اند که:

فراهم سازی فرصت ها و مؤلفه‌های مهم و بنیادی نیاز است که زمینه سازیک بستر مناسب برای مشارکت زنان با در نظر داشت قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل گردد. این مؤلفه ها را چنین بر شمرده اند: برنامه ریزی و جابجا سازی مشارکت زنان در استراتژی‌های ملی، محو اشکال مختلف تبعیض علیه زنان، انکشاف سرمایه بشری زنان، زمینه سازی مشارکت زنان اعم از مشارکت دولتی، خصوصی، تعاونی و عمومی، ارتقای سطح آگاهی، سازماندهی، پشتیبانی و حمایت. از زنان در سیاست گذاری‌های دولت به شمول سهیم ساختن زنان در قوهٔ اجرائیه و ارتقای نقش مدیریتی آنان.

آنها به موارد زیر اشاره نموده اند:

- توسعه سیاسی؛
- استقرار دموکراسی؛
- نوگرایی سیاسی؛
- توسعه اقتصادی - اداری؛
- بسیج قدرت برای زنان؛
- محو تبعیض علیه زنان؛
- انکشاف نیروی بشری زنان؛
- تقویت نقش رهبری زنان.

آنها گفته اند: در مجموع یک دیدگاه مثبت و کلی در مورد مشارکت زنان و احراز مقام‌های رهبری در مناصب بزرگ سیاسی را نشان می‌دهد. هر چند تمایلات جنسیتی مرد گرایانه در برخی از موارد مشهود است ولی فیصدی طرفداران مشارکت زنان در افغانستان بر مبنای پلان عمل و قطعنامه ۱۳۲۵ حد اقل در حد دیدگاه کلی و نظری همواره سطح بلندی را نشان می‌دهد ولی این میزان کلی نبوده مواردی باید در نظر گرفته شود تا افغانستان به اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ برسد. این موارد میتواند نکات ذیل باشد: آگاهی دهی در مورد قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل، ملزم بودن حکومت به تطبیق برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵، گزارش دهی دقیق از تطبیق برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵.

پنجم. یافته‌های تحقیق، مناقشه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خلاصه یافته‌ها

در جهانی که سال‌هاست خشونت‌های ساختاری و فرهنگی، زنان را از مشارکت دور نگهداشته است، بحث مشارکت سیاسی زنان امر ضروریست، با وصف اینکه همواره جنبش‌ها و حرکت‌های عدالت خواهانه برای مشارکت زنان سطح انتظارات آنها را تعیین می‌نماید؛ دیگر حکومت‌ها نمی‌توانند بدون حضور زنان در حیات سیاسی و اجتماعی گام بردارند و نقش زنان را نادیده بگیرند.

عدم تطبیق برنامه‌ها در حوزه زنان در کشورهای در حال توسعه مثل افغانستان یکی از چالش‌هاست و در شرایط فعلی در هر جامعه تمام امور بر اساس نقش زنان صورت می‌گیرد، با توجه به وضعیت فعلی، در سال‌های اخیر این نقش در افغانستان معنا دار تر می‌گردد. در تحقیق اجرا شده تحت عنوان (مطالعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه در پیوند به قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد)، به تحلیل پیشرفت‌های زنان در زمینه نقش آنها در پروسه صلح و امنیت، و نقش جامعه جهانی در کارایی و چالش‌ها فرا راه تطبیق برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵ پرداخته شده است. بادر نظر داشت روش منتخبه در این تحقیق، به دلیل اینکه حوزه فعالیت‌های فعالین مدنی، صلح و حقوق زنان گسترده است، بنابر آن نمونه خود را ۱۱۰ نفر افراد آگاه در این بخش‌ها در نظر گرفته‌ام. در این تحقیق پرسش‌نامه در قالب ۳۵ سؤال با مقیاس رتبه‌ای تنظیم و توزیع گردید. که به شناسایی تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ در طرح و اجرای پلان عمل پرداخت.

همچنان پرسش‌نامه با سطح اطمینان ۹۵ و خطای نمونه گیری ۵ در صد از میان جمعیت آماری به دست آمد و سپس در نهادهای مربوط با انتخاب ۱۰۱ نفر که ۵۸ تن ۵۷/۴ درصد کل آن را زنان و بانوان تشکیل می‌دهد و به تعداد ۳۶ تن مردان که ۳۵/۶ درصد را آن را احتوا می‌نماید و به تعداد ۷ تن (۶/۹ درصد) پاسخ ارائه نکرده اند توزیع گردید. در این تحقیق پس از تکمیل کارهای تخیکی تحقیق و تکمیل پرسش‌نامه‌ها معلومات و ارقام مربوط به فعالین مدنی، صلح و حقوق زنان در دسترس قرار گرفت.

از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان مرد و زن شامل تحقیق که ۱۰۱ تن بودند، به تعداد ۳۰ تن (۲۹/۷ درصد) فعال در عرصه صلح، به تعداد ۳۸ تن (۳۷/۶ درصد) فعال در عرصه مدنی، به تعداد ۲۳ تن (۲۲/۸ درصد) فعال در عرصه حقوق زنان بوده و به تعداد ۱۰ تن (۹/۹ درصد) جواب ارائه نه کرده‌اند. با ۱۲ تن از فعالین این حوزه‌های یاد شده از نهادهای مختلف مصاحبه نیز صورت گرفته است.

در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات و معلومات هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی مورد استفاده قرار گرفته است. اطلاعات حاصل شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با استفاده از روش آمار میانگین و مود به استنباط آماری پرداخته شده است.

نتایج فرضیه اول شاخص تأثیر گذاری تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل بر میزان پیشرفت زنان در سه سال اخیر به ترتیب سوال اول الی پنجم نشان دهنده این واقعیت است که میانگین سوال اول ۲/۶۱ از سوال دوم ۲/۹۵ از سوال سوم ۲/۹۶ از سوال چهارم ۳/۲۷ و از سوال پنجم ۳/۴۱ میباشد که مجموعه اوسط نمرات میانگین آن معادل ۳/۰۴ بدست آمده است که نتایج تحلیل کمی و کیفی فرضیه اول در مورد تأثیر گذاری اقدامات دولت در پیشرفت زنان مطابق قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل نشان دهنده رضایت تا حدودی میباشد. با توجه به نتایج کمی و کیفی و اوسط نمرات میتوان گفت که فرضیه اول تا حدودی مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه دوم شاخص، تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت اجتماعی، سیاسی و مدنی زنان به ترتیب سوال ششم الی دهم و سوال شانزدهم الی بیست و چهارم مبین این واقعیت است که در مورد مشارکت اجتماعی میانگین سوال ششم ۳/۲۸ از سوال هفتم ۳/۴۲ از سوال هشتم ۳/۲۴ از سوال نهم ۲/۹۵ و از سوال دهم ۳/۰۰ میباشد که مجموعه اوسط نمرات میانگین آن ۳/۱۷ بدست آمده است. همچنان در قسمت شاخص مشارکت سیاسی میانگین سوال شانزدهم ۳/۲۱ از سوال هفدهم ۳/۱۳ از سوال هجدهم ۳/۱۷ از سوال نوزدهم ۲/۹۴ از بیستم ۳/۷۴ است که اوسط نمرات میانگین آن ۳/۲۷ بدست آمده است. در زمینه شاخص مشارکت مدنی میانگین سوال بیست و یکم ۳/۰۸ از سوال بیست و دوم ۳/۲۸ از سوال بیست و سوم ۳/۶۱ از سوال بیست و چهارم ۳/۷۷ و از سوال بیست و پنجم ۳/۵۹ میباشد که به این ترتیب اوسط نمرات میانگین آن ۳/۶۱ بدست آمده است.

نتایج تحلیل کمی و کیفی نشان دهنده این حقیقت است که اوسط نهایی نمرات فرضیه دوم در مورد مشارکت اجتماعی، سیاسی و مدنی ۳/۰۵ بدست آمده است که با توجه به نتایج تحلیل کمی و کیفی این تحقیق میتوان گفت که فرضیه دوم همچنان تایید گردیده است.

فرضیه سوم شاخص تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت زنان در پروسه صلح مربوط سوال یازدهم ۳/۲۶ از سوال دوازدهم ۳/۱۹ از سوال سیزدهم ۳/۲۵ از سوال چهاردهم ۳/۱۱ و از سوال پانزدهم ۳/۱۳ است که اوسط نمرات میانگین آن ۳/۱۸۸ بدست آمد که با توجه بر نتایج کمی و کیفی همچنان این فرضیه مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه چهارم شاخص تأمین امنیت زنان در مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها از سوال بیست و شش ۳/۶۶ از سوال بیست و هفتم ۳/۷۱ از سوال بیست و هشتم ۳/۵۶ از سوال بیست و نهم ۳/۶۸ و از سوال سی ام ۳/۷۵ است، مبین این حقیقت است که اوسط نمرات میانگین فرضیه چهارم ۳/۶۷ بدست آمده است با در نظر داشت نتایج تحلیل کمی و کیفی فرضیه چهارم همچنان مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه پنجم شاخص نظارت از طریق نهادهای داخلی و بین المللی و گزارش از تطبیق مفاد قطعنامه از سوال سی و یکم ۳/۹۵ از سوال سی و دوم ۳/۶۵ از سوال سی سوم ۳/۵۸ از سوال سی و چهارم ۳/۵۸ و از سوال سی و پنجم ۳/۳۸ میباشد که اوسط نمرات میانگین این فرضیه ۳/۵۵ بدست آمد که با دقت بر نتایج تحلیل کمی و کیفی تحقیق انجام شده نتیجه بر می آید که فرضیه پنجم همچنان مورد تأیید قرار گرفته است. در نتیجه از تحلیل نتایج کمی و کیفی فرضیه‌های فرعی بر می آید که اوسط نمرات میانگین فرضیه اصلی تحقیق (به نظر میرسد تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد و برنامه عمل در ۳ سال اخیر برای مشارکت سیاسی- اجتماعی و مدنی زنان مؤثر بوده است) ۳/۲۹۹ بدست آمده است که این عدد مبین این واقعیت است که فرضیه اصلی تا حدودی مورد تأیید بوده ولی در بخش نتیجه گیری دلایل آن ذکر میگردد و در بخش پیشنهاد ها نکات مهم جهت تأیید این فرضیه ارایه میگردد.

مناقشه

این بخش به عنوان مهمترین بخش تحقیق چگونگی ارتباط مبانی نظری یا پیشینه تحقیق را با یافته‌های عملی تحقیق روشن ساخته، ارتباط و عدم ارتباط آن را واضح می‌سازد و در پایان این بخش یک نتیجه گیری کلی از گزارش تحقیق و پیشنهادها ذکر می‌گردد (سروری، ۱۳۹۵). در این تحقیق اگر اطلاعاتی حاصل شده از تجزیه و تحلیل کمی و کیفی را با مبانی نظری آن مقایسه نمایم هم خوانی و همسویی آنها را در بسا موارد تأیید مینماید و در برخی موارد تفاوت‌های قابل ملاحظه به نظر میرسد که ذیلاً این همخوانی‌ها و تفاوت‌ها از نظر مبانی نظری با تحلیل کمی و کیفی مقایسه و شرح داده می‌شود. در زمینه پیشرفتهای زنان مبنی بر تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد و برنامه عمل در ۳ سال اخیر در مبانی نظری تحقیق چنین آمده است:

پیشرفتهای زنان در جامعه اصل مهم است که مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان یک کشور مخصوصاً زنان بر اساس حقوقی است که شهروندان آن را حایز می‌باشد، مدیریت برخی مشاغل مانند وزارت‌ها، سفارت‌ها و امثال آن از مظاهر اعمال حقوق سیاسی است. دو شاخصه اساسی برای پیشرفت مشارکت زنان در بحث مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها وجود دارد که عبارت از حقوق زنان و دوم حضور زنان در مدیریت سیاسی جامعه (اداره کشور) است (فرید، ۱۳۸۴، ص، ۵۲). اما مطالعات و شواهد نشان می‌دهد که بستر سازی برای پیشرفت ایفای نقش‌های مشارکتی برای زنان در جوامع سنتی، عقب مانده، درگیر منازعات و در حال جنگ همواره با چالش‌های گوناگونی توأم می‌باشد و از همین جا است که با در نظر داشت آسیب پذیر بودن وضعیت زنان؛ برخی ساز و کارهای بین‌المللی پیش بینی گردیده است تا دولت‌های عضو سازمان ملل متحد را به پیشرفت مشارکت فعال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان رهنمایی و استقامت دهد. در افغانستان با توجه به تحقیقات و سروی‌ها در یافت نمودم که زنان پیشرفتهای زیادی طی این سه سال اخیر در عرصه مشارکت سیاسی - اجتماعی و مدنی خود داشته اند ولی واضح است که چالش‌ها و تهدیدات زیادی در برابر آنها هنوز پر رنگ است و نیاز برای برنامه‌های جامع و عملی دیده می‌شود.

نتیجه تحلیل کمی و کیفی تحقیق از یک جهت نشان دهنده همسویی و همخوانی با مبانی نظری تحقیق است، از جهتی هم نشان دهنده چالش هاست، نتایج کمی شاخص تأثیر گذاری اقدامات دولت مطابق قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل بر میزان پیشرفت زنان در سه سال اخیر نشان دهنده این واقعیت است که چنانچه مجموعه اوسط نمرات میانگین آن تا حدودی معادل $3/04$ بدست آمده است نشان دهنده رضایت تا حدودی میباشد. این اقدامات بیشتر در زمینه مرور، تعدیل و تصویب قوانین، پالیسی ها و استراتژی ها بوده ولی در زمینه تطبیق عملی این راهکار ها مشکلات عملی تا هنوز به نظر می رسد.

در مبانی نظری تحقیق در مورد مؤثریت تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت اجتماعی، سیاسی و مدنی زنان چنین گفته شده است: مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در افغانستان فراز و فرود هایی آمیخته با زجر و فشار، یأس و نا امیدي، فشار و استبداد، افراط و تفریط را در نور دیده است. اسناد و مدارک تاریخی نشان می دهد که شواهد کافی مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان تا قبل از استرداد استقلال و زمام داری شاه امان الله خان (۱۹۱۹-۱۹۲۹) در افغانستان وجود ندارد.

با تصویب قانون اساسی توسط لویه جرگه در ۱۸ سنبله ۱۳۴۳، حق رأی همه شهروندان بالای بیست سال افغانستان به رسمیت شناخته شد. این رویداد زمینه را برای مشارکت سیاسی بیشتر و قانونی زنان فراهم کرد. در انتخابات مجلس، در سال ۱۳۴۴ ش. برای نخستین بار خانم ها، رقیه حبیب و آناهیتا راتب زاد از کابل، خدیجه احراری از هرات و معصومه عصمتی از قندهار به مجلس نمایندگان راه یافتند (فرهنگ، ۱۳۷۴). محسنی به نقل از طنین می نویسد: خانم ها هریک عزیزه گردیزی و حمیرا سلجوقی از سوی پادشاه به عنوان نماینده مجلس سنا برگزیده شدند (۱۳۹۰، ص، ۶۰). قابل تذکر است که در ادامه این فرآیند در کابینه نخست نورا حمد اعتمادی در سال ۱۳۴۶ ش خانم کبرا نورزی به عنوان نخستین وزیر زن برای صحت و همچنین در کابینه دوم وی در سال ۱۳۴۸ ش خانم شفیقه ضیایی به مقام وزیر مشاور دست یافت (همان منبع، ۱۳۷۴).

در زمینه تحقق مشارکت سیاسی، اجتماعی و مدنی زنان پیشینه تحقیق با نتایج تحلیل کمی و کیفی در بسیار موارد عدم همسویی و همخوانی را نشان می‌دهد ولی با برخی موارد همسویی و همخوانی وجود دارد. مشارکت زنان در دوران مهاجرت ها و جنگ با حکومت تحت حمایت اتحاد شوروی سابق را می‌توان در بعد داخلی و ساحات زیر کنترل مجاهدین و در بعد خارجی یا کشورهای همسایه جاییکه ملیون ها افغان مهاجر و آواره گردیده بودند مورد ملاحظه قرار داد. در بعد داخلی نسبت تبارز واکنش به افراط گرایی حکومت چپی، مجاهدین نگاه تفریطی نسبت به زنان در تمام مناطق تحت کنترل شان اعمال می نمودند و هرگونه تحصیل در مکاتب برای زنان ممنوع بود (نیکبین، ۱۳۹۴).

در دوران طالبان (۱۳۷۵-۱۳۸۱)، زنان از کار، تعلیم و تحصیل منع قرار داده شدند. طالبان پس از تسخیر شهر کابل، در مدت سه ماه ۶۳ مکتب را در این شهر مسدود ساختند که باعث محرومیت ۱۰۳۰۰۰ دختر و ۱۴۸۰۰۰ پسر از تحصیل گردیدند و ۱۱۲۰۰ معلم که بیشترین شان زنان بودند از تدریس بازماندند. در این دوران زنان تحصیل یافته بی شماری از افغانستان خارج گردید (محسنی، ۱۳۹۰). حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ که منتج به مداخله نظامی ایالات متحده آمریکا و سایر متحدین آن، تدویر کنفرانس بن و ایجاد اداره موقت و سایر تحولات دموکراتیک در افغانستان گردید، نقطه عطفی در احیای جایگاه زنان در دوران پسا طالبان در افغانستان به شمار می رود. به اساس موافقتنامه بن، کمیسیون ۲۱ نفری تدویر لویه جرگه اضطراری با مشارکت سه خانم هریک محبوبه حقوقمل، ثریا پرلیکا و حمیرا نعمتی به تاریخ ۲۳ جنوری ۲۰۰۲ ایجاد گردید. از ۱۵۰۱ تن اشتراک کننده گان این لویه جرگه، ۱۶۰ تن آنان را زنان تشکیل می داد و خانم سیما ثمر به حیث معاون لویه جرگه اضطراری انتخاب شدند. در اولین انتخابات ریاست جمهوری برای دولت انتقالی، یک زن به نام مسعوده جلال خود را کاندیدا نمود و با کسب آراء نسبتاً قابل قبول حضور یک زن را در رقابت برای کسب بالاترین مقام حکومتی اثبات کرد. در ۱۵ اکتوبر ۲۰۰۲ یک کمیسیون ۹ عضوی برای تسوید قانون اساسی جدید تحت ریاست نعمت الله شهرانی تعیین گردید که دو نفر از اعضای این کمیسیون را نیز زنان هریک آصفه کاکر و مکرمه اکرمی تشکیل می داد.

متعاقباً حکومت انتقالی کمیسیون ۳۵ نفری را برای تدقیق قانون اساسی مقرر نمود که ۷ تن آنان زنان هریک پروین مومند، فاطمه گیلانی، پروین علمی مجروح، شکریه بارکزی، صدیقه بلخی، حاکمه مشعل، آمنه افضلی بودند. یک کمیته متشکل از ۲۰ زن نیز برای تدقیق بیشتر حقوق زنان تحت إشراف خانم محبوبه حقوقممل ایجاد گردید. این کمیته پیشنهاد نمود تا به مقدمه ۱۲ فقره ای مسوده یک ماده دیگر نیز اضافه گردد: «تضمین حقوق مساوی زنان و مردان و امحای کلیه اشکال تبعیض و خشونت علیه زنان» و همچنان کمیته مذکور توصیه نمود که بهتر است به جای یک زن، دو زن در ولسی جرگه و شوراهای ولایتی از هرولایت عضویت داشته باشند

چنین به نظر می رسد که اقدامات، پالیسی ها و سیر تحولات دموکراتیک در سال های پس از تصویب قانون اساسی باعث تغییرات و پیشرفت های چشمگیر در زمینه مشارکت سیاسی - اجتماعی و مدنی زنان در افغانستان گردیده است (محسنی، ۱۳۹۰). از تحلیل نتایج شاخص، تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت اجتماعی، سیاسی و مدنی زنان که اوسط نمرات میانگین آن ۳/۲۷ بدست آمده است، بر می آید که زنان در این زمینه پیشرفت های زیادی داشته اند اما چالش ها در این مورد زیاد بوده است که در پیشینه تحقیق به آن اشاره شده است بناً این چالش ها و موانع در صورتی میتواند از میان برداشته شود که به مواد قطعنامه و برنامه عمل با در نظر داشت وضعیت زنان توجه گردد.

در پیشینه تحقیق در مورد تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت زنان در پروسه صلح در کتاب مشارکت زنان در روند صلح به نقل از حسینی آمده است که: پس از تشکیل شورای عالی صلح در سال ۲۰۱۰ به تعداد (۹) نفر از زنان عضویت شورای عالی صلح را به دست آوردند و در پیشبرد پروسه صلح سهم گرفتند اما این که حضور و سهم زنان در این روند چه اندازه فراگیر، شفاف، مؤثر و موفق بوده است با تردیدهای جدی مواجه است (۱۳۹۴، ص، ۲). اصل عادلانه بودن و فراگیر بودن صلح دو خصوصیت عمده است که نقطه ارتباط با دیدگاه جنسیتی در روند صلح را نشان می دهد زیرا صلحی را می توان عادلانه گفت که با مشارکت و شمولیت دیدگاه زنان باشد. قطعنامه ۱۳۲۵، پلان عمل ملی ۱۳۲۵، قانون اساسی و استراتژی ملی و سایر اسناد بین المللی در همین راستا قابل تفسیر اند (همان منبع، ۱۳۹۴).

در کتاب مشارکت زنان به نقل از حسینی آمده است: اگر از مشارکت زنان در روند صلح چشم پوشی شود، شکاف اجتماعی ترمیم نخواهد شد و به صورت نیمه فعال زمینه را برای خشونت و تضاد در جامعه فراهم می کند. این موضوع به خصوص در افغانستان جایی که فرهنگ قبیله یی و مرد سالاری حاکم است و محدودیت فراوانی برای مشارکت زنان در عرصه تصمیم گیری های کلان وجود دارد به قسمی که می تواند توازن اجتماعی را برهم زند اهمیت فراوانی دارد. در چنین شرایط نا متعادل و فضای سیاسی حضور زنان برای مشارکت در مذاکرات برای آینده بهتر زنان ضروری است (۱۳۹۴، ص، ۱۱). در گزارش اخیر ادواری جهانی دولت افغانستان به شورای حقوق بشر از پیشرفت های ملموس در زمینه یاد آوری شده است.

در یافته های کمی و کیفی تحقیق دیده می شود که شاخص تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت زنان در پروسه صلح اوسط نمرات میانگین آن ۳/۱۸۸ بدست آمد که با توجه بر نتایج کمی و کیفی همچنان این فرضیه مورد تأیید قرار گرفته است بنابر آن میان مبانی نظری و یافته های کمی و کیفی همخوانی و همسویی وجود دارد.

در مبانی نظری این تحقیق در مورد تطبیق برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ در زمینه تأمین امنیت زنان در مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها از اقدامات دولت طی سال های اخیر با تصویب پلان کاری ملی زنان ۲۰۰۷-۲۰۱۷ و پلان عمل صلح، زنان و امنیت یاد آوری شده است: در پلان ملی زنان سه بعد اساسی برای آن در نظر گرفته شده بود که عبارتند از ۱- محو تبعیض علیه زنان، ۲- انکشاف نیروی بشری زنان، ۳- تقویت نقش رهبری زنان. به اساس این استراتژی، در ظرف ده سال پیش بینی شده، قرار بود طی دوره زمانی مورد نظر ۲۰ در صد در شمار زنانی که خدمات امنیتی ارایه می کنند افزایش به عمل می آمد و نیز سهم گیری زنان در روند تحکیم صلح در مرکز وولایات افزایش می یافت. در رکن دوم پلان کاری که در مورد دولت داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر می باشد، مسئله مشارکت زنان در سطوح تصمیم گیری یاد آوری گردیده و قرار براین شده است تا ضمن سایر اقدامات، یک افزایش ۳۰ فی صدی مشارکت زنان در بخش عدلی و قضایی و نهادهای تطبیق قانون الی سال ۲۰۱۷ مورد نظر باشد.

مسئله مشارکت سیاسی و رهبری زنان به منظور زمینه سازی اشتراک زنان و تاثیر گذاري بر روندهای تصمیم گیری، پالیسی سازی بخش های کلیدی دولت چون قضا، امنیت و سهیم سازی کتله زنان در زندگی سیاسی که شامل برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت در زمینه می باشد مهم اند (همان منبع، ص ۵۳).

همچنان در پلان عمل زنان، صلح و امنیت ۲۰۱۵-۲۰۲۲ در زمینه مشارکت و ارتقای نقش زنان در سطوح تصمیم گیری از ضرورت افزایش مشارکت موثر زنان در سطوح تصمیم گیری و اجرایی خدمات ملکی؛ مشارکت موثر و فعال زنان در پست های رهبری در ارگان های امنیتی؛ حصول اطمینان از مشارکت موثر زنان در روند صلح؛ تشویق مشارکت فعال زنان در تسوید استراتژی ها و پالیسی های صلح و امنیت؛ تقویت مشارکت فعال زنان در انتخابات؛ یاد شده است.

از تحلیل کمی و کیفی این تحقیق، شاخص تأمین امنیت زنان در مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها مبین این حقیقت است که اوسط نمرات میانگین فرضیه چهارم ۶۷/۳ بدست آمده است با در نظر داشت نتایج تحلیل کمی و کیفی این شاخص مورد تأیید قرار گرفته است ولی در پیشینه تحقیق اختلاف نظر در زمینه دیده میشود که آنچه در برنامه طرح گردیده بود تحقق نیافته است، ولی نتایج تحلیل کمی و کیفی نشان میدهد که در زمینه چالش ها مصاحبه شوندگان اشاراتی داشتند که این چالش ها باید از بین بروند تا زنان برای مشارکت خود امنیت لازم را داشته باشند. بنابر آن مبانی نظری با یافته های کمی و کیفی همسویی و همخوانی زیاد ندارد چنانچه مشارکت زنان در سکتور امنیتی به اساس آخرین گزارش ادواری دولت افغانستان به شورای حقوق بشر تنها ۱٪ کل نیروهای امنیتی را احتوا می کند.

در پیشینه تحقیق در مورد موجودیت نهادهای لازم برای نظارت و گزارش از تطبیق مفاد قطعنامه به این گفته ها اشاراتی شده است: تعدادی از کمیته های مهم در چوکات سازوکارهای ملل متحد برای ارتقای مشارکت زنان و نظارت بر تطبیق اسناد بین المللی حقوق بشر به شمول حقوق زنان وجود دارد که هر کدام بر حسب وظایف معینه خود نحوه اجرای مفاد قراردادهای حقوق بشری را نظارت می کنند و عبارتند از:

کمیته حقوق بشر، کمیته رفع تبعیض نژادی، کمیته رفع تبعیض علیه زنان، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته مقابله با شکنجه، کمیته حقوق کودک و همچنان کمیساریای عالی حقوق بشر که در حال حاضر شورای حقوق بشر جایگزین آن شده است و در راس آن کمیشنر حقوق بشر قرار دارد. برخی نهادهای مشخص دیگر ملل متحد در رابطه به حقوق زنان شامل نهادهای ذیل اند:

۱. کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یا (CEDAW): کمیسیون مقام زن: یکی از نهادهای ناظر بر وضعیت زنان و اولین نهاد ایست که توسط شورای اقتصادی، اجتماعی ملل متحد در سال ۱۹۴۶ تشکیل شده است. ۲. نهاد زنان ملل متحد: این نهاد به عنوان نهاد اصلی ملل متحد برای تساوی جنسیتی و توانمند سازی زنان شناخته می شود. ۳. کنفرانس های مهم جهانی ملل متحد در مورد زنان: کنفرانس اول: ۱۹۷۵، مکزیکو سیتی که ضمن آن سال های ۱۹۷۶-۱۹۸۵ را به نام دهه زنان نام گذاری و صندوق کمک به زنان ایجاد شد. کنفرانس دوم در ۱۹۸۰ در کپنهاگن برای تضمین مالکیت زنان و کنترل اموال، ارث، سرپرستی کودک و تابعیت تدویر یافت. کنفرانس سوم در سال ۱۹۸۵ در نایروبی پیرامون ارزیابی دهه زنان ملل متحد، تساوی، توسعه و صلح دایر گردید و صندوق کمک به زنان را به صندوق توسعه زنان و برنامه های جهانی برای زنان ارتقاء داد. چهارمین کنفرانس بین المللی زنان در سال ۱۹۹۵ در پکنینگ انعقاد یافت که روی مسأله شناسایی ضرورت تغییر تمرکز از زنان روی مفهوم جنسیت بود و تقاضای ارزیابی مجدد روابط میان زنان و مردان را نمود. ۴. ضمانت های اجرایی ملل متحد برای حمایت از حقوق زنان: بررسی گزارش ادواری جهانی شورای حقوق بشر که در هر دوره چهارساله کار کردهای کشورهای عضو را در زمینه حقوق بشر مورد بررسی قرار می دهد یکی از مهم ترین فرصت هایست که چگونگی برخورد دولت ها را با مسائل زنان مرور نموده سفارشات لازم را برای دول عضو صادر می کند. افغانستان تا حال سه دوره از گزارش های ادواری را به شورای حقوق بشر ارائه نموده که گزارش اخیر آن به تاریخ ۲۱ جنوری سال جاری ۲۰۱۹ به این شورا ارائه کرده است.

قطعهنامه ۱۳۲۵ یکی از دست آوردهای عمده بین‌المللی زنان و نیز یکی از اسناد نهایت‌الهام بخش شورای امنیت ملل متحد شمرده می‌شود. از مجموع حدود بیش از ۲۲۰۰ قطعهنامه که طی ۷ دهه گذشته در شورای امنیت به تصویب رسیده است، قطعهنامه ۱۳۲۵ نسبت به همه آنها بیشتر معروف بوده و برای نهادینه سازی جایگاه زنان در صلح، امنیت و اداره به یک ابزار قوی آن مبدل گردیده است. وظیفه گزارش دهی از تطبیق قطعهنامه به عهده وزارت خارجه دولت جمهوری اسلامی افغانستان گذاشته شده است.

در این مورد در نتایج تحلیل کمی و کیفی می‌بینیم که: شاخص نظارت از طریق نهادهای داخلی و بین‌المللی و گزارش از تطبیق مفاد قطعهنامه اوسط نمرات میانگین آن ۳/۵۵ بدست آمد که با دقت بر نتایج تحلیل کمی و کیفی تحقیق انجام شده نتیجه بر می‌آید که این شاخص مورد تأیید قرار گرفته است، نشان دهنده همخوانی و همسویی با مبانی نظری و یافته‌های کمی و کیفی می‌باشد. پس از بررسی اطلاعات در این تحقیق همسویی و همخوانی و تفاوت‌ها میان آنها مشخص گردید که تلاش برای بهبود مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه در پیوند با قطعهنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد، برنامه ریزی‌ها صورت گرفته است، پیشرفت‌هایی هم طی این سال‌های اخیر بدست آمده است اما هنوز چالش‌ها و موانع زیادی برای تطبیق واقعی و کلی مؤلفه‌های برنامه عمل و قطعهنامه ۱۳۲۵ وجود دارد، اگر سال‌های بعد در صورتیکه کار و تلاش جدی صورت گیرد نتیجه بهتری خواهد داد. بنابر این برای جلوگیری از ایجاد بحران و به ویژه مقابله با مشکلات موجود و از بین رفتن فرصت‌ها برای زنان برنامه ریزی در زمینه تطبیق بهتر و متناسب به نیازمندی‌های زنان جهت تطبیق شاخص‌های برنامه عمل و قطعهنامه ۱۳۲۵ ضروری است.

نتیجه‌گیری

از یافته‌های این تحقیق بر می‌آید که برای پیشرفت زنان در افغانستان در حال بحران و منازعه و نگران از پی آمدهای صلح و مصالحه، تطبیق برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵ لازمه‌ی اساسی رشد و پیشرفت آنهاست، در جهت تحقق مشارکت سیاسی- اجتماعی و مدنی زنان باید در کنار طرح، تعدیل و تصویب استراتژی‌ها، قوانین و پالیسی‌ها، برنامه‌های عملی لازم با رویکرد دقیق و متناسب توجه لازم صورت گیرد.

با توجه بر این اصل که مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه، از عمده ترین مباحث اجتماعی به ویژه در کشورهای روبه انکشاف، درگیر منازعات و جوامع ایکه در آنجا سنن، تعاملات و عرف‌های محلی یا توجیهات تاریک اندیشانه دینی حاکم است، دانسته می‌شود، تحقیقی که در دسترس قرار دارد، به هدف مطالعه چگونگی تطبیق مفاد قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون زنان، صلح و امنیت در افغانستان، در پرتو برنامه عمل دولت جمهوری اسلامی افغانستان و چالش‌های فراراه تطبیق آن با در نظر داشت شرایط موجود در سه سال اخیر انجام شده است تا به وسیله این تحقیق چگونگی مؤثریت طرح و تطبیق برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵ بررسی گردد.

این تحقیق از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و آینده نگر، از نظر ماهیت و روش تحقیق یک تحقیق تبیینی از نوع تحلیل محتوا، از نظر مکان تحقیقی میدانی و از نظر تحلیل داده‌ها تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) است. جامعه مورد مطالعه این تحقیق را فعالین مدنی، فعالین حوزه صلح و زنان تشکیل میدهد.

جمعیت آماری این تحقیق را صد ها تن از فعالین مدنی، صلح و حقوق زنان تشکیل میدهد که از آن میان حدود یک صد و ده تن از فعالین شناخته شده حوزه مطالعات و دادخواهی برای مشارکت زنان به اساس روش تحقیق هدفمند از قبل مورد شناسایی قرار گرفت و با تماس، ارسال و توزیع پرسشنامه‌های حاوی (۳۵) سوال بسته و سه پرسش باز در مورد تطبیق برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵ از آنها استمداد جسته شد، از آن میان از ۱۰۱ تن پرسش نامه‌ها جمع آوری گردید.

از ۹ پرسشنامه دیگر که سه آن شامل ۲۵ پرسشنامه ارسال شده توسط ایمیل برای نخبه‌گان عرصه دادخواهی حقوق زنان بود، سه تماس تلفونی معذرت‌خواهی در حالی دریافت شد که همه پرسشنامه‌های دیگر مواصلت ورزیده بودند و تماس گیرندگان از اینکه ایمیل‌ها در صندوق پست الکتریکی جنک آنها مواصلت ورزیده بود و ایشان نتوانسته بودند به موقع آن را ببینند معذرت‌خواهی نمودند، ۲ پرسشنامه دیگر نیز وقتی به دسترس قرار گرفت که جمع‌بندی و تحلیل داده‌ها از طریق ابزار SPSS تکمیل شده بود و به هیچ وجه درج معلومات اضافی ممکن نبود ولی یافته‌های سوالات باز و پاسخ‌گزینه‌های هردو پرسش‌نامه با اکثر پاسخ‌های دیگر مصاحبه‌شوندگان همخوانی داشت و در تحلیل کیفی سوالات از آن استفاده به عمل آمد. متأسفانه از ۴ پرسشنامه دیگر نیز که شامل پرسشنامه‌های ایمیل شده به نخبه‌گان سیاسی و اجتماعی حقوق زنان بود، هیچ پاسخی دریافت نگردید. قابل‌یادآوری می‌دانم که هر چهار شخص مورد نظر از جمله کسانی بودند که در این اواخر در پست‌های بلند دولتی گماشته شده‌اند و شاید آنها اکنون باور پیدا کرده باشند که کارهای دادخواهانه برای زنان در مغایرت با کارهای دولتی شان قرار دارد و از اینرو احتمالاً از ابراز نظر و پاسخ‌دهی‌ایا ورزیده‌اند که به هیچ وجه قابل توجیه برای محقق نمی‌باشد. در این تحقیق ابتدا کلیات در زمینه مشارکت سیاسی- اجتماعی و مدنی زنان در پرتو قوانین ملی، و اسناد بین‌المللی، سروی‌های مهم، مواد قطعنامه و برنامه عمل مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه به بررسی و تجزیه و تحلیل کمی و کیفی پرداخته شد و نتیجه کلی تحقیق مطالعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه در پیوند با قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد صورت گرفت.

تحقیق حاضر سعی بر شناساندن ابعاد مختلف قطعنامه ۱۳۲۵ و مؤلفه‌های برنامه عمل و مسائل که از نظر پنهان بوده‌اند این اهداف را دنبال کرده است:

- دریافت عوامل مؤثر بر تحقق اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ ملل متحد و برنامه عمل در ۳ سال اخیر؛
- دریافت تأثیر گذاری اقدامات دولت مطابق قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل بر میزان پیشرفت زنان در سه سال اخیر؛

- دریافت جنبه‌های ارتقای مشارکت اجتماعی، سیاسی و مدنی زنان در تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵؛
- دریافت جنبه‌های ارتقای مشارکت زنان در پروسه صلح بر مبنای تصویب برنامه عمل دولت و قطعنامه ۱۳۲۵؛
- دریافت جنبه‌های از تطبیق برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ در زمینه تأمین امنیت زنان در مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها؛
- دریافت فعالیت نهادهای نظارت کننده و گزارش دهنده از تطبیق مفاد قطعنامه.

در زمینه‌های فوق دریافت گردید که طی سه سال اخیر تلاش برای تطبیق مؤلفه‌های برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵ صورت گرفته است اما آنچنان که باید برنامه‌های وزارت ها و نهادهای حکومتی در پرتو حکومت‌داری خوب برای تطبیق این قطعنامه و برنامه عمل پیش می‌رفت انجام نشده است. به نظر می‌رسد در صورتیکه با جدیت، تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتر برای تحقق مفاد برنامه عمل مانند (صلح، امنیت، تصمیم‌گیری، خدمات ملکی، ادغام مجدد، انتخابات، حضور اجتماعی زنان) کارها انسجام بهتر یابد، تطبیق برنامه‌ها در آینده به موفقیت‌های بیشتر نایل خواهد گردید. یکی از مؤثرترین عوامل در تحقق برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵ ضرورت حمایت حکومت از فعالیت‌های فعالین سیاسی، مدنی و حقوق زنان و ایجاد فضای لازم توسعه کار آنها است. در اخیر این تحقیق دریافت گردید که علی‌الرغم سهمگیری فعال نهادهای مدنی، فعالین زنان، صلح و امنیت منحص همکاران دولت در تحقق پلان عمل، سطح آگاهی این طیف‌های مدنی از محتوای برنامه عمل، قطعنامه ۱۳۲۵ و سایر ساز و کارهای ملل متحد در زمینه به آن گونه که توقع می‌رفت کامل نبوده مستلزم آنست تا کارهای لازم در زمینه ارتقای سطح آگاهی و دانش آنها صورت گیرد.

مطالعات نشان داده است که در بسیاری از جوامع در حال توسعه مثل افغانستان مشارکت به خودی خود مطرح نبوده بلکه معمولاً تحت تأثیر تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌ها ی آنان بوده و وسیله ای برای رسیدن به هدف شمرده می‌شود و این در حالیست که در روند توسعه مشارکت خود یک هدف است.

باید گفت که ارتقاء ظرفیت و توانایی افراد جامعه در جهت تحقق مشارکت نهایت مهم و ارزنده است در غیر آن دستیابی به اهداف و رسالت حکومت برای تحقق مشارکت زنان محکوم به فنا خواهد بود. چنین به نظر رسید که اراده سیاسی در سطح رهبری حکومت و دولت افغانستان از طریق مرور، تعدیل، تصویب، ابداع استراتژی‌ها و پالیسی‌های ملی در زمینه ارتقای مشارکت زنان در پرتو تعهدات بین‌المللی آن وجود داشته است اما موجودیت ضعف مدیریت، رهبری، انسجام و سمت و سو دادن همه ابزارهای معنوی فوق، مهم ارزیابی می‌گردد که باید با یک رویکرد عمل‌گرایانه و با در نظر داشت چالش‌های فرهنگی و امنیتی روز افزون در کشور در نظر گرفته شود. همچنان دریافت شد که یک نا همگونی زیاد در زمینه صرف هزینه‌ها و بازده مؤثر در عرصه مشارکت زنان در سه سال اخیر به نظر می‌رسد که مایه نگرانی برای فعالین مدنی و نهادهای ناظر در زمینه محسوب می‌گردد.

در نتیجه می‌توان گفت که این تحقیق یک مسیر جدید را برای تحقیقات بعدی باز می‌کند و از این طریق طی سال‌های آینده شاهد تطبیق همه جانبه برنامه عمل و قطعنامه ۱۳۲۵ در زمینه مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در افغانستان خواهیم بود.

پیشنهادها

مطالعه مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه به این دلیل مهم است که زنان قادر باشند تا در کنار مردان با سهم گیری در امور مختلف حیات اجتماعی اعم از سیاست، امنیت، اقتصاد، آموزش و پرورش، اداره و غیره، در پیشرفت و توسعه جوامع ایکه در آن زندگی می کنند آزادانه در چوکات قانون نقش ایفا نمایند، علی الرغم پیشرفت هایی قابل ملاحظه در سالیان پسین، مستلزم مطالعه، آسیب شناسی و اقدامات لازم ایست تا از بهبود، استمرار و پیشرفت های لازم در آینده اطمینان دهد. بنابر این در مورد تحقیق انجام یافته برای اولیای امور چنین پیشنهادها ارائه می گردد:

۱. در مورد اقدامات دولت مطابق قطعنامه ۱۳۲۵ و برنامه عمل بر میزان پیشرفت زنان در سه سال اخیر پیشنهاد می شود که:
 - طرح و اجرای برنامه های حمایتی؛
 - استقامت دهی و ارزش دهی به نقش آمریت های جندر در ادارات دولتی؛
 - استقامت دهی ادارات دولتی برای ارایه طرح های عملی افزایش مشارکت زنان؛
 - نظارت از کار کردهای حکومت در عرصه مشارکت زنان؛
 - ارایه گزارش های دقیق و همه جانبه؛
 - جمع آوری نظرات زنان؛
 - جلوگیری از تعصب و تبعیض؛
 - شناسایی زمینه ها و تشویق زنان در ولایت ها برای مشارکت به ویژه ولایات ایکه مشارکت زنان در آنها در سطح پائین قرار دارد؛

۲. پیرامون تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ بر ارتقای مشارکت اجتماعی، سیاسی و مدنی زنان پیشنهاد میکنم که موارد ذیل در نظر گرفته شود:

- از حضور چهره‌های نمایی در پوست‌های کلیدی جلوگیری گردد؛
 - برای زنان تحصیل کرده داخلی فرصت‌های لازم مساعد گردد؛
 - آمار زنان تحصیل کرده جمع آوری گردد؛
 - از زنان در فعالیتهای مدنی، سیاسی و اجتماعی حمایت‌های مالی و حقوقی صورت گیرد؛
 - فعالیتهای مدنی زنان مورد تشویق و حمایت قرار گیرد؛
 - در فعالیتهای اجتماعی امنیت زنان تأمین گردد؛
 - در استخدام کارکنان برای زنان اولویت داده شود؛
 - شغل‌ها به وظایف زنانه و مردانه از نظر مدیریتی تقسیم نگردد.
۳. در مورد تصویب برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ برای ارتقای مشارکت زنان در پروسه صلح پیشنهاد میکنم که:
- مشارکت نمایی زنان به مشارکت واقعی در این روند مبدل گردد؛
 - زنان در شورای عالی صلح بر حسب تخصص و فعالیت شان انتخاب گردند؛
 - در پروسه صلح، زنان با زنان گروه‌های مخالف نشست و گفتگو داشته باشند؛
 - در مورد مواد قطعنامه و مفاد برنامه عمل در پیوند به صلح برای زنان آگاهی دهی صورت گیرد؛
 - حکومت زمینه مشارکت زنان را در گفتگوهای صلح فراهم سازد؛
 - امنیت فعالین صلح از طرف حکومت تأمین گردد.

۴. در مورد تطبیق برنامه عمل دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ در زمینه تأمین امنیت زنان در مشارکت سیاسی و اجتماعی همچنان پیشنهاد میکنم:

- امنیت روانی و فیزیکی زنان برای مشارکت آنها تأمین گردد؛

- نهادهای مدنی برای امنیت زنان داد خواهی نمایند.

۵. در زمینه موجودیت نهادهای لازم برای نظارت و گزارش از تطبیق مفاد قطعنامه پیشنهاد می نمایم که:

- در مورد نهادهای نظارت کننده برای فعالین این عرصه آگاهی دهی گردد؛

- نظارت دقیق و همه جانبه صورت گیرد؛

- نتیجه نظارت با رسانه ها و مردم شریک ساخته شود؛

- نظارت کننده ها مهارت نظارت کردن را داشته باشند؛

- برای کاهش حس بد بینی مردم در مورد هزینه های جامعه جهانی در زمینه مشارکت زنان باید گزارش های ادواری ارایه گردد.

۶. ضرور است تا زمان بیشتر برای انجام تحقیق دوره ماستری جندر و مطالعات زنان در نظر گرفته شود. اختصاص سمستر اخیر به طور کامل برای تحقیق میتواند این مأمول را رفع کند؛

۷. نیاز است تا به ادارات و نهادهای ذیربط انگیزه داده شود تا از تحقیقات انجام شده حاصلین برنامه ماستری جندر و مطالعات زنان در طرح پالیسی ها و استراتژی های شان استفاده نمایند؛

۸. عدم شفافیت و میزان بلند هزینه های صرف شده در پروگرام ها و برنامه های مشارکت زنان توسط موسسات و نهادهای ملی و بین المللی، مستلزم تحقیقات خاص در ساحات مشخص این برنامه های انجام شده یا تحت کار می باشد؛

۹. ضرورت تقویت فرهنگ پاسخ دهی به موقع برای پرسش نامه ها و مصاحبه های تحقیق به ویژه در مصاحبه ها و ارسال سوالات از طریق ایمیل؛

۱۰. نیاز است تا برای نشر رسالات تحقیقی معتبر محصلین ماستری جندر که ارزش چاپ و تکثیر را به اساس فیصلهٔ مورد محترم ماستری داشته باشند، جهت استفاده محصلین دوره‌های بعدی و نهادهای ذیربط اقدام شود؛

۱۱. نیاز به توجه بیشتر در تدریس مضمون روش تحقیق در علوم اجتماعی بر علاوه آگاه سازی محصلین از جوانب تخنیکی موضوع چون به کار گیری برنامه‌های SPSS و غیره؛

۱۲. ضرورت ایجاد شبکهٔ تماس و همکاری فارغان ماستری جندر و مطالعات زنان برای به هم رسانی معلومات، سهم گیری در دادخواهی ها و انجام پژوهش‌های علمی؛

۱۳. تقویت حضور لکچر دهندگان متجرب مهمان، از نهادهای ملی و بین‌المللی در برنامه ماستری جندر؛

منابع و مأخذ

کتب:

- قرآن کریم

- آبوت، پاملا و والاس، کلر، (۱۳۹۳). جامعه شناسی زنان، چاپ یازدهم، تهران: چاپ اکسیر.

- بی، آرل، (۱۳۹۰). روش های تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ هفتم، قم: چاپ یاران.

- بعیدی نژاد و دیگران، (۱۳۸۴). تحول در ساختار نظام ملل متحد، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- بهشتی، محمد، (۱۳۷۲). فرهنگ صبا فارسی، تهران: انتشارات صبا.

- توحیدی، احمد رضا، (۱۳۹۳). حقوق سازمان های بین المللی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- حقایق اساسی در باره سازمان ملل متحد، (۱۳۸۴). چاپ اول، تهران: مرکز اطلاعات ملل متحد.

- حکمت، محمد آصف، (۱۳۹۰). زنان در افغانستان فرصت ها، چالش ها راهکار ها، چاپ اول، قم: نشر المصطفی.

- خسروی و دیگران، (۱۳۹۵). حکومت داری خوب، چاپ اول، هرات: انتشارات نقره یی.

- رامزپور، محمد ابوالاحرار، (۱۳۷۱). گزیده های از اسناد بین المللی حقوق بشر، افغانستان: چاپ موسسه NPCA.

- رامزی و دیگران، (۱۳۹۶). رهنمود انتخاباتی برای کاندان جوان، چاپ اول، کابل: نشرات گروپ تماس.

- رضا میرابی، وحید، (۱۳۹۱). مدیریت (مبانی و استراتژی)، چاپ ششم، تهران: انتشارات شهر آشوب.
- رضایی، اسدالله، (۱۳۹۴). مشارکت زنان افغانستان در عرصه‌های اجتماعی، چاپ اول، کابل: انتشارات عرفان.
- رضایی، صدیقه، (۱۳۹۵). زنان افغانستان؛ مشارکت، توسعه، چاپ دوم، کابل: انتشارات خراسان قدیم.
- رضایی، صدیقه، (۱۳۹۵). آسیب شناسی اجتماعی زنان افغانستان، چاپ دوم، کابل، انتشارات خراسان قدیم.
- رضائیان، علی، (۱۳۹۱). اصول مدیریت، چاپ بیست و سوم، تهران: انتشارات اوقاف.
- السادات الزاهدی، شمس، (۱۳۸۶). زن و توسعه، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سروری، خلیل الرحمن، (۱۳۹۷). روش‌های تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، کابل: انتشارات سعید.
- سیستانی، محمد اعظم، (۲۰۱۳). وضع حقوقی زنان افغان از عهد امانی تا عهد کرزی، کابل: موسسه انتشارات دانش.
- شریفی، علی رضا، (۱۳۹۵). اصول روابط بین‌الملل، چاپ اول، کابل: مطبعه کاروان.
- شمس الدین، محمد مهدی، (۱۳۸۵). زن در سیاست و اجتماع، چاپ اول، کابل: مطبعه بلخ.
- صیقل، امین، (۱۳۹۴). افغانستان معاصرتاریخ مبارزات و بقای یک ملت، کابل: انتشارات سعید.
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا، (۱۳۸۸). حقوق معاهدات بین‌المللی، چاپ چهارم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

- طلوعی، محمود، (۱۳۷۷). فرهنگ جامع سیاسی، چاپ دوم، تهران: چاپ خانه حیدری.
- عظیمی، محمد نعیم، (۱۳۹۶). روش تحقیق اقتصاد و تجارت، چاپ اول، کابل: انتشارات سعید.
- فاشنبرگ، اندریا و باری، فرزانه، (۱۳۹۵). پایان پدر سالاریک تحقیق پیرامون مشارکت سیاسی، کابل: چاپ نشاط گرافیک.
- فرهنگ پایه اکسفورد، (۱۳۹۳).
- فرهنگ، میر محمد صدیق، (۱۳۷۴). افغانستان در پنج قرن اخیر، چاپ دوم، قم: انتشارات محمد وفائی.
- فرید، شهلا، (۱۳۸۴). جندر و حقوق، کابل: مطبعه کمیسیون مستقل حقوق بشر.
- قرضاوی، یوسف، (۱۳۸۹). دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، تهران: نشر احسان.
- محمدی اصل، عباس، (۱۳۸۲). جنسیت و مشارکت، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- مشارکت زنان در روند صلح، (۱۳۹۴). چاپ اول، کابل: نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال.
- ملکزاده، فهیمه، (۱۳۹۲). تأثیر جنسی بر اشتغال زنان، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- موسی زاده، رضا، (۱۳۹۳). بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- میر عرب و سجادی، (۱۳۷۹). نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت، مقاله پژوهشی، منبع: علوم سیاسی.

- میرزایی، خلیل، (۱۳۹۰). طرح و پایان نامه نویسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات جامعه شناسی.
- نظیری، شیرین، (۱۳۹۲). حقوق زن در گذر تاریخ، چاپ اول، کابل: انتشارات سعید.
- وارسته، حمید، (۱۳۸۶). فرهنگ جامع حقوقی، چاپ اول، تهران: انتشارات سپهر.
- یوسفی و دیگران، (۱۳۹۲). جوانان در فرایند گذار، چاپ اول، کابل: انتشارات موسسه حقوق بشر و محو خشونت.

پالیسی ها، استراتژی ها، احصائیه ها و گزارش ها:

- استراتژی انکشاف ملی افغانستان، (۱۳۸۷-۱۳۹۱).
- بخش زنان ملل متحد، (۲۰۱۷). مطالعه هزینه ها و برنامه ها برای تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ و پلان عمل.
- پالیسی کمیسیون مستقل اصلاحات إداري پیرامون افزایش مشارکت زنان در خدمات ملکی، (۱۳۹۶).
- پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (NAPWA) (۱۳۸۷-۱۳۹۷)، وزارت امور زنان.
- سالنامه احصائیه مرکزی، (۱۳۹۷).
- سروی مردم افغانستان، (۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸). کابل: انتشارات بنیاد اسیا.
- سند بودجه ملی، (۱۳۹۵-۱۳۹۷).
- سند ملی انکشاف پایدار افغانستان، (۲۰۱۶).
- گزارش ادواری جهانی افغانستان به شورای حقوق بشر ملل متحد، (۲۰۱۸).
- گزارش دوم از تطبیق پلان عمل ملی قطعنامه (۲۰۱۸)، کابل: چاپ کرسطل پریس گروپ.

- گزارش نظارت از تطبیق برنامه عمل ۱۳۲۵ موسسه مطالعات عامه افغانستان، (۲۰۱۸).
- گزارش وضعیت زنان و مردان افغانستان، (۱۳۹۵). انتشارات اداره احصائیه مرکزی.
- مطالعه جهانی تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵، (۲۰۱۵).

مقالات علمی:

- اسکات، تایلور، (۲۰۰۸). بدست آوردن تاریخ درست ما: چگونه تساوی حقوق زنان و مردان در منشور ملل متحد شامل گردید، مقاله پژوهشی
- مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، فرصت ها، چالش ها و راهکارها (۱۳۸۹)، چاپ اول، قم: نشر المصطفی.
- رامزپور، محمد ابوالاحرار، (۱۳۹۷). درآمدی به حق کار زنان در اسلام، قوانین ملی، میثاق های بین المللی حقوق بشر و چالش های فرا راه آن در جامعه سنتی افغانستان، برنامه ماستری جندر و مطالعات زنان.
- اسناد حقوقی ملی و بین المللی:
- اعلامیه جهانی حقوق بشر، (۱۹۴۸).
- قانون اساسی افغانستان، (۱۳۸۳). شماره فوق العاده، جریده رسمی، شماره ۸۱۸.
- قانون انتخابات، (۱۳۹۵). جریده رسمی شماره ۱۲۲۶.
- قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد.
- کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان، (۱۹۷۹).

منابع اینترنتی ترجمه شده

۱. <http://www.un.org>.
۲. <http://www.un.org>.
۳. <http://www.unwomen.org>
۴. <https://acuns.org>
۵. <https://www.ohchr.org>.
۶. <https://www.ohchr.org>.
۷. <https://www.peacewomen.org>.

منابع اینترنتی دری

۱. <http://appro.org.af>.
۲. <http://ensani.ir>
۳. <http://mof.gov.af>.
۴. <http://old.acsf.af>.
۵. <http://www.un.org>.
۶. <http://www.unwomen.org>
۷. <http://www.un.org>
۸. <https://acuns.org>
۹. <https://asiafoundation.org>.
۱۰. <https://www.darivova.com>.
۱۱. <https://www.ohchr.org>.
۱۲. <https://www.peacewomen.org>.
۱۳. <https://www.ohchr.org>.

پرسش نامه

ضمایم

ضمیمه شماره: ۱

شماره پرسشنامه ()

مطالعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه دریوند به
قطعه نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد

در آمد مختصر بر موضوع تحقیق:

در ۳۱ اکتوبر سال ۲۰۰۰ میلادی، کشورهای جهان با تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد، واردگشایش صفحه جدیدی در ضرورت رویکرد دولت ها نسبت به مسئله زنان گردیدند. این قطعنامه دولت های عضو ملل متحد را ملزم ساخت تا با اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم در سطح ملی زمینه های افزایش مشارکت و سهم گیری زنان را در عرصه های سیاسی و اجتماعی مانند پروسه های صلح و سکتور امنیتی گسترش داده و در محافظت آنها با پیش گیری از منازعات و خشونت و فراهم آوری خدمات رفاه توجه لازم مبذول دارند.

دولت افغانستان به مثابه عضو فعال ملل متحد جهت تحقق بهتر قطعنامه مذکور، با طرح برنامه عمل ملی (زنان، صلح و امنیت) در سال ۲۰۱۵، در همکاری نزدیک با نهادهای جامعه مدنی و مدافعین حقوق زنان، گام های لازم را در زمینه، پی ریزی و برخی از آنها را تا حال عملی نموده است. این پلان ملی سند پالیسی حکومت جهت تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده و برای سال های ۲۰۱۵-۲۰۲۲ طرح گردیده است.

پاسخ دهنده محترم/ محترمه

از شما احترامانه و صمیمانه خواهشمندم تا با ارایه پاسخ‌های لازم و صادقانه به سؤالات مطروحه ذیل همکاری نموده به غنای رساله تحقیقی که تدوین می‌گردد بیفزایید. پاسخ‌های ارایه شده شما کاملاً محرم و محفوظ بوده و نیاز به ذکر نام، امضاء و شماره تماس شما هم وجود ندارد. قبلاً از همکاری شما اظهار سپاس می‌نمایم. در صورت خانه پری در کمپیوتر لطفاً علامت X را در برابر خانه خالی مطلوب بگذارید. مشخصات پاسخ دهنده:

جنس	۱. زن ☐	۲. مرد ☐
سطح تحصیل پاسخ دهنده	۱. ۱۲ پاس ☐ ۲. ۱۴ پاس ☐ ۳. لیسانس ☐ ۴. ماستر ☐ ۵. داکتر ☐	
نوع فعالیت مدنی:	۱. فعال صلح ☐ ۲. فعال مدنی ☐ ۳. فعال حقوق زنان ☐	
مدت فعالیت مدنی:	۱. ۱ تا ۴ سال ☐ ۲. ۵ تا ۸ سال ☐ ۳. ۹ تا بیشتر از ۱۲ سال ☐	

مطالعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان در جامعه دریوندبه
قطعه نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد

ردیف	سوال	نیم (۱)	نیم (۲)	نیم (۳)	زیر (۴)	پس (۵)	کود
1	دولت افغانستان برای تحقق قطعه نامه ۱۳۲۵ ملل متحد جهت ارتقای سطح مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در ۳ سال اخیر اقدامات لازم را انجام داده است.						
2	قطعه نامه ۱۳۲۵ بر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان افغان تاثیر گذاری داشته است.						
3	برنامه عمل دولت ج. ا. ا برای تحقق اهداف قطعه نامه ۱۳۲۵ اجرایی شده است.						
4	دولت ج. ا. ا در سه سال اخیر از مشارکت سیاسی زنان حمایت کرده است.						
5	دستاوردهای زنان در عرصه مشارکت اجتماعی شان در سه سال اخیر چگونه بوده است.						
6	زنان در سه سال اخیر در سطوح تصمیم گیری نقش داشته اند.						
7	مشارکت فعال زنان در عرصه خدمات ملکی در سه سال اخیر فراهم بوده است.						
8	زمینه مشارکت فعال زنان در ارگان های امنیتی در سه سال اخیر فراهم بوده است.						
9	زمینه مشارکت فعال زنان در پروسه صلح در سه سال اخیر مهیا شده است.						
10	زنان در پروسه ادغام مجدد سهم داشته اند.						

						در راستای تحقق برنامه عمل نهادهای مدنی منحيث همکار دولت نقش ایفا کرده اند.	11
						روحیه همکاری جمعی در دولت برای تطبیق برنامه عمل جهت رسیدن به اهداف قطعنامه ۱۳۲۵ وجود داشته است.	12
						تشریک مساعی بین دولت و فعالان مدنی برای تحقق برنامه عمل وجود داشته است.	13
						تشریک مساعی بین دولت و فعالان صلح برای تحقق برنامه عمل وجود داشته است.	14
						تشریک مساعی بین دولت و مدافعان حقوق زن برای تحقق برنامه عمل وجود داشته است.	15
						تصویب و تطبیق قوانین ملی، تحقق برنامه عمل را تسهیل نموده است.	16
						تصویب و تطبیق پالیسی‌های ملی تحقق برنامه عمل را تسهیل نموده است.	17
						نهادهای ناظر بر تطبیق برنامه عمل نقش نظارتی خود را ایفا نموده اند.	18

ردیف	سوال	بسیار کم (۱)	کم (۲)	تنا حدودی (۳)	زیاد (۴)	بسیار زیاد (۵)	کود
19	مطابق برنامه عمل د. ج. ا. ا برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵، زنان در تدوین وساخت استراتژی های صلح و امنیت نقش داشته اند.						
20	زنان در انتخابات مشارکت داشته اند.						
21	برای تحقق اهداف برنامه عمل د. ج. ا. ا بودجه مورد نظر مکفی بوده است.						
22	تطبيق برنامه عمل در حیات اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه افغانستان تاثیر داشته است.						
23	فرهنگ حاکم مرد سالاری بر چگونگی میزان مشارکت زنان تاثیر داشته است.						
24	خشونت های فامیلی بر چگونگی میزان مشارکت اجتماعی زنان تاثیر داشته است.						
25	موجودیت آزار و اذیت خیابانی بر چگونگی میزان مشارکت زنان تاثیر داشته است.						
26	موجودیت عرف ها و سنت های حاکم بر چگونگی میزان مشارکت زنان تاثیر داشته است.						
27	تداوم جنگ و نا امنی بر چگونگی میزان مشارکت زنان تاثیر داشته است.						
28	به رسمیت شناختن قطعنامه ۱۳۲۵ توسط مخالفان در توافق صلح می تواند مشارکت زنان را تضمین کند.						
29	تهدیدات بر علیه فعالین مدنی و حقوق زنان، مشارکت زنان را با چالش مواجه می سازد.						
30	قتل های هدفمند زنان فعال و کارمند دولت بر میزان مشارکت زنان تاثیر می کند.						

						31	عدم شفافیت در پروسه انتخابات بر میزان مشارکت زنان تأثیر می‌کند.
						32	خویش خوری و واسطه پروری در استخدام کارمندان بر مشارکت زنان تأثیر داشته است.
						33	تعلیمات مدنی و آگاهی عامه بر میزان مشارکت زنان در سیاست و اجتماع اثر گذاری داشته است.
						34	موانع در برابر تطبیق اهداف قطعنامه و برنامه عمل در افغانستان وجود داشته است.
						35	شرکای بین‌المللی د. ج. ا. از اقدامات دولت برای تحقق قطعنامه ۱۳۲۵ رضایت داشته اند.

ضمیمه شماره: ۲ - (قطعنامه)

قطعنامه (۱۳۲۵)، که در نشست ۴۲۱۳ - مورخ ۳۱ اکتوبر سال ۲۰۰۰ شورای امنیت صادر گردیده است.

شورای امنیت، بتاسی از قطعنامه‌های ۱۲۶۱ (۱۹۹۹) مورخ ۲۵ اگست سال ۱۹۹۹، ۱۲۶۱ (۱۹۹۹) مورخ ۱۷ سپتامبر - ۱۹۹۹ (۲۰۰۰) مورخ ۱۹ اپریل سال ۲۰۰۰ و ۱۳۱۴ (۲۰۰۲) مورخ ۱۱ اگست سال ۲۰۰۰ و همچنان اعلامیه‌های ذیربط رییس شورای امنیت و بتاسی از اعلامیه مطبوعاتی رییس مورخ ۸ مارچ ۲۰۰۰ که به مناسبت سالروز تاسیس ملل متحد که به حقوق زنان و صلح جهانی (روز بین المللی زن) ۶۸۱۶/SC معطوف گردیده بود.

همچنان بتاسی از تعهداتی که در دیکلاریشن پیکن و پلاتفورم عمل، و همچنان تعهدات مندرج در اسناد نهانی اجلاس بیست و سوم اختصاصی اسامبله عمومی سازمان ملل متحد موسوم به زبان در سال ۲۰۰۰ مساوات میان مردان و زنان، توسعه و صلح در قرن ۲۱ ((Rev/۱۰/۲۳-A/S)) و به خصوص آن قسمتها که به زنان و منازعات مسلحانه ارتباط میگیرد، با در نظر داشت اهداف و اصول منشور سازمان ملل متحد و مسؤولیت اساسی شورای امنیت در رابطه به پشتیبانی از صلح و امنیت جهانی بر طبق منشورش، با ابراز تشویش درین زمینه که برخوردهای مسلحانه روی باشندگان ملکی، بشمول مهاجرین و بیجا شدگان اجباری، و بخصوص زنان و کودکان که اکثریت قاطع را در میان آنها تشکیل می دهند اثرات منفی گذاشته و اکثراً آنها نشانه تیر مبارزان و عناصر مسلح قرار می گیرند و همچنان با درک عواقب این امر برای صلح پای دار و مصالحه، باز هم با تأکید به نقش مهم زنان در امر جلوگیری از برخورد ها، عادی ساختن اوضاع و تأمین صلح و با بر جسته ساختن اصل عمده بودن اشتراک مساویانه و همه جانبه زنان در تلاش های که به خاطر تأمین صلح و مساعدت برای استحکام صلح و امنیت به عمل می آید و ضرورت تقویت نقش آنها در زمینه اتخاذ تصمیم در رابطه به جلوگیری از برخورد ها و عادی ساختن اوضاع بازهم با تأکید به ضرورت احترام کامل به حقوق بین المللی بشر و نورمهایی که در عرصه و حقوق بشر که مدافع حقوق زنان و دختران در حالات منازعات مسلحانه و بعد از آن می باشند.

به خاطر نشان دادن اختصاصی ضرورت تامین این امر که تمام جوانب در پروگرامهای ماین پاکی و ارایه اطلاعات در زمینه خطر ماین، تقاضاهای بخصوص زنان و دختران در نظر بگیرند، با پذیرفتن ضرورت ثبت دشواریهای «نوع جندری» در هنگام پیشبرد عملیات به خاطر حفظ صلح و به این ارتباط خاطر نشان کردن قطعنامه «ویندهوکس» و پلان نامیبیایی عمل بخاطر تامین ثبت دشواریهای «جندری» در زمان پیشبرد عملیات کثیر الا جوانب به خاطر پشتیبانی از صلح (S/2000/693) همچنان با پذیرفتن اصل مهم بودن ارایه پشتیبانی در زمینه تربیت اختصاصی تمام پرسونل حافظ صلح در رابطه به دفاع از تقاضاهای اختصاصی و حقوق بشر، زنان و کودکان در حالات جنگ که در اعلامیه رئیس شورا منتشره مورخ ۸ مارچ سال ۲۰۰۰ آمده است.

همچنان با پذیرفتن اینکه، درک اثر گذاری منازعات مسلحانه با لای زنان و موجودیت میکانیزمهای سازماندهی موثری که دفاع از آنان و اشتراک کامل آنها را در روند صلح تضمین نماید، می تواند به طور قابل ملاحظه زمینه حفظ صلح را مساعد بسازد و به امر استحکام صلح و امنیت جهانی مساعدت ورزد با خاطرنشان کردن تقاضا به ارقام موجز در رابطه به تاثیر منازعات مسلحانه بالای زنان و دختران.

۱. دولت های عضو اجداً فراهمی خواند تا اشتراک هر چه فعالتر زنان را در تمام سطوح اتخاذ تصمیم در چوکات انسستیتوت های ملی، منطقوی و جهانی و مکانیزمهای جلوگیری از جنگ و حل و فصل برخورد ها، تامین نماید.

۲. سر منشی را فرا می خواند تا پلان دورنمایی عمل (A/۵۸۷/۴۹) خویش را که در آن اشتراک فعال زنان در سطوح تصمیم گیرنده در امر عادی سازی اوضاع و پروسه صلح پیشنهاد می گردد در عمل تطبیق نماید.

۳. سر منشی را جدا فرا می خواند تا زنان را بیشتر در مقام های نمایندگان و رسولان خاص مقرر نمایند و آنها را از نام خود مامور اجرای خدمات نیک بسازد و در ین رابطه دولتهای عضو را فرا می خواند تا پیشنهادات خود را در مورد شامل ساختن کاندید ها در فهرستی که به طور منظم و متمرکز تجدید می گردد، به سر منشی ارایه نماید.

۴. سر منشی را باز هم جدا می خواند تا توسعه نقش و سهم زنان در چوکات عملیات ساحوی سازمان ملل متحد و به خصوص در میان ناظران نظامی، پرسونل ملکی پولیس، همکارها در قسمت حقوق بشر و پرسونل خدمات بشر دوستانه، حاصل گردد.

۵. آمادگی خود را اعلام می دارد تا دور نمای جندریک، در علمیات حافظ صلح شامل اند و سر منشی را جدا می خواند تا در جاهاییکه مناسب باشد شمولیت اجزای متشکله جندریک، را در عملیات ساحوی تامین نماید.

۶. از سر منشی خواسته می شود تا برای دولت های عضو رهنمودهای اداری در جهت آماده سازی و ارایه مواد مربوط به دفاع، حقوق و تقاضاهای اختصاصی زنان و همچنان در زمینه اهمیت جلب زنان در رابطه به تمام تدابیری که به خاطر حفظ و ساختمان صلح اتخاذ می گردد، ارایه شود به دولت های عضو پیشنهاد می نماید تا این عناصر و همچنان آماده سازی زمینه درک مسائل مربوط به ایدس را در برنامه های ملی آنها در مورد تربیت پرسونل نظامی و ملکی پولیس در آستانه پذیرش و تحقق آنها شامل بسازد و باز هم سر منشی خواسته می شود تا پرسونل برای ملکی حافظ صلح نیز چنین آموزش را تامین نماید.

۷. دولت های عضو را اکیداً فرا می خواند تا پشتیبانی داوطلبانه مالی، فنی و مادی خویش را از تلاش هائیکه به خاطر تربیت پرسونل با در نظر داشت جوانب جندریک، به شمول تلاش هائیکه از جانب فوند ها و برنامه ها منجمله فوند توسعهی ملل برای زنان و فوند کودکان سازمان ملل متحد و اداره کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان و سایر ارگان های مربوط صورت می گیرد.

۸. تمام چهره های فعال فرا خوانده می شوند تا در هنگام به توافق رساندن و تحقق موافقنامه های صلح، شیوه ای را به کار ببندند که جوانب جندریک و منجمله در قطار سایر مطالب مراتب آتی رعایت گردد.

الف: تقاضاهای اختصاصی زنان و دختران در جریان عودت و اسکان مجدد و همچنان تقاضاهای مربوط به احیا، مشی جدید مشارکت و عادی ساختن اوضاع بعد از منازعات.

ب: تدابیری که به خاطر پشتیبانی از ابتکارهای زنان در زمینه صلح و از روندهای حل و فصل منازعات و اشتراک زنان در عملکرد مکانیزم‌های تحقق پیمان‌های صلح، اتخاذ می‌گردند.

ج: تدابیری که دفاع و احترام به حقوق بشر زنان و دختران را تأمین می‌نماید و به خصوصی آنچه به قانون اساسی، سیستم انتخابات و عملکرد پولیس و ارگان‌های قضایی ارتباط می‌گردد.

۹. تمام جوانب فرا می‌خوانده می‌شود تا در منازعات مسلحانه، نورمهای حقوقی بین المللی را در زمینه حقوق زنان و دفاع از زنان و دختران به ویژه به مثابه شهروندان به طور کامل رعایت نمایند به خصوص تعهداتی که درین زمینه در میثاق‌های ژنیوا سال ۱۹۴۹ و پروتوکول‌های تکمیلی میثاق‌های سال ۱۹۷۷، میثاق‌های ۱۹۵۱ در مورد مهاجرین و پروتوکول سال ۱۹۶۷ مربوط به آن، میثاق سال ۱۹۷۹ در زمینه از بین بردن تمام اشکال تبعیض در رابطه به زنان و پر. توکول سال ۱۹۹۹ که رعایت آن داو طلبانه می‌باشد و میثاق‌های سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک و دو پروتوکول داو طلبانه مورخ ۲۵ ماه می سال ۲۰۰۰ را به طور کامل رعایت نمایند و موازین مربوط در اساسنامه روم محکمه جنایی بین المللی را در نظر بگیرند.

۱۰. تمام جوانب را فرا می‌خواند تا در منازعات مسلحانه جهت دفاع از زنان و دختران در برابر روابط جنسی اجباری و به خصوص در برابر تجاوز جنسی و سایر اشکال توهینات جنسی و سایر تمام اشکال تعمیل زور در حالات منازعات مسلحانه، تدابیر اختصاصی اتخاذ نماید

۱۱. به ویژه خاطر نشان می سازد که تمام دولت ها در برابر اینکه باید به بی قانونی خاتمه بخشیده شود، مسؤولیت دارند و آنهايي را که در رابطه همدستی به شمول جنایاتی که بر ضد بشریت صورت می گیرد و جنایت جنسی و اشکال دیگر تعمیل زور در مورد زنان و دختران، گناهکار اند تحت تعقیب عدلی قرار بدهند و درین رابطه به خصوص ضرورت تامین این امر که در حالاتی که ممکن باشد در مورد اینگونه جنایت موازی عفو عمل ننماید را برجسته می سازد.

۱۲. تمام جوانب در گیر در منازعات مسلحانه را فرا می خواند تا کرکتر ملکی و بشری اردوگاه ها و محلات تجمع پناهنجویان را محترم بشمرند و تقاضاهای اختصاصی زنان و دختران را منجمله در هنگام طرحریزی این در نظر محلات در نظر بگیرند و درین رابطه به قطعنامه های (۲۰۰۰) ۱۲۰۸ مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۸ و (۲۰۰۰) ۱۲۹۶ مورخ اپریل سال ۲۰۰۰ اشاره می نماید.

۱۳. آمادگی خود را اعلام می دارد که جوانب چندریک را در علمیات حفظ صلح در نظر بگیرد و سر منشی را اکیداً فرا می خواند تا اجزای متشکله جندر را در تمام علمیات ساحوی شامل سازد.

۱۴. آمادگی خود را تأیید می نماید تا در هر باریکه مطابق ماده ۱۴ منشور سازمان ملل متحد تدابیر اتخاذ گردد عواقب بالقوه آنها را برای اهالی ملکی با توجه به مطالبات اختصاصی زنان و دختران به خاطر در نظر گرفتن استثنا بشر دوستانه در نظر بگیرد.

۱۵. آمادگی خود را بیان می نماید که ماموریت های (میشن ها) شورای امنیت نظریات جندر و حقوق زنان را منجمله از طریق مشورت با گروه های مخلی و بین المللی زنان در نظر بگیرد.

۱۶. از سر منشی می خواهند تا در مورد اثر گذاری منازعات مسلحانه بالای زنان و دختران نقش زنان در ایجاد صلح و در مورد جوانب جندر روندهای صلح و تحت کنترول در آوردن منازعات تحقیقات صورت بگیرد و هم چنان از اوشان خواسته می شود تا بر اساس تحقیقات متذکره بیا نیه ها تهیه شده و به شورای امنیت ارایه و در دولت های عضو قرار داده شود.

۱۷. از سر منشی سازمان ملل متحد می خواهند تا در حالات مناسب در بیانیه های خویش برای شورای امنیت راجع به چگونگی تحقق تلاش هایکه به خاطر ثبت دشواری های جندر در هنگام اجرای ماموریت هایکه جهت حفظ صلح پیش برده می شود و همچنان راجع به سایر مطالب مربوط به زنان و دختران معلومات ارایه نماید.

۱۸. تصویب می نماید تا در آینده این موضوع فعالانه رویکار باشد.

ضمیمه شماره: ۳ - جدول های SPSS

جنسیت

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid زن	58	57.4	61.7	61.7
مرد	36	35.6	38.3	100.0
Total	94	93.1	100.0	
Missing	7	6.9		
System	101	100.0		
Total				

تحصيل

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid دوازده پاس	5	5.0	5.3	5.3
چهارده پاس	17	16.8	18.1	23.4
ليسانس	37	36.6	39.4	62.8
ماستر	34	33.7	36.2	98.9
دکتر	1	1.0	1.1	100.0
Total	94	93.1	100.0	
Missing	7	6.9		
System				
Total	101	100.0		

نوع فعالیت مدنی

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid فعال صلح	30	29.7	33.0	33.0
فعال مدنی	38	37.6	41.8	74.7
فعال حقوق	23	22.8	25.3	100.0
زنان	91	90.1	100.0	
Total	10	9.9		
Missing	101	100.0		
System				
Total				

مدت فعالیت مدنی

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid 1-4	32	31.7	36.8	36.8
5-8	26	25.7	29.9	66.7
9-12	29	28.7	33.3	100.0
Total	87	86.1	100.0	
Missing	14	13.9		
System Total	101	100.0		

سوال ۱

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	18	17.8	18.8	18.8
کم	19	18.8	19.8	38.5
تا حدودی	44	43.6	45.8	84.4
زیاد	12	11.9	12.5	96.9
بسیار زیاد	3	3.0	3.1	100.0
Total	96	95.0	100.0	
Missing System	5	5.0		
Total	101	100.0		

سوال ۲

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	10	9.9	10.2	10.2
کم	16	15.8	16.3	26.5
تا حدودی	44	43.6	44.9	71.4
زیاد	25	24.8	25.5	96.9
بسیار زیاد	3	3.0	3.1	100.0
Total	98	97.0	100.0	
Missing System	3	3.0		
Total	101	100.0		

سوال ۳

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	6	5.9	6.0	6.0
کم	23	22.8	23.0	29.0
تا حدودی	46	45.5	46.0	75.0
زیاد	19	18.8	19.0	94.0
بسیار زیاد	6	5.9	6.0	100.0
Total	100	99.0	100.0	
Missing System	1	1.0		
Total	101	100.0		

سوال ۴

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	6	5.9	6.1	6.1
کم	14	13.9	14.1	20.2
تا حدودی	36	35.6	36.4	56.6
زیاد	33	32.7	33.3	89.9
بسیار زیاد	10	9.9	10.1	100.0
Total	99	98.0	100.0	
Missing System	2	2.0		
Total	101	100.0		

سوال ۵

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	5	5.0	5.0	5.0
کم	13	12.9	13.0	18.0
تا حدودی	33	32.7	33.0	51.0
زیاد	34	33.7	33.0	51.0
بسیار زیاد	15	14.9	34.0	85.0
Total	100	99.0	15.0	100.0
Missing System	1	1.0	100.0	
Total	101	100.0		

سوال ۶

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	6	5.9	6.1	6.1
کم	11	10.9	11.2	17.3
تا حدودی	42	41.6	42.9	60.2
زیاد	28	27.7	28.6	88.8
بسیار زیاد	11	10.9	11.2	100.0
Total	98	97.0	100.0	
Missing System	3	3.0		
Total	101	100.0		

سوال ۷

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	3	3.0	3.0	3.0
کم	13	12.9	13.0	16.0
تا حدودی	39	38.6	39.0	55.0
زیاد	29	28.7	29.0	84.0
بسیار زیاد	16	15.8	16.0	100.0
Total	100	99.0	100.0	
Missing System	1	1.0		
Total	101	100.0		

سوال ۸

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	6	5.9	6.1	6.1
کم	18	17.8	18.2	24.2
تا حدودی	32	31.7	32.3	56.6
زیاد	32	31.7	32.3	88.9
بسیار زیاد	11	10.9	11.1	100.0
Total	99	98.0	100.0	
Missing System	2	2.0		
Total	101	100.0		

سوال ۹

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	12	11.9	12.6	12.6
کم	21	20.8	22.1	34.7
تا حدودی	27	26.7	28.4	63.2
زیاد	30	29.7	31.6	94.7
بسیار زیاد	5	5.0	5.3	
Total	95	94.1	100.0	100.0
Missing System	6	5.9		
Total	101	100.0		

سوال ۱۰

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	11	10.9	11.2	11.2
کم	22	21.8	22.4	33.7
تا حدودی	25	24.8	25.5	59.2
زیاد	36	35.6	36.7	95.9
بسیار زیاد	4	4.0	4.1	100.0
Total	98	97.0	100.0	
Missing System	3	3.0		
Total	101	100.0		

سوال ۱۱

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	6	5.9	6.1	6.1
کم	10	9.9	10.2	16.3
تا حدودی	42	41.6	42.9	59.2
زیاد	33	32.7	33.7	92.9
بسیار زیاد	7	6.9	7.1	100.0
Total	98	97.0		
Missing System	3	3.0	100.0	
Total	101	100.0		

سوال ۱۲

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	8	7.9	8.1	8.1
کم	15	14.9	15.2	23.2
تا حدودی	35	34.7	35.4	58.6
زیاد	32	31.7	32.3	90.9
بسیار زیاد	9	8.9	9.1	100.0
Total	99	98.0		
Missing System	2	2.0	100.0	
Total	101	100.0		

سوال ۱۳

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	5	5.0	5.1	5.1
کم	22	21.8	22.2	27.3
تا حدودی	27	26.7	27.3	54.5
زیاد	33	32.7	33.3	87.9
بسیار زیاد	12	11.9	12.1	100.0
Total	99	98.0	100.0	
Missing System	2	2.0		
Total	101	100.0		

سوال ۱۴

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	9	8.9	9.2	9.2
کم	19	18.8	19.4	28.6
تا حدودی	29	28.7	29.6	58.2
زیاد	34	33.7	34.7	92.9
بسیار زیاد	7	6.9	7.1	100.0
Total	98	97.0	100.0	
Missing System	3	3.0		
Total	101	100.0		

سوال ۱۵

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	9	8.9	9.1	9.1
کم	15	14.9	15.2	24.2
تا حدودی	37	36.6	37.4	61.6
زیاد	30	29.7	30.3	91.9
بسیار زیاد	8	7.9	8.1	100.0
Total	99	98.0	100.0	
Missing System	2	2.0		
	101	100.0		

سوال ۱۶

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	6	5.9	6.0	6.0
کم	17	16.8	17.0	23.0
تا حدودی	37	36.6	37.0	60.0
زیاد	30	29.7	30.0	90.0
بسیار زیاد	10	9.9	10.0	100.0
Total	100	99.0	100.0	
Missing System	1	1.0		
Total	101	100.0		

سوال ۱۷

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	9	8.9	9.0	9.0
کم	17	16.8	17.0	26.0
تا حدودی	36	35.6	36.0	62.0
زیاد	28	27.7	28.0	90.0
بسیار زیاد	10	9.9	10.0	100.0
Total	100	99.0	100.0	
Missing System	1	1.0		
Total	101	100.0		

سوال ۱۸

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	9	8.9	9.2	9.2
کم	14	13.9	14.3	23.5
تا حدودی	38	37.6	38.8	62.2
زیاد	25	24.8	25.5	87.8
بسیار زیاد	12	11.9	12.2	100.0
Total	98	97.0	100.0	
Missing System	3	3.0		
Total	101	100.0		

سوال ۱۹

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	16	15.8	16.0	16.0
کم	16	15.8	16.0	32.0
تا حدودی	33	32.7	33.0	65.0
زیاد	28	27.7	28.0	93.0
بسیار زیاد	7	6.9	7.0	100.0
Total	100	99.0	100.0	
Missing System	1	1.0		
Total	101	100.0		

سوال ۲۰

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	2	2.0	2.0	2.0
کم	9	8.9	8.9	10.9
تا حدودی	27	26.7	26.7	37.6
زیاد	38	37.6	37.6	75.2
بسیار زیاد	25	24.8	24.8	100.0
Total	101	100.0	100.0	
Missing System				
Total				

سوال ۲۱

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	6	5.9	6.0	6.0
کم	19	18.8	19.0	25.0
تا حدودی	42	41.6	42.0	67.0
زیاد	27	26.7	27.0	94.0
بسیار زیاد	6	5.9	6.0	100.0
Total	100	99.0	6.0	100.0
Missing System	1	1.0	100.0	
Total	101	100.0		

سوال ۲۲

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	5	5.0	5.0	5.0
کم	16	15.8	15.8	20.8
تا حدودی	36	35.6	35.6	56.4
زیاد	34	33.7	33.7	90.1
بسیار زیاد	10	9.9	9.9	100.0
Total	101	100.0	100.0	
Missing System				
Total				

سوال ۲۳

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	5	5.0	5.1	5.1
کم	12	11.9	12.1	17.2
تا حدودی	24	23.8	24.2	41.4
زیاد	34	33.7	34.3	75.8
بسیار زیاد	24	23.8	24.2	100.0
Total	99	98.0	100.0	
Missing System	2	2.0		
Total	101	100.0		

سوال ۲۴

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	4	4.0	4.0	4.0
کم	6	5.9	6.1	10.1
تا حدودی	25	24.8	25.3	35.4
زیاد	38	37.6	38.4	73.7
بسیار زیاد	26	25.7	26.3	100.0
Total	99	98.0	100.0	
Missing System	2	2.0		
Total	101	100.0		

سوال ۲۵

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	4	4.0	4.0	4.0
کم	11	10.9	11.0	15.0
تا حدودی	28	27.7	28.0	43.0
زیاد	36	35.6	36.0	79.0
بسیار زیاد	21	20.8	21.0	100.0
Total	100	100.0		
Missing System	1			
Total	101			

سوال ۲۶

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	5	5.0	5.1	5.1
کم	7	6.9	7.1	12.1
تا حدودی	26	25.7	26.3	38.4
زیاد	40	39.6	40.4	78.8
بسیار زیاد	21	20.8	21.2	100.0
Total	99	98.0		
Missing System	2			
Total	101			

سوال ۲۷

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	6	5.9	6.3	6.3
کم	8	7.9	8.3	14.6
تا حدودی	21	20.8	21.9	36.5
زیاد	34	33.7	35.4	71.9
بسیار زیاد	27	26.7	28.1	100.0
Total	96	95.0	100.0	
Missing System	5	5.0		
Total	101	100.0		

سوال ۲۸

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	4	4.0	4.0	4.0
کم	9	8.9	8.9	12.9
تا حدودی	30	29.7	29.7	42.6
زیاد	42	41.6	41.6	84.2
بسیار زیاد	16	15.8	15.8	100.0
Total	101	100.0	100.0	
Missing System				
Total				

سوال ۲۹

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	7	6.9	7.1	7.1
کم	8	7.9	8.2	15.3
تا حدودی	20	19.8	20.4	35.7
زیاد	37	36.6	37.8	73.5
بسیار زیاد	26	25.7	26.5	100.0
Total	98	97.0	100.0	
Missing System	3	3.0		
Total	101	100.0		

سوال ۳۰

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	2	2.0	2.0	2.0
کم	10	9.9	10.1	12.1
تا حدودی	24	23.8	24.2	36.4
زیاد	38	37.6	38.4	74.7
بسیار زیاد	25	24.8	25.3	100.0
Total	99	98.0	100.0	
Missing System	2	2.0		
Total	101	100.0		

سوال ۳۱

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	5	5.0	5.0	5.0
کم	10	9.9	10.0	15.0
تا حدودی	26	25.7	26.0	41.0
زیاد	39	38.6	39.0	80.0
بسیار زیاد	20	19.8	20.0	100.0
Total	100	99.0	100.0	
Missing System	1	1.0		
Total	101	100.0		

سوال ۳۲

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	5	5.0	5.0	5.0
کم	11	10.9	11.0	16.0
تا حدودی	22	21.8	22.0	38.0
زیاد	38	37.6	38.0	76.0
بسیار زیاد	24	23.8	24.0	100.0
Total	100	99.0	100.0	
Missing System	1	1.0		
Total	101	100.0		

سوال ۳۳

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	2	2.0	2.0	2.0
کم	11	10.9	11.0	13.0
تا حدودی	30	29.7	30.0	43.0
زیاد	41	40.6	41.0	84.0
بسیار زیاد	16	15.8	16.0	100.0
Total	100	99.0	100.0	
Missing System	1	1.0		
Total	101	100.0		

سوال ۳۴

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	12	11.9	12.0	12.0
کم	32	31.7	32.0	44.0
تا حدودی	42	41.6	42.0	86.0
زیاد	14	13.9	14.0	100.0
بسیار زیاد	100	99.0	100.0	
Total	1	1.0		
Missing System	101	100.0		
Total				

سوال ۳۵

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بسیار کم	5	5.0	5.1	5.1
کم	10	9.9	10.2	15.3
تا حدودی	38	37.6	38.8	54.1
زیاد	33	32.7	33.7	87.8
بسیار زیاد	12	11.9	12.2	100.0
Total	98	97.0	100.0	
Missing System	3	3.0		
Total	101	100.0		

AFGHAN WOMEN'S SOCIAL & POLITICAL PARTICIPATION

“In the Light of the UN Resolution 1325 & the National programs”

The main purpose of this study is to explore Afghan women's political and social participation in Afghanistan in the light of the UN Security Council's Resolution 1325 and the Afghan Women's National Action Plan 2007-2017 and Women, Peace and Security National program 2018-2022. The study indicates Afghan women's achievements and challenges in regard of their participation in different parts of Afghan society and government.

MOHAMMAD ABUL AHRAR RAMIZPOOR

ISBN 978-9936-1-0296-5



9 789936 102965